



در کتبخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

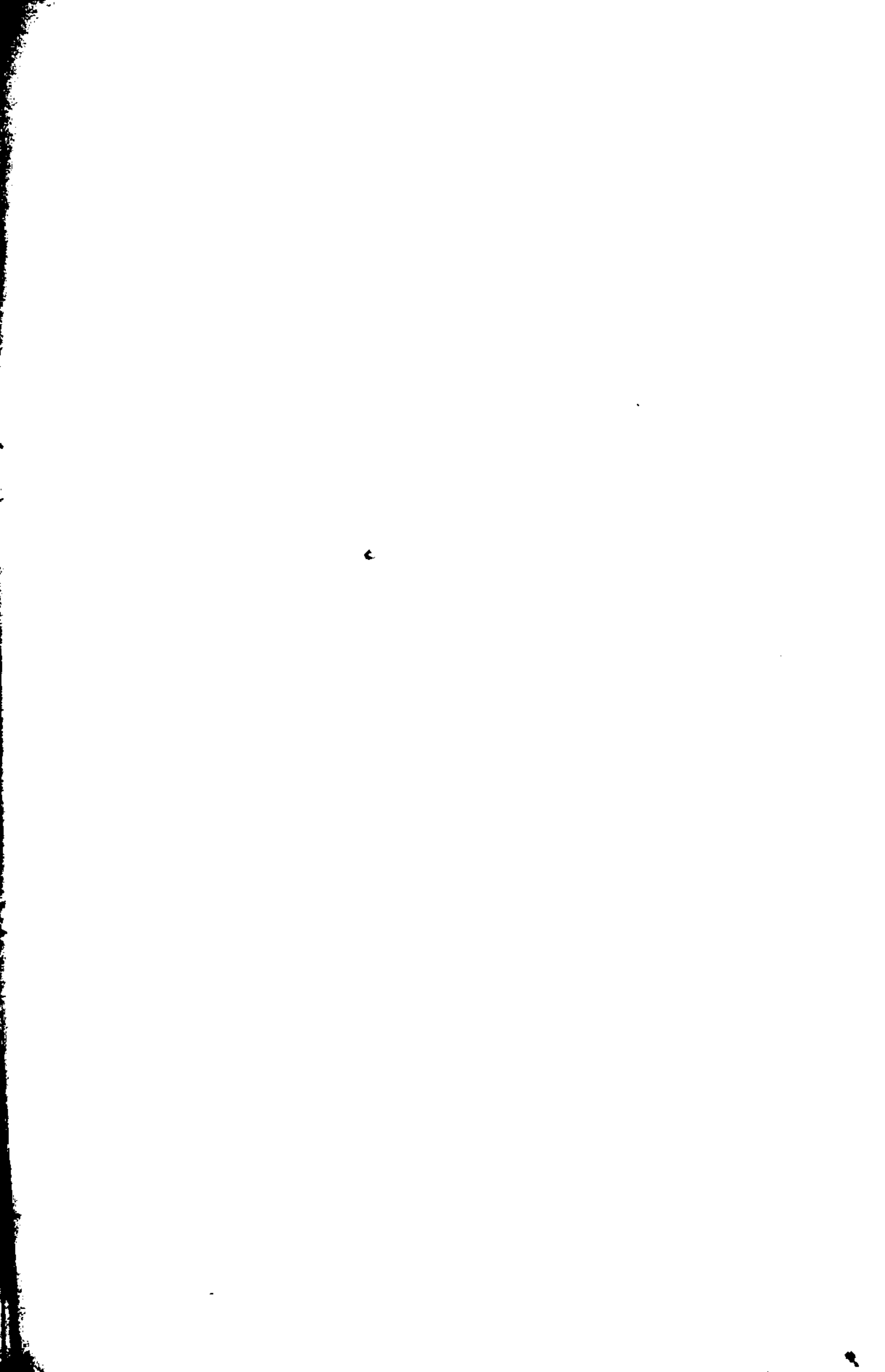




136629

# فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۳-۱	پیشگفتار
۸-۴	تعاریف و اصطلاحات
۹	مراحل پژوهش در تاریخ‌نگاری
۱۲-۱۰	انتخاب موضوع و عنوان پژوهش
۱۸-۱۳	طرح‌مقدماتی تحقیق
۲۶-۱۹	گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق
۲۹-۲۸	تصفیه
۳۲-۳۰	تعیین مسأله در پژوهش
۴۶-۳۳	تحلیل
۴۷	تهیه طرح نهائی
۷۰-۴۸	تألیف و نگارش
۷۲-۷۱	توصیه‌ها
۷۴-۷۳	نتیجه
۱۳۲-۷۵	ضمیمه‌ها
۸۷-۷۶	ضمیمه ۱- منابع تاریخ‌نویسی
۹۷-۸۸	ضمیمه ۲- تأثیر تاریخ در روابط ملت‌ها
۱۳۱-۹۸	ضمیمه ۳- تبدیل تقویم‌های مختلف به یکدیگر
-۱۳۳	فهرست‌ها
۱۳۷-۱۳۵	فهرست مأخذ و منابع
۱۴۴-۱۳۹	فهرست عمومی اعلام



## پیشگفتار

در طی چند سالی که مؤلف با دانشجویان رشته تاریخ دانشگاهها سروکار دارد، همیشه به این نکته برخورد کرده است که دانشجویان برای انجام تکالیف سالیانه و تدوین پایان نامه‌های تحصیلی خود، به سبب اینکه با روش اصولی و اصول تحقیق تاریخ نگاری آشنائی کافی ندارند با دشواریها و مشکلاتی روبرو هستند و وجود این مشکلات موجب می شود حاصل تلاشها و کارایشان به صورت يك تحقیق علمی و دانشگاهی عرضه نشود.

از تأمل در این وضع، شاید بتوان عامل اصلی وجود آن مشکلات را نبودن کتاب و رساله‌ای مستقل درباره روش تحقیق تاریخ نگاری و فقدان هماهنگی میان محتوای جزوات و پلی کپی‌های تدریسی دانست. البته رسالات متعددی هم به فارسی در مورد روش کلی تحقیق به چاپ رسیده که از آن جمله چند رساله و کتاب زیر را می توان نام برد:

آئین نگارش تاریخ	تألیف استاد فقید رشید یاسمی.
روش تحقیق	تألیف عباسقلی خواجه نوری
روش تحقیق	مؤلف نامعلوم، از انتشارات دانشگاه پدافند ملی
	(به صورت پلی کپی)

تحقیق پایان نامه نویسی مؤلف و مترجم نامعلوم، از انتشارات دانشگاه  
پدافند ملی (به صورت پلی کپی)

بررسی ستادی مؤلف نامعلوم، از انتشارات دانشگاه پدافند  
ملی (به صورت پلی کپی)

مقدمه‌ای بر روش تحقیق در

تألیف دکتر بهروز نبوی

علوم اجتماعی

تألیف دکتر جمشید مرتضوی

روشهای جامعه شناسی

تألیف خسرو صادقی

آئین نگارش ارزیابی

ولی با امعان نظر در این تألیفات دیده می شود جز رساله تألیفی استاد فقید  
رشید یاسمی که در مورد نگارش تاریخ است، بقیه کلا برای محققان و دانشجویان  
علوم تجربی و جامعه شناسی تألیف شده و فقط در مورد مبادی روش تحقیق که  
میان دو رشته تاریخ و علوم اجتماعی مشترك است، مطالبی چند در آنها می توان  
یافت که به کار تحقیق تاریخ نگاری می آید.

در مورد رساله تألیفی استاد فقید رشید یاسمی هم که خطاب به مشارالیه (سال  
۱۳۱۶ شمسی) در مؤسسه وعظ و خطابه بوده باید دانست با تمام محاسن و اعتبار  
آن، خاصه که نخستین رساله در مورد روش تاریخ نگاری است، محتوای آن  
چندان جوابگوی تاریخ نگاری جدید نمی باشد.

بنابراین با اذعان به سعی مشکور مؤلفان و نویسندگان این رسالات و کتابها،  
معهدا لزوم تدوین رساله و کتابی در این زمینه که بتواند روش علمی و اصول تاریخ  
نگاری جدید را معرفی نماید به خوبی محسوس می باشد و تدوین این رساله به  
همین ملاحظات و به همین نظر بوده است.

اما از ذکر این نکته نیز نباید گذشت که مؤلف به هیچوجه ادعا ندارد رساله  
حاضر کتابی جامع و بی نقص است بلکه می توان گفت تا کتاب جامع و مبسوطتری  
در این زمینه تدوین و فراهم نشده، امید است این رساله مختصر با همه نقایصش

بتواند برای دانشجویان رشته تاریخ دانشگاهها و آزهائی که قصد تدوین کتاب و رساله‌ای مستقل در زمینه‌های تاریخی دارند راهنمای شناخت روش علمی و اصول تاریخ نگاری باشد.

دکتر جهانگیر قائم مقامی  
۲۸ اسفند ۱۳۵۶





## تعاریف و اصطلاحات

### پژوهش

پژوهش، در مفهوم کلی، یعنی شناخت حقایق موضوعات، و مسائلی که بشر در زندگی خود با آنها روبروست و چون مسائل و موضوعها ممکن است مربوط به گذشته یا حال و یا آینده بشر باشد، بالطبع پژوهش نیز سه حالت متمایز خواهد داشت.

حالت اول، پژوهش تاریخیست که مربوط به مسائل گذشته می شود و حاصل آن به صورت مقالات، رسالات و تاریخها عرضه می شود.

حالت دوم، گزارش و شرح کمی و کیفی مسائلی است که بشر در زمان حال با آنها سروکار دارد و نتیجه ای که از این بررسی به دست می آید، تحت عنوان گزارش امکان می دهد نقایص و نارسائی هائی را که در آن مسأله وجود دارد بتوان شناخت و به رفع و به تکمیل نقایص آن پرداخت.

و بالاخره حالت سوم که مربوط به آینده است، برنامه ریزی نامیده می شود و شامل طرحهائی است مبنی بر بهسازی شئون گوناگون زندگی اجتماع در آینده.

### تاریخ

از مقایسه کیفی سه حالت پژوهش استنباط می شود، تحقیق درباره مسائل

گذشته جهان یعنی شناخت محدوده زمین و آنچه در آن است به همان صورت که در قرون و اعصار پیش بوده است. در این تحقیق باید سیر تحولات آن مسائل و علل وقوع هر يك از تحولات و روابط آنها با دیگر مسائل و رویدادها به نحوی که عوامل زمان و مکان در مورد هر يك از آن مسائل و تحولات در نظر گرفته شود، مورد توجه قرار گیرد و سرانجام يك استنتاج منطقی از مجموع بررسی ها به عمل آید.

به توصیف و بیان مجموع این بررسی ها و تحقیقات، تاریخ به مفهوم جامع و اعم گفته می شود و بدین صورت يك پژوهش تاریخی دارای اعتبار و ارزش علمی خواهد بود. اما چون در این قلمرو وسیع، مسائل مورد تحقیق از نظر کیفیت و کمیت متنوع است، از طرفی هم به سبب گسترش تدریجی و تکامل آنها، هر يك از انواع مزبور امروز خود به صورت دانشی مستقل و بانامی خاص درآمده است، تاریخ نیز دارای رشته ها و شقوق متعددی شده است و از آن میان به بحثی که به تحقیق و شناخت وقایع و رویدادهای جهان و آنچه در قرون و اعصار گذشته بر سرانسانها گذشته است می پردازد، تاریخ به مفهوم و معنی اخص و متداول، اطلاق می گردد.

### محقق و مورخ

در عرف تاریخ نگاری برای آنها که به کار نگارش و مسائل تاریخی می پردازند مراتبی قائل شده اند که برخی آن را سه درجه و بعضی چهار درجه، بدین ترتیب دانسته اند:

### الف- وقایع نگار

وقایع نگار کسی است که آنچه را دیده و شنیده است بر روی صفحات کاغذ می آورد و نوشته های او باید موافق میل و مصلحت کسی باشد که تاریخ را به نام او و یا به دستور و به خاطر او می نویسد. وقایع نگاران به صحت و سقم مطالب و درستی و اصالت آن توجهی ندارند. ملاحظه کاری و قلب مطالب و اغراق گوئی در حاصل کار وقایع نگار بسیار است و تاریخ هائی که وقایع نگاران نوشته اند بیشتر شرح اعمال



و مآثر پادشاهان و امرا و وزرا و توصیف مجالس سور سرور و بیان جنگ‌ها وارد و کشی‌هاست که در آنها همیشه راه غلو و مبالغه و مداهنه در پیش داشته‌اند. چنانکه اگر ممدوح آنها در جنگ فاتح می‌شد، نویسنده داد قلم می‌داد و اگر شکست می‌یافت، آن را فقط «چشم زخمی» می‌خواندند. قتل عام شهر دهلی را که در آن سی هزار تن به قتل رسیدند، «نقش طرفه» و «فتنه عجیب» می‌دانستند که «دهردون» آن نقش و فتنه را «ریخته و برانگیخته» بود<sup>۱</sup> و یا فصد و قتل يك صدر اعظم خدمتگزار را امر گئی طبیعی جلوه می‌دادند که بر اثر «تسلط ثقم و تغلب سقم»<sup>۲</sup> و یا به سبب «اقتحام خون» و ورم پای تافراز شکم<sup>۳</sup> در گذشته است، اکتفا می‌کرد. در کار و قایع نگار از تجزیه و تحلیل وقایع و تحقیق درباره علل و موجبات وقوع حوادث و اثرات آنها ذکر کمی می‌بینیم.

### ب - محقق

محقق کسی است که به وقایع نگاری ندی پردازد، بلکه موضوعی را مورد تحقیق قرار می‌دهد و بامدافه و بررسی در اسناد و مدارك مربوط به آن، آن موضوع را تحلیل و تجزیه و موشکافی می‌کند، گوشه‌های تاریکی از تاریخ را روشن می‌نماید و حقایق و علل و موجبات بروز حوادث را آنچنان که بوده و روی داده است مشخص می‌سازد.

حاصل کار يك محقق تاریخ، يك مقاله، يك رساله و یا يك كتاب در باره يك موضوع كوچك است.

### ج - مورخ

مورخ از مطالعه کلیه اسناد و مدارك موجود و همچنین با استفاده از تحقیقات محققان، با چشم انداز و دید و سیعتری تاریخ يك قوم، يك کشور و در قلمرو

۱- میرزا مهدیخان استرآبادی: جهان‌گشای نادری، تصحیح سیدعبداله انوارص ۳۳۰

۲- رضاقلی خان هدایت، روضه لصفای ناصری، چاپ سنگی، جلد نهم، ص ۵۱۰

۳- میرزا تقی لسان‌الملک: ناسخ التواریخ، کتاب قاجاریه، تصحیح جهانگیر قائم -

مقامی، ج ۳، ص ۱۵۳.

پهناورتری، تاریخ ملل جهان و تمدنهای جهان را تساقفی بسیار دور بررسی و از حاصل کار خود کتاب و یا کتابها تصنیف می کند.

بنابراین مورخ باید با احاطه کامل به فلسفه های تاریخ و داشتن قوه خلاقه و بررسی کامل کلیه مدارك و اسناد مربوط به کار خود، اثری بدیع و گویا که خود حاوی فلسفه ای خاص باشد، به وجود آورد و بزرگترین خصیصه يك مورخ، بیطرف بودن اوست.

برخی از استادان در فاصله بین محقق و مورخ مرتبه دیگری نیز قائلند که تاریخ نویس است و درباره معرفی اومی گویند: تاریخ نویس خود محقق است که با احاطه ای بیشتر از محقق، تاریخ خود را درباره يك دوره و يك سلسله و موضوعی وسیعتر از موضوع مورد تحقیق يك محقق می نویسد. اما باید دانست که این شخص نمی تواند فاقد شرایط يك مورخ باشد و محصول تلاشها و بررسیهای او مشابه کار يك مورخ است جز اینکه توجه خود را در مورد موضوع مورد پژوهش خویش به محدوده ای کوچکتر معطوف ساخته است و این وضع، او را از يك مورخ جدا نمی نماید.

بنابر این تاریخ نویس همان مورخ است و مورخ همان تاریخ نویس و هر مورخی خود محقق است ولی محقق مورخ نیست.

### روش تحقیق

باتوجه به آنچه گفته شد، ارائه يك تاریخ یا يك رساله و يك مقاله تاریخی، خواه به وسیله يك مورخ و یا يك محقق، مستلزم يك سلسله بررسی های علمی است که به اقتضای اقسام سه گانه پژوهش، روش بررسی و پژوهش آن فرق می کند. به این معنی که روش تحقیق درباره مسائل مربوط به گذشته (تاریخ) با مسائل مربوط به زمان حال (گزارش) یا مسائل مربوط به آینده (طرحهای برنامه ریزی) تفاوت بسیار دارد.

و اما به طوری که دیدیم پژوهش تاریخی باید دارای اعتبار و ارزش علمی



باشد و برای دست یافتن به این منظور غائی، يك محقق تاریخ باید مورخ از رعایت اصول و مقرراتی ناگزیر است که در سابق نویسندگان تاریخ مراعات نمی کردند. این اصول و مقررات خاص را روش تحقیق در تاریخ و یا روش تاریخ نگاری نامند و مادر این کتاب از چگونگی آن صحبت می کنیم.

## مراحل پژوهش در تاریخ نگاری

در هر نوع پژوهش و از جمله در پژوهش‌های تاریخ نگاری نظم و مراحل هست که بکار بردن و رعایت آن مراحل الزامیست. درباره تعداد مراحل پژوهش و نیز در اینکه ترتیب تقدم و تأخر آنها چگونه است نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است ولی اغلب این نظریه‌ها در عمل جوابگوی کاملی نیستند. نهایت اینکه با توجه به نظریه‌های مختلف و با در نظر گرفتن نتایج تجربی از تطبیق مراحل مزبور در عمل، يك پژوهش تاریخی را می‌توان شامل هشت مرحله مستقل، اساسی و پیاپی دانست.

- ۱- انتخاب موضوع و عنوان تحقیق.
  - ۲- تهیه طرح مقدماتی.
  - ۳- گرد آوری مدارك و اطلاعات و مواد تحقیق.
  - ۴- تصفیه.
  - ۵- تعیین مسأله.
  - ۶- تحلیل اطلاعات.
  - ۷- تهیه طرح نهائی پژوهش.
  - ۸- تألیف و نگارش.
- واینك شرح تفصیلی هر يك از مراحل مزبور :



## ۱- انتخاب موضوع و عنوان پژوهش

### الف- انتخاب موضوع

انتخاب موضوع از اهم نکات در يك پژوهش تاريخی و اساسی ترين مراحل آن است زیرا امکان اجرای مراحل ديگر تحقيق بستگی تام با کیفیت موضوع دارد. بر مبنای این اهمیت وجودی، موضوع باید دارای شرایط زیر باشد :

\* برای پژوهش مناسب و از نظر عوامل خارجی و شخصی محقق امکان پذیر باشد.

\* برای تحقيق درباره آن، امکان دسترسی به اطلاعات و مدارك لازم باشد.

\* اهمیت موضوع در تازگی آن است و باید به نحوی باشد که در نتیجه

تحقیق آن، نکته‌ای تازه کشف و مطلب تاریک و مبهمی روشن شود و یا اطلاعات و آگاهی‌های موجود را بتوان تصحیح کرد، زیرا در غیر این حالات، پژوهش در- باره آن موضوع، تکرار تحقیقات سابق و یا موادی از تحقیقات قبلی خواهد بود.

\* توجه به زمان و هزینه‌ای که برای انجام پژوهش لازم است در انتخاب

موضوع حائز اهمیت می‌باشد.

\* علاوه بر این ضوابط، توجه به این نکته لازم است که موضوع نباید کلی و

ویا قلمرو پژوهش آن بسیار وسیع باشد. مثلاً انتخاب موضوعی تحت عنوان کلی «تاریخ روابط ایران و انگلستان» «ویا» تاریخ مناسبات ایران با دولتهای خارجی «منطقی نیست، زیرا موضوع نخست، خود شامل مباحث دیگری مثل روابط سیاسی، روابط اقتصادی، روابط فرهنگی، روابط هنری، روابط نظامی و روابط بازرگانی است و موضوع دوم مشتمل بر تاریخ مناسبات ایران با دولتهای بسیاری می باشد که هر یک را نیز می توان به بخشهای کوچکتری تقسیم کرد و یکایک این اجزا و مباحث خود مستلزم تحقیقات بسیطی هستند. بنابراین چون پژوهش هائی که درباره موضوع های وسیع صورت گیرند، سالها بررسی و تحقیق و کار می خواهند، غالباً به پایان نتیجه نمی رسند و اگر هم به پایان برسند به ندرت، کاری اساسی و قاطع خواهند بود. بدین جهات، محقق هر اندازه می تواند، باید قلمرو پژوهش خود را تنگتر کند تا هم فرصت بیشتر برای تعمق و تحلیل مطالب داشته باشد. و هم کار او به پایان و به نتیجه مطلوب و قاطع برسد. مثلاً اگر محققى در نظر دارد درباره تاریخ بازرگانی خارجی ایران تحقیق کند اصلح آن است که موضوع را به بررسی مناسبات بازرگانی با یک کشور، یا به یک نوع کالای بازرگانی با چند کشور یا بازرگانی به طور اعم با همه کشورها ولى در يك محدوده زمانى مثل تجارت خارجی ایران در دوره صفوی محدود نماید و چنانچه می خواهد موضوع منظور او در تمام ادوار مورد تحقیق قرار گیرد بهتر است يك نکته و يك مسأله را در طول ادوار مختلف در نظر بگیرد مثلاً در مبحث روابط ایران و انگلستان موضوع «نقش نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران ویا از روابط اقتصادی ایران و فرانسه» «بررسی حقوق گمرکی» را مورد پژوهش قرار دهد.

بدین ترتیب در پژوهش های تاریخی دو گونه پژوهش می توان قائل شد: پژوهش استاتیک *Statique* و پژوهش دینامیک که به طور خلاصه پژوهش اسیاتیک، تحقیق درباره يك موضوع و یا چند موضوع در يك محدوده كوچك و مقطع زمان مثل «روابط نظامی ایران و فرانسه در دوره قاجار» ویا «تجارت خارجی ایران در دوره

زندیه است و پژوهش دینامیک، تحقیق در خصوص يك موضوع یا چند موضوع در تمام دوره‌ها و یا چند دوره متوالی تاریخ می باشد مثل «نقش نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران» که دروهای صفوی، افشاری، زندی و قاجاریه و زمان حاضر را شامل می شود و یا تاریخچه ارتش ایران که از اندکی پیش از مادها آغاز گردیده است.

### ب - انتخاب عنوان و نام تحقیق

در انتخاب عنوان برای يك اثر تحقیقی، خواه از آغاز شروع به تحقیق و خواه در پایان کار، دقت بسیار باید داشت و آن باید حائز شرایطی باشد:

۱- مشخص و تعیین کننده مفهوم کلی محتوای پژوهش و متناسب با موضوع آن باشد.

۲- کوتاه و ساده باشد.

۳- عقیده و نظریه ثابت و قاطعی را اعلام نکند.

در مورد این شرط اخیر توضیحی لازم است بدین شرح که اگر عنوان و نام مقاله یا رساله و یا کتابی معرف عقیده و نظریه‌ای باشد حاکی از آن است که محقق با پیش-دآوری به تألیف مقاله و کتاب خود پرداخته است.

### مثال:

اگر عنوان يك اثر تحقیقی «علل انحطاط ایران در دوره ساسانیان» و یا «شاه عباس بزرگترین پادشاهان ایران» باشد به خوبی معلوم می شود محقق و مؤلف وجود انحطاط در دوره ساسانیان و بزرگترین بودن شاه عباس را قبول داشته و برای اثبات این نظر و عقیده خود مدارك و مواد لازم را فراهم نموده است. ولی اگر عنوان آنها «تحقیقی درباره انحطاط و دوره ساسانیان» و یا «شاه عباس» باشد، نشان می دهد محقق نظر و عقیده قاطعی درباره موضوع نداشته و اتخاذ نظر را موکول به پایان تحقیقات خود کرده است.

## ۲- طرح مقدماتی تحقیق

پس از اینکه موضوع مورد پژوهش و عنوان آن انتخاب شد، طرح مقدماتی تحقیق را باید تهیه کرد. در پژوهش‌های تاریخی، طرح مقدماتی در واقع فهرستی است از مطالبی که درباره آنها باید صحبت شود و این کار مستلزم تقسیم موضوع به مباحث کوچکتر و تنظیم آن مباحث به صورت ابواب و بخشها و فصول چند است که به سبب همان ابتدائی بودن طرح، در حین پژوهش خواه ناخواه تغییراتی در آنها داده می‌شود ولی به هر حال این طرح محقق را راهنمایی می‌کند که برای تحقیق آراسته‌ای که در نظر دارد به چه نکات دیگر باید توجه داشت و توجه به چه مطالبی زائد است.

طرح مقدماتی، محقق را قادر می‌سازد به پرسشهای بسیاری که درباره موضوع مورد پژوهش در ذهن خود دارد جواب بدهد.

بنابر این، آنچه از يك طرح مقدماتی به دست می‌آید، حدود منطقی است که به پژوهش می‌توان داد و نیز آشنائی و وقوفی است که محقق بر امکانات زمانی و منابع و به شرایط دیگر مثل شرایط اجتماعی و سیاسی خواهد یافت، به این معنی که محقق خواهد شناخت زمان لازم برای پژوهش در چه حدود است، چه منابعی برای کار لازم دارد و آیا امکان دسترسی به آن منابع هست یا نیست و همچنین



خواهد دانست آیا مقتضیات وقت از قبیل شرایط سیاسی و محیط و اجتماع اجازه پژوهش دربارهٔ موضوع مورد نظر را می‌دهد یا نمی‌دهد.

بدین گونه محقق با طرح مقدماتی، حدود تلاش و انتظارات و امکان یا عدم امکان اجرای پژوهش خود را خواهد شناخت و در نتیجه از اتلاف وقت و تلاش زیاد و گمراهی و سرگردانی محقق جلوگیری به عمل می‌آید.

تهیه طرح مقدماتی کار دشواری نیست، زیرا محقق کسی که موضوعی را برای تحقیق در نظر می‌گیرد، چون موضوع مزبور در قلمرو خاص مطالعات خود اوست بالطبع از جوانب موضوع بی‌اطلاع نیست، می‌تواند در همان بدو امر سایه روشنی از محتوای پژوهش خود را رسم کند.

برای روشن شدن این نکته، مثالی می‌آوریم:

فرض کنیم موضوع مورد بحث و پژوهش «مسأله هیرمند در روابط ایران و افغانستان» است. محقق تاریخ عصر قاجار می‌داند افغانستان کشوری است که یکصد و بیست سال پیش، از خاک ایران جدا شده است. رودخانه هیرمند از کوه‌های آن کشور سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی در حدود یک هزار کیلومتر وارد خاک ایران می‌شود و در ایران پس از مشروب کردن قسمتی از اراضی سیستان به دریاچه هامون می‌ریزد. بنابراین به حکم سابقه چندین هزار ساله، حقی غیر قابل انکار و سلب نشدنی برای مردم سیستان و وظیفه و مسؤولیتی دشوار برای دولت ایران ایجاد نموده است. از طرفی، رودخانه هیرمند در اقتصاد کشور افغانستان نیز تأثیر مهم و فراوانی دارد و همین تضاد منافع موجب پدید آمدن مسأله هیرمند در روابط دو دولت شده است که تا یکصد و بیست سال پیش چنین مسأله‌ای وجود نداشت. بنابراین برای بررسی این موضوع، درباره سوابق تاریخی سیستان، هیرمند، مسأله آب سیستان، کشکش‌هایی که بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب هیرمند به وجود آمده است، قراردادهایی که میان دولتین دربارهٔ مسأله مزبور منعقد شده و طرح‌هایی که طرفین برای بهره برداری از آب هیرمند دارند باید مطالبی گفته شود.

این خلاصه‌ای بود از پژوهش درباره موضوع مورد بحث که به بخشها و فصولی چند تقسیم می‌گردد و طرح مقدماتی پژوهش را مشخص و تعیین می‌کند. اما در طرح مقدماتی پژوهش همانگونه که یاد آور شدیم، در ضمن انجام سایر مراحل تحقیق خواه ناخواه تغییراتی پدید می‌آید و از این نظر می‌توان طرح مقدماتی پژوهش را به منزله قواره و قالبی دانست که محقق تاریخ تلاش خود را در آن می‌ریزد و پیکره‌ای که از این قالب بیرون می‌آید نشان می‌دهد که قالب هنوز محتاج به دستکاری‌های دیگری خواهد بود.

افزون بر آنچه گفته شد، با توجه به فهرست مراحل پژوهش و از بررسی طرح مقدماتی نکته‌ای که توجه را به خود جلب می‌کند، موضوع زمان لازم برای اجرای مراحل مزبور است.

ع

قدر مسلم این است که بر آورد این زمان به دو عامل اصلی بستگی دارد :

الف - نوع موضوع و وسعت قلمرو پژوهش درباره آن.

ب - امکانات و محدودیت‌های محقق، شامل:

\* وضع دسترسی به مدارك و منابع.

\* فرصت ممکن برای مطالعه و تحقیق و آن به این مفهوم است که آیا محقق

و کار اصلیش فقط مطالعه و بررسی و تحقیق است یا در حاشیه کار و شغل دیگری به تحقیق می‌پردازد.

\* عوامل غیر قابل اجتناب مثل بیماری، ناراحتی‌های روحی و عاطفی

گرفتار بهای زندگی و روزمره، مسافرت، موانع اجتماعی و سیاسی و ...

ولی با وجود این احوال، هر محقق، با وقوفی که به وضع حال و احوال و

ممکنات و تجربیات خود دارد و با در نظر گرفتن شرایط موضوع مورد پژوهش

می‌تواند به‌طور کلی برای پژوهش خود و همچنین برای هر يك از مراحل آن

زمان متوسطی تعیین کند و معمولاً این زمانها در شرایط متوسط برای يك كتاب

۲۰۰ الی ۳۰۰ صفحه‌ای و یا يك مقاله ۱۰ الی ۲۰ صفحه‌ای به شرح مندرج در

جدول شماره يك می باشد.

جدول شماره ۱ - جدول معیار پیشرفت پژوهش

مقاله		کتاب		زمان	مراحل پژوهش
۲ روز	۱ روز	۵ روز	۲ روز		انتخاب موضوع و عنوان تحقیق
» ۲	» ۱	» ۳	» ۲		تهیه طرح مقدماتی
» ۵	» ۳	» ۲۰	» ۱۰		گردآوری } انتخاب مآخذ معتبر
۲۰ روز	۱۰ روز	۸ ماه	۵ ماه		اطلاعات } تجسس مواد وثبت آنها
۵ روز	۳ روز	۲۵ روز	۱۵ روز		تصفیه
» ۲	» ۱	» ۵	» ۳		تعیین مسأله
» ۲۵	» ۱۵	۸ ماه	۴ ماه		تحلیل
» ۱	» ۱	۲ روز	۱ روز		طرح نهائی
» ۱۵	» ۱۰	۶ ماه	۴ ماه		نگارش و تألیف
۷۷ روز	۴۵ روز	۲۴ ماه	۱۴ ماه		جمع زبان

توضیح: این ارقام که بر مبنای تحریک محقق ورزیده است تا ده درصد قابل کاهش و افزایش است و برای مبتدیان به دو برابر افزایش می یابد.

به محققان مبتدی توصیه می شود که به هنگام آغاز پژوهش جدول پیشرفت کار خود را برابر جدول شماره ۲ و ۳ تنظیم نمایند و به تدریج که تحقیقات خود را انجام می دهند با قید تاریخ شروع و خاتمه هر مرحله، آن را تکمیل کنند.

جدول شماره ۲- جدول پیشرفت پژوهش (کتاب)

زمان معیار		زمان پژوهش			مراحل پژوهش
حداکثر	حداقل	جمع زمان مصرف شده	تاریخ خاتمه	تاریخ شروع	
روز ۵	روز ۲				انتخاب موضوع و عنوان پژوهش
» ۳	» ۲				تهیه طرح مقدماتی
» ۲۰	» ۱۰				انتخاب مآخذ معتبر گردآوری اطلاعات
ماه ۸	ماه ۵				
روز ۲۵	روز ۱۵				تصفیه
» ۵	» ۳				تعیین مسأله
ماه ۸	ماه ۴				تحلیل
روز ۲	روز ۱				طرح نهائی
ماه ۶	ماه ۴				نگارش و تألیف
ماه ۲۴	ماه ۱۴				جمع زمان



جدول شماره ۳- جدول پیشرفت پژوهش (مقاله)

زمان معیار		زمان پژوهش			مراحل پژوهش
حداکثر	حداقل	جمع زمان مصرف شده	تاریخ خاتمه	تاریخ شروع	
۲ روز	۱ روز				انتخاب موضوع و عنوان پژوهش
» ۲	» ۱				تهیه طرح مقدماتی
» ۵	» ۳				انتخاب مآخذ معتبر تجسس مواد و ثبت آنها
» ۲۰	» ۱۰				
» ۵	» ۳				تصفیه
» ۲	» ۱				تعیین مسأله
» ۲۵	» ۱۵				تحلیل
» ۱	» ۱				طرح نهائی
» ۱۵	» ۱۰				نگارش
۷۷ روز	۴۵ روز				جمع زمان

حسن و مزیت جداول مزبور این است که محقق در هر لحظه می تواند از مقایسه ستون های پیشرفت کار خود با ستون های جدول معیار، میزان تعجیل، یا عقب افتادگی و یا تسامح خود را تشخیص داده به اصلاح آن پردازد.

### ۳- گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق

سومین مرحله در پژوهش، گردآوری اطلاعات و مواد تحقیق است که طرح کار، محقق را تا حدودی دریافتن و جمع آوری آنها راهنمایی می کند. منابع و مآخذی که از آنها اطلاعات و مواد تحقیق تاریخ نگاری بدست می آید روزگاری منحصر به ذهنیات می بود و بعدها به صورت کتبی در آمد و امروز شامل انواع گوناگون است<sup>۱</sup> چنانکه لوسین فیور مورخ فرانسوی Lucien Febvre (۱۸۷۸-۱۹۵۶) می گوید با هر چیز که نبوغ و استعداد و ابتکار مورخ و محقق بتواند به کاربرد، مثل کلمات، علامات، مناظر، تکه های سفال، شکل مزارع، علفهای خودرو، خسوف ماه، بست و بندارابه ها، تحقیقات زمین شناسان درباره سنگها و آزمایشهایی که به وسیله شیمی دانان روی اشیاء فلزی قدیمی مثل شمشیر و غیره صورت می گیرد، می توان تاریخ را تدوین کرد<sup>۲</sup>

براین مبنا، منابع و مآخذ تاریخ نگاری، علاوه بر تاریخ های مکتوب که از دیرباز در دسترس محققان بوده است، شامل بسیاری از دانش های امروزی نیز می شود

۱- ر.ك. به ضمیمه ۱ زیر عنوان «منابع تاریخ نویسی»

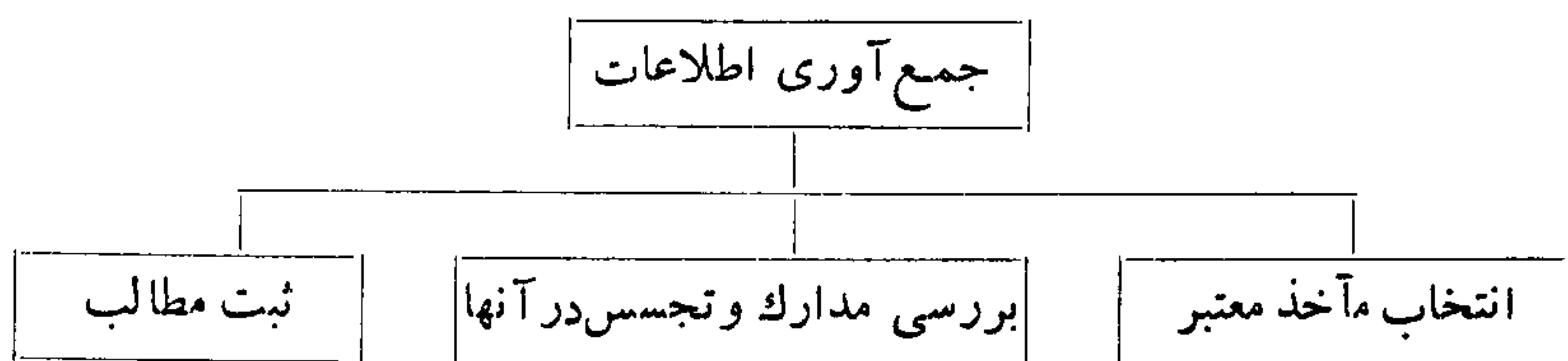
۲- نقل از کتاب تاریخ و روشهای آن L'Histoire et ses méthodes

تألیف چند تن از محققان چاپ پاریس سال ۱۹۶۱، ص ۱۵۱۲.

که دانش‌های معین تاریخ خوانده می‌شوند و عبارتند از جغرافیا و کتابهای مسالك و ممالك، زبان‌شناسی (شامل کنیبه‌شناسی<sup>۱</sup>، پاپیروس‌شناسی<sup>۲</sup> و خطوط قدیمه<sup>۳</sup>)، علم الاسماء<sup>۴</sup>، باستان‌شناسی<sup>۵</sup> (مشمول بر شناخت اشیاء باستانی و عتیقه و آثار تاریخی) سکه‌شناسی<sup>۶</sup>، مهرشناسی<sup>۷</sup>، نسب‌شناسی<sup>۸</sup>، گناه‌شماری، تصاویرشناسی<sup>۹</sup>، آرشیو و اسناد تاریخی، ادبیات و جامعه‌شناسی.

اما شناختن مدارك لازم برای پژوهش از جمع این انواع مختلف، با وجود آنکه هر يك از آنها خود شامل صدها اثر و کتاب و رساله و مدرك گوناگون می‌باشد، کاری دشوار نیست زیرا محققان به اقتضای رشته تخصص و قلمرو بررسی‌های خاص خویش الزاماً مآخذ و منابع کار خود را می‌شناسند و برای مبتدیان هم فهرست‌های متعدد و مختلفی که از کتابها و رسالات چاپی و خطی و عکسی و از مقالات مربوط به هر رشته از دانشها موجود است راهنمای خوب است، مضافاً اینکه فهرست مآخذ و مدارك هر کتاب و مقاله نیز كمك بسیار به محقق می‌تواند کرد.

بدین ترتیب، از انبوه این منابع تعدادی متناسب با موضوع مورد پژوهش جمع‌آوری می‌شود و از این پس در همین مرحله، سه وظیفه دیگر فرا راه محقق خواهد بود که عبارتند از گزینش مآخذ معتبر، بررسی مدارك و تجسس در آنها، ثبت مطالب.



- |                   |                |                 |
|-------------------|----------------|-----------------|
| 1- Epigraphie     | 2- Papyrologie | 3- Paléographie |
| 4- Ornamatologie  | 5- Archéologie | 6- Numismatique |
| 7- Sigillographie | 8- Généalogie  | 9- Iconographie |

## الف- گزینش مآخذ معتبر

چون مدار کی که برای تحقیق درباره موضوع مورد بحث لازم است معلوم شد محقق باید آنها را از نظر اهمیت و اعتبار و اصالت طبقه بندی کند، مدارك دست اول و اسناد اصلی را مقدم بر همه قرار دهد و سپس به مدارك خطی که سواد نسخ اصلی هستند پردازد زیرا همانگونه که هر اندازه واسطه نقل يك خبر بیشتر باشد امکان ضعف در آن بیشتر است، تعداد نسخ يك مدارك هم اگر زیاد باشد امکان تحریف و تصحیف و دگر گونه شدن مطالب آن بیشتر می شود. در این باره می توان مثالی ارائه کرد :

فرض کنید گلوله ای برفی از فراز کوه به طرف دامنه آن بغلتد. هنگامی که آن گلوله به دامنه کوه می رسد چه وضعی خواهد داشت؟ در طی سقوط خود در هر لحظه بزرگ و بزرگتر می شود تا آنجا که در دامنه کوه به صورت يك بهمن در می آید. این بهمن از لحاظ کیفیت جنس ظاهرا مانند همان گلوله برف است، اما از لحاظ کیفیت حقیقی و کمیت چیز دیگری است زیرا چه بسا در مسیر غلتیدن خود مقداری از موادی که در لحظات اول سقوط داشته به اطراف پراکنده شده و مواد مشابهی به آن اضافه گردیده است و نیز موادی از جنس دیگر را هم با خود به قعر دره آورده است.

يك مدارك قدیمی هم که به صورت خطی به دست ما می رسد و نسخ متعددی از آن موجود است به مثابه همان گلوله برفی است که در طی سالها نساخ و کتاب، تحریفات و تصحیفات و حتی مداخلاتی در آن کرده اند.

بنابراین برای انتخاب مدارك معتبر باید آنها را شناخت و ارزیابی کرد. در مورد منابعی از گروه کتیبه ها، پاپیروس ها، خطوط قدیمی، اشیاء باستانی، عتیقه ها و آثار تاریخی، سکه ها، مهرها، تصاویر، نقاشی ها و مینیاتورها باید اصالت آنها معلوم شود و در این خصوص برای يك محقق تساریخ، شهادت و تأیید متخصصان فن کافی است ولی درباره مدارك کتبی، محقق باید خود نقایص بالفعل و نارسائی های بالقوه آنها را دریابد و برای این منظور يك منبع را از سه نظر مورد توجه قرار می دهند و آنرا ارزیابی می کنند:

136629



در این روش، ابتدا باید به بررسی کلیه اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

در این روش، ابتدا باید به بررسی کلیه اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

در این روش، ابتدا باید به بررسی کلیه اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و در صورت لزوم

باید به بررسی اسناد و مدارک موجود در پرونده پرداخت.

و عده‌ای قلیل را جوید و هضم کرد. بدین معنی که کتابهایی هستند که فقط قسمتهایی از آنها مورد مطالعه قرار می‌گیرد، برخی را باید خواند ولی نه با دقت و کنجکاوی و تعداد کمی را باید به طور کامل و با توجه فراوان مورد مطالعه قرار داد<sup>۱</sup> به علاوه به هر نوشته‌ای تا اصالت و اعتبارش مسلم نشده است، باید تردید و احتیاط باید نگاه کرد.

شاید بی‌مناسبت نباشد بدانیم چرا يك محقق به منابع و مدار کی که برای کار خود به آنها مراجعه می‌کند باید با دیده تردید و شك نگاه کند؟ دلیل آن چنین است که وقایع و حوادث تاریخ «مانند امور طبیعی، ما بزاء خارجی ندارند و تنها نوشته‌ها و آثار گذشتگان است که ماجرای آن حوادث و وقایع را درست یا نیمه درست و نادرست برای ما باز می‌گویند.»<sup>۲</sup> و اخبار و مطالبی که در همین مدارک و اسناد هستند مأخذ کار تحقیق و تدوین تاریخ خواهند بود ممکن است برخی مسلمات و پاره‌ای مضمون‌نات باشند. زیرا امکان این هست که اولاً راویان و نقل‌کنندگان حوادث بر اثر بی‌اطلاعی یا تسامح و یا ضعف قوه حافظه، در نقل و قایع اشتباهاتی کرده باشند و یا شرح وقایع به سبب تعصبات و اغراض شخصی کاتبان با تحریفات و مجعولاتی آمیخته شده باشد که بر محقق است این علل را کشف نماید، ثانیاً تعدد راویان و مخبران هم که خود موجب ضعف قول و خبر می‌شوند، دلیل دیگری است که محقق را باید به تردید وادارد. به هر حال، تردید و شك که لازمه يك تحقیق تاریخی است در مورد آثار و قایع نگاران باید بیشتر باشد زیرا نویسندگان این کتابها به ملاحظاتی از قبیل انتفاع، ترس و یا دشمنی‌ها، چه بسیار از مطالب را قلب کرده‌اند و یا وقایعی را که بیان آنها را مصلحت ندانسته‌اند نادیده گرفته‌اند و مطالبی مجعول و ساختگی توأم با اغراق و تملق گوئی در کتاب خود ذکر نموده‌اند.

۱- رساله بررسی ستادی و یادداشتهای مکمل آن، از انتشارات دانشگاه پدافند ملی

ایران (که مؤلف آن معلوم نیست)، نسخه پلای کپی

۲- محمد مهدی فولادوند، خیام‌شناسی، ص ۳۴

به علاوه محقق باید کیفیات و حقایق وقایع مندرج در کتاب و مدرکی را که مورد بررسی اوست خوب تشخیص دهد. برای این کار لازم است محقق در عین حال که حوادث و وقایع را در جلو چشم می گذارد، شرایط زمان و مکان آنها را هم در نظر بگیرد و به اصول سیاست و اوضاع جامعه آن عصر و دوره نیز آشنا باشد. هنگامی خبر و شرح واقعه ای را می توان پذیرفت که علت بروز آنرا بیابیم زیرا وقوع هیچ حادثه ای بدون علت نمی تواند بود و مخصوصاً در تاریخ، اعتماد به درستی يك خبر و حادثه بدون آگاهی از علت آن قابل قبول نیست.

دقت محقق و حسن انتخاب او در مرحله استخراج مواد، معرف و مشخص هنر و اصالت فکری اوست. وظیفه مهم و اساسی يك محقق در این مرحله این است که بدون آنکه درباره جریان وقایع و نتیجه موضوع، از پیش، نظر قاطع و شخصی اتخاذ کرده باشد، به کار استخراج مواد بپردازد. زیرا اگر محقق پیش از مبادرت به جمع آوری مدارك و اطلاعات و نقد آنها، عقیده ثابت و نظری قاطع درباره موضوع و نتیجه آن داشته باشد، خواه ناخواه در مسیر تحقیق و کار، سعی می کند هر چه بیشتر مدارکی برای اثبات عقیده و نظر خود گرد آورد و اسناد و مدارك علیه و مخالف را نادیده می انگارد.

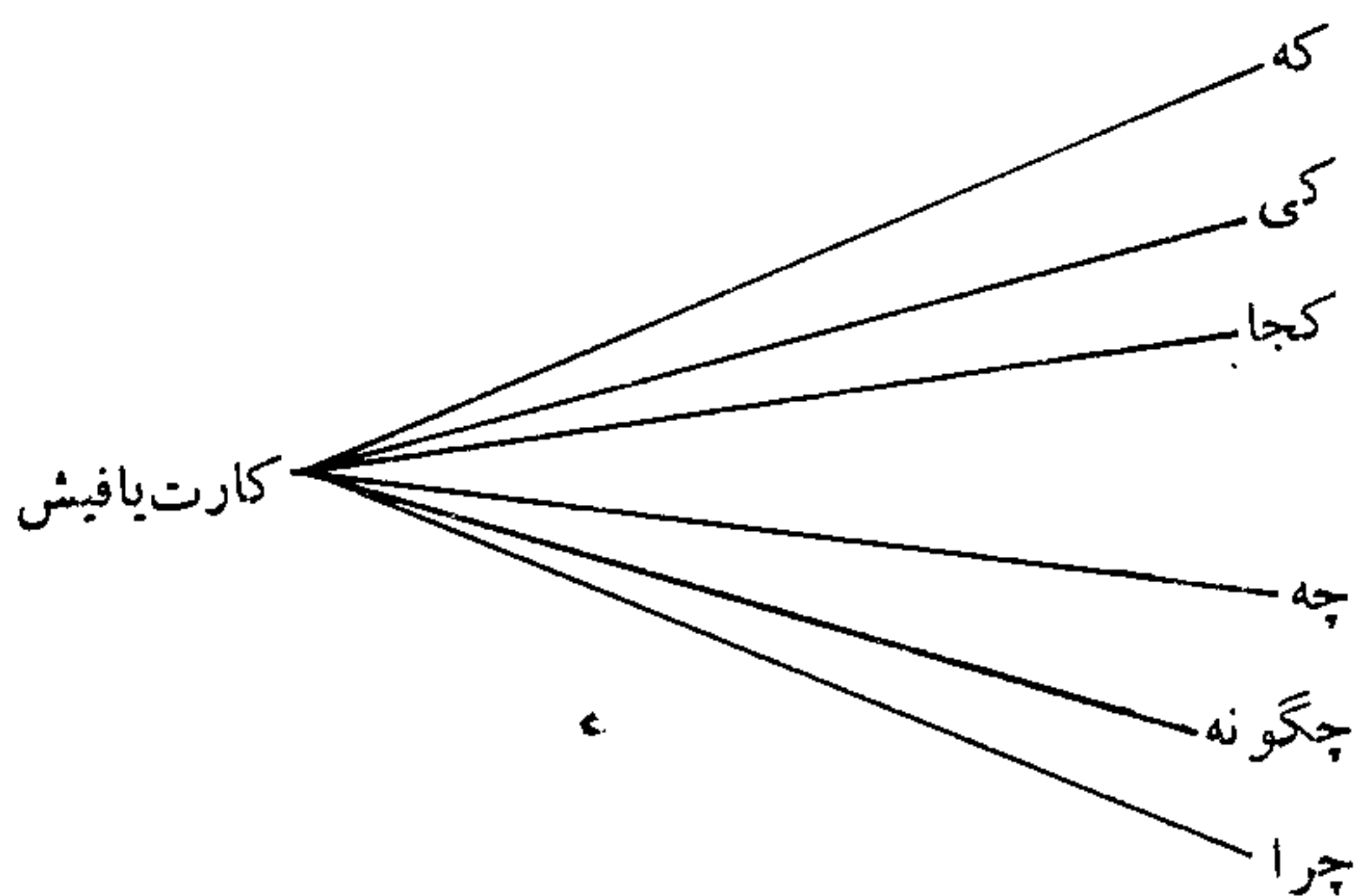
کار دیگری که به موازات بررسی و تجسس اطلاعات باید صورت گیرد، یادداشت برداری و ثبت مطالب است.

در این جا توجه به این نکته ضروری است که در بررسی مدارك و اطلاعات هرگز به قدرت حافظه که آسیب پذیر است نباید متکی بود بلکه مطالبی که برای شناخت موضوع مورد تحقیق لازم است باید حتماً یادداشت شود.

در مرحله یادداشت برداری نباید فراموش کرد که مطالب و اقوال مخالف و موافق درباره يك موضوع، همه را باید یادداشت نمود.

در یادداشت برداری از مدارك و استخراج مواد و مطالب، روش علمی و صحیح این است که مطالب استخراج شده روی کاغذهائی به قطع ثابت به نام فیش و کارت

و در يك روى آن نوشته شود و چون مطلب تمام شد، شماره صفحه مدرک، نام مدرک و اگر مدرک در چند جلد است شماره جلد آن قيد شود. در ثبت مطالب، هر موضوع معمولاً بايد به چند سؤال از پرسشهاى : كه، كى، كجا، چه، چگونه و چرا پاسخ داده شود.



ميزان صحت و جامعيت مندرجات کارتها و فيشها بستگى تام با ميزان اطلاعات محقق و معلومات، وسعت نظر، تخصص و ذوق و خصايص و تبحر او دارد.

حسن روش تنظيم فيش اين است كه به سهولت مى توان آنها را منظم كرد و بر حسب اقتضا مى توان مطالب را جابجا و در چند جا از آن استفاده كرد بى آنكه استنساخ دوباره و سه باره را ايجاب كند. به علاوه محقق، اين فيشها را كه غالباً بر حسب موضوع تنظيم مى شوند، مى تواند در بايگانى و كتابخانه خود نگهدارى و در موارد ضرورى ديگر از آنها بهره بردارى نمايد.

روش فيش بردارى به قسمى در دنياى امروز رايج و متداول است كه محققان اروپائى و امريكائى عموماً بخشى از كتابخانه خود را به قفسه هاى مخصوص نگهدارى فيش اختصاص داده اند و در آنها اقسام فيشهاى مربوط به كارخويش را نگهدارى مى كنند.

چون مطالب يادداشت شده روى فيشها آماده شد آنها را بايد بر حسب



موضوع، تاریخ و توالی مضمون منظم کرد و ممکن است این کار را ضمن یادداشت برداری انجام داد.

در تنظیم فیشها، هر يك از محققان روش مخصوصی بر حسب سلیقه و نوع تحقیقات خود دارند و در این مورد قاعده منجزی نمی توان بدست داد . بدین گونه ، محقق یا مورخ ، اطلاعات لازم را جمع آوری، بررسی، نقد، انتخاب، استخراج و ثبت می کند و سپس برای ورود به مرحله بعدی پژوهش آماده خواهد بود.

## ۴- تصفیه

تا اینجا اطلاعات مستخرجه، موافق و مخالف، معتبر و غیرمعتبر، درست و نادرست جمع آوری و ثبت شده است. در این مرحله باید اطلاعات موثق از غیر موثق جدا شود.

محقق در این مرحله نخست با انبوهی از یادداشتهای ضد و نقیض روبرو است و مشکلی که بیش از هر چیز در مقابل محقق قرار دارد، کار با این یادداشتهاست. در این مرحله، یکایک کارتها و فیشها و یادداشتهای مورد مطالعه و بررسی قرار میگیرد. محقق اطلاعات موثق و معتبر را از اطلاعات غیر موثق و مشکوک جدا می کند و اگر ارزش و اعتبار دو یا چند مدرک و خبر یکسان باشد، محقق به اصل تعدیل و ترجیح رجوع می کند. و جوه ترجیح در این باره شامل دو وجه است:

### الف- ترجیح به سند

در این وضع، اولاً اگر خبری در چند منبع مختلف نوشته و ذکر شده باشد. معتبرتر است از آنکه فقط در یک منبع ذکر گردیده است. ثانیاً اخباری که تعداد واسطه نقلشان کمتر باشد معتبرترند. ثالثاً طبیعی بودن خبر و واقعه که با حقیقت قابل

---

۱- رشیدیاسمی: آئین نگارش تاریخ، ص ۱۷

وفق باشد و مخالف طبیعت و وضع عصر وقوع حادثه نباشد خود معیاری برای اعتبار خبر می باشد، چنانکه ابن خلدون چند نمونه از اخباری را که مورخان پیش از او ضبط کرده اند و چگونگی آن حوادث با طبیعت و وضع زمان محل وقوع آن حوادث، مغایر بوده در کتاب خود نقل کرده است. از جمله می نویسد :

«یکی از نمونه های این گونه اشتباه کاریها، شماره لشکریان بنی اسرائیل است چنانکه مسعودی و مورخان آورده اند، پس از آنکه موسی علیه السلام هنگام آوارگی در تیه اجازه داد هر که طاقت و توانائی دارد، به ویژه از سن بیست به بالا سلاح بر گیرد، به شمردن سپاهیان بنی اسرائیل دست یازید و عده آنها را ششصد هزار تن یا افزونتر یافت در صورتی که اگر وسعت و گنجایش مصر و شام را در برابر چنین سپاه گرانی بسنجیم مایه حیرت می شود. چه هر کشوری را در خور گنجایش آن، لشکریانی است که وظایف نگهبانی کشور را به عهده می گیرند و اگر از میزان معین و لازم در گذرند مایه دشواری و مضیقه آن کشور می شود. گذشته از این، اگر سپاهیان را با این عده افزون تا جائی که چشم کار می کند در دو یا سه صف یا بیشتر جای دهند بعید به نظر می رسد که به سبب تنگی نبردگاه و دوری آن از لشکریان، در لشکرکشی ها و جنگها بتوان از آنها استفاده کرد، زیرا روزگار کنونی گواه صادقی بر این امر است و شباهت گذشته با آینده از شباهت آب به آب هم بیشتر است»<sup>۱</sup>.

ابن خلدون پس از آنکه شواهد و دلایل دیگری بر نادرست بودن این خبر و عدم امکان تطابق آن با طبیعت و وضع آن روز جهان می آورد، می گوید : «اگر سپاهیان بنی اسرائیل به چنین عددی می رسیدند قلمرو فرمانروائی آنان هم توسعه می یافت و دولت آنان بر مناطق وسیعتری حکومت می کرد»<sup>۲</sup>.

به علاوه، ابن خلدون مثالهای دیگری نیز در این زمینه آورده است که همه

۱- مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمود عرفان، ج ۱، ص ۱۴.

۲- مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۴.

دلیل بر آن است که تطبیق وضع طبیعی و وضع اجتماعی با خبر و شرح حوادث که در کتابها آمده است از واجبات و از اموری است که محقق باید بدان توجه خاص داشته باشد.

### ب - ترجیح به اعتبار راوی

در این مرحله، اعتبار و سابقه و شهرت راوی خبر و یا نویسنده سند، بسیار مؤثر و شرط است، زیرا هر نویسنده و راوی که معتبرتر و به حسن سابقه شناخته‌تر است، به گفته‌اش اطمینان بیشتری می‌توان داشت.

از آنچه گفته شد، چنین برمی‌آید که یک محقق باید با دقت بسیار، با بی‌طرفی کامل و با دیدۀ انتقادی (به معنی علمیش) به اخبار و اطلاعات و روایات بنگرد تا حقایق را از عقاید بشناسد و آنها را از یکدیگر جدا کند، زیرا اولاً قبول عقاید به صورت حقایق به منزله قبول خطر گسراهی در پژوهش می‌باشد ثانیاً رعایت نکردن بی‌طرفی در نقد و سنجش اطلاعات موجب قلب حقایق می‌شود که خود معلول غرور، خودپسندی، دخالت دادن عقیده و اغراض شخصی، تکیه کردن به معلومات خود، وجود حب جاه و مقام و یا جبن شخصی و تملق است که محقق برای سنجش صحیح باید از آنها دوری کند.

بدین ترتیب مطالبی بدست می‌آید که باید دارای شرایط و خصوصیات زیر

باشند:

- \* مربوط به موضوع باشند.
- \* از تمام منابع موجود و ممکن، برای شناخت آنها استفاده شده باشد.
- \* خالی از عقاید شخصی و اغراض فردی باشند.

## ۵ - تعیین مسأله در پژوهش

تا این جا روایات درست از نادرست و اخبار و اطلاعات معتبر از ضعف جدا و تفکیک شده است. مورخ یا محقق نیز بر محتوای کلیه مدارک و مستخرجات خود احاطه یافته است. اینک باید به تعیین مسأله در پژوهش خود بپردازد.

تعیین مسأله در یک پژوهش تاریخی به مفهوم آن است که مورخ و محقق نکته ای در طرح پژوهش خود بیابد که محور اصلی و مشترک بین جنبه های مختلف موضوع و تلاشهای آنها باشد. یافتن چنین نکته ای مستلزم امعان نظر کافی و احاطه بر محتوای اطلاعات مستخرجه و یادداشتهاست. این چنین نکته مشترکی چون بدست آید از ابهام و کلیت موضوع می کاهد و تاهنگامی که در پژوهش ، «مسأله» تعیین و معرفی نشود احتمالاً ابهامهایی باقی خواهد ماند.

برای روشن شدن چگونگی مسأله به ذکر چند مثال مبادرت می کنیم:  
فرض کنیم موضوع مورد نظر در پژوهش درباره روابط ایران و پرتغال است. بر اثر بررسی مدارک و مواد و مطالبی که استخراج و یادداشت کرده ایم می دانیم این روابط از سال ۹۱۳ هجری قمری برابر با اوت ۱۵۰۷ با حمله آلبو کرک به جزیره هرمز آغاز شده و تا سال ۱۱۴۸ هجری (۱۷۳۶-۱۷۳۵ میلادی) یعنی در حدود ۲۳۵ سال هجری ادامه یافته است. در طول این زمان تمام تلاش و هدف پرتغالی ها در حفظ



روابط خود با ایران برای نگهداری و یا دوباره بدست آوردن جزیره هرمز بوده است که از منافع اقتصادی آن بهره‌مند می‌شده‌اند ولی همینکه از تصرف آن به کلی مأیوس شدند روابط آنها با ایران هم قطع گردید<sup>۱</sup>. پس وجود جزیره هرمز علت اصلی روابط میان ایران و پرتغال بوده و در پژوهش تاریخ این روابط، نکته مشترك و محور اصلی تحقیق است.

در مثال دیگر:

در نهضت‌های ملی ایرانیان در صدر اسلام محور تلاشها در تمام نهضت‌ها، بر انداختن نفوذ اعراب و کوتاه ساختن دست قدرت آنها از سرزمین ایران می‌بود و آن، مسأله در پژوهش تاریخ نهضت‌های ملی ایرانیان در صدر اسلام می‌باشد. در قلمرو وسیعتر پژوهش، نیز به همین منوال است. چنانکه در تدوین تاریخ تمدن جهان محور اصلی، یافتن روابط تمدن میان ملل گوناگون می‌باشد. اما برخی، «مسأله» و «هدف تحقیق» را یکی دانسته‌اند<sup>۲</sup> و آن درست نیست، زیرا هدف از پژوهش در مورد يك موضوع همیشه از بدو انتخاب موضوع معلوم است و پس از تعیین مسأله، آراسته‌تر و مشخص‌تر می‌شود. ولی می‌توان گفت که مسأله، گاهی عامل اصلی به وجود آمدن موضوع و گاهی یکی از علل آن می‌باشد.

مثال:

مسأله هرموز که در بالا از آن صحبت شد علت اصلی به وجود آمدن روابط میان ایران و پرتغال بوده است.

مثال دیگر؛

اگر موضوع مورد تحقیق بررسی و واگذاری امتیازات به بیگانگان در عصر قاجار باشد.

---

۱- ر، ک، به کتاب «مسأله هرموز در روابط ایران و پرتغال» تألیف جهانگیر قائم مقامی، چاپ سال ۱۳۵۴.

۲- عباسقلی خواجه نوری، روش تحقیق، ص ۱۵۴

تحقیقاتی که در این باره شده است نشان می‌دهد بی‌خبری اولیای امور ایران از اهمیت ماهیت امتیازات، علت اصلی و اگذاری امتیازات بوده و آن، در پژوهش موضوع، مسأله و محور اصلی تلاش است.<sup>۱</sup>

آخرین نکته درباره تعیین مسأله چنین است که در بعضی از رسالات مربوط به روش تحقیق تعیین مسأله را بعد از انتخاب موضوع<sup>۲</sup> و در برخی دیگر، هر دو را یکی دانسته‌اند.<sup>۳</sup> این نیز درست نیست زیرا تا محقق کلیه مدارک و مأخذ خود را بررسی و مواد لازم برای تحقیق را استخراج نکرده باشد بر کیفیت پژوهش و محتوای اطلاعات خود احاطه نخواهد داشت و تا بر این نکات و موارد احاطه و تبصر نباشد امکان تعیین مسأله نخواهد بود.

---

۱- ر . ک . دکتر ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یادوره و اگذاری

امتیازات تهران ۱۳۳۲

۲- تحقیق و پایان نامه نویسی؛ از انتشارات دانشگاه پدافند ملی ایران ترجمه

دکتر میرفخرائی از منابع آمریکائی، [مؤلف معلوم نیست]، پلی‌گپی.

۳- دکتر بهروز نبوی: مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ

سوم، ص ۲۲.

## ۶- تحلیل

«فهم تاریخی ایجاب می کند که از قضایای کلی استفاده شود و این قضایای کلی، جز از طریق تحلیل و مقایسه تاریخی قابل استفاده نیستند.» (آرون ARON).

با مشخص شدن مسأله، به تحلیل آن باید پرداخت. مرحله تحلیل، مرحله اساسی تحقیق است و کار اصلی و خلاقه محقق و مورخ از اینجا آغاز می شود. در این مرحله، چون موجودیت مسأله خود از وقایع و حوادثی که در اطراف آن روی می دهد جدا نیست، به این معنی که گاه وجود مسأله موجب پیدایش وقایعی بسیار، مختلف و متوالی می شود و گاه مسأله در متن رویداد و یا رویدادهای متوالی به وجود می آید، اگر به تحلیل وقایع وابسته و مربوط به مسأله بپردازیم مسأله نیز خود به خود روشن و حل می شود.

در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخ به سه نکته باید توجه داشت :

\* متن واقعه.

\* علل وقوع رویداد و روابط آن با دیگر وقایع.

\* نتایج و اثرات حاصل از واقعه.

و به مجموع این بررسی ها و اقدامات، تحقیق علی می گویند که در طی انجام آن همیشه نظر و توجه به کشف علیت تاریخی است.

در مبحث متن واقعه، مشکل محقق شناخت واقعه به کیفیت می باشد که روی داده است.

در این مورد محقق باید به قدری دقت و امعان نظر به کاربرد که واقعه و رویداد را از نوسازد. البته این کار به میزان کیفیت اطلاعات و مواد مستخرجه بستگی تام دارد ولی باید دانست هر اندازه این پیکره به واقعیت شبیه تر باشد و به میزانی که محقق اجزاء این بنا را بهتر و اصولی تر به یکدیگر مرتبط سازد کشف علل وقوع واقعه آسانتر خواهد بود.

در مورد علل وقوع رویدادها، در پژوهش های تاریخی علل و عوامل حدوث وقایع را فقط در زمان وقوع حادثه نباید جستجو کرد، بلکه باید دانست تخم هر رویدادی سالها پیش کاشته شده و آتش از دیرباز، در زیر پوشش خاکستر، خانه کرده است. تنها، يك بهانه كوچك مثل وزش يك نسیم لازم است که گوشه خاکستر را به کناری ببرد و آتش شعله بکشد. بدین دلیل است که مسؤولیت انقراض هر سلسله را به حساب آخرین پادشاه آن سلسله و خاندان نباید گذاشت، بلکه باید توجه داشت علل و موجبات و مقدمات آن به تدریج و در طول مدت حکمرانی آن سلسله به وجود آمده است، ولی چون مقتضیات زمان و احوال هنوز برای انقراض آن سلسله مساعد نبوده حکمرانی سلسله ادامه یافته است، اما همینکه زمینه برای بروز اثرات آن موجبات و علل مساعد گردیده، با وقوع يك حادثه، گاهی هم حادثه ای بس كوچك و بی اهمیت، بساط قدرت و حکمرانی سلسله سرچیده شده است. باز از همین مقوله است انقلاباتی که در جوامع بشری بروز می کند و هزاران نفر از مردم را نابود و بسیاری از ثروتها و مکنت های مادی و معنوی را معدوم می نماید. تفحص برای یافتن علل مؤثر آن انقلابات در همان ایام کاری بیهوده است، زیرا مقدمات آن انقلابات از سالها پیش فراهم شده است چنانکه انقلاب مشروطه ایران مبتنی بر علل و سوانح فراوان و زمینه هائی بوده که اگر حمل بر مبالغه نشود، ریشه های آن را در دوره های صفوی و افشار و زند و قاجار

باید جستجو کرد و یا علت وقوع جنگ اول جهانی را نباید تنها کشته شدن آرشیدوک شارل ولیعهد اتریش دانست.

پس در مورد علل وقوع حوادث نیز محقق با دشواری‌هایی مواجه است و آن «تعیین نقش رویدادهای مختلف قبلی است که در منشأ يك حادثه وجود دارد»<sup>۱</sup>. برای کشف علت و یا علل، واقعه تاریخی را که «ماهیت پیچیده‌ای» دارد، باید به عناصر کوچکتر تجزیه و روابط آنها را کشف کرد. زیرا «يك رابطه علی هرگز ارتباطی کامل میان تمامیت يك لحظه و يك لحظه قبلی نیست، بلکه، همیشه رابطه‌ایست جزئی و فرضی میان برخی از عناصر پدید آمده منفرد تاریخی و برخی رویدادهای قبلی»<sup>۲</sup>.

در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که فقط بدان علت که حادثه‌ای در زمان معینی در تعقیب حادثه دیگر واقع می‌شود، دلیل بر این نخواهد بود که وقوع حادثه دوم به علت حدوث واقعه اولی بوده است.

بنابراین، در کشف علل وقوع وقایع برخلاف عقیده برخی از تاریخ‌نویسان که می‌گفتند «گذشته مختوم است»، بررسی وقایع قبلی لازم خواهد بود. ولی با همه این احوال باید دانست «به‌همان دلایلی که آینده را نمی‌توان به‌یقین شناخت، در تحلیل علی گذشته نیز نمی‌توان به تبیین ضروری رسید»<sup>۳</sup> نهایت اینکه، محقق و مورخ باید منتهای تلاش خود را به‌کار برند تا خود را به «تبیین ضروری» برسانند.

و بالاخره نکته سوم یعنی نتایج حاصل از واقعه :

---

۱- آرون ARON، «تاریخ و جامعه‌شناسی» ترجمه دکتر نیک‌گهر، در مجله نگین، مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۶. این مقاله ترجمه قسمتی از کتاب «مراحل اندیشه‌های جامعه‌شناسی» تألیف آرون می‌باشد (در متن اصلی ص ۵۱۲) به فهرست منابع و مراجع رجوع کنید.

۲- همان مدرک و در متن اصلی، ص ۵۱۲.

۳- همان مدرک و در متن اصلی، ص ۵۱۴.



این نکته که منظور غائی از پژوهش است، پس از شناخت وقایع و تحقیق درباره علل وقوع آنها معلوم می‌شود و آن مستلزم انجام يك سلسله کارهاست که در مجموع، به آن تجزیه و تحلیل می‌گوئیم.

با امعان نظر به آنچه گفته شد، استنباط می‌شود که برای یافتن پاسخ به پرسش‌های پیچیده و فراوانی که در طی تحقیق این نکات برای محقق پیش می‌آید، روش و راهی مشخص لازم است.

انسان در طول تاریخ برای حل مسائلی که در زندگی خود با آنها روبرو شده راههای مختلفی را بدین شرح مورد بررسی قرار داده است :

الف - قبول شعائر و سنن و مآخذ قدیم.

ب - مشاهده و آزمایش و تجربه.

ج - تحقیق و استدلال.

برای حل مسائل تاریخی، چون آن مسائل نه قابل لمس و مشاهده هستند که بتوان با آزمایش و تجربه به حل آنها توفیق یافت و نه پاسخ‌هایی را که شعائر و سنن و مآخذ قدیمی بدانها داده‌اند به صرف احترام و به حکم قدمت آن مراجع، می‌توان پذیرفت لامحاله باید از طریق سوم یعنی از راه تحقیق و استدلال اقدام کرد. این طریق است که آنرا تجزیه و تحلیل گویند. ولی باید دانست که در پاره‌ای از موارد می‌توان از مشاهده و آزمایش نیز کمک گرفت چنانکه اگر واقعه مورد بررسی در مکان خاصی روی داده است، مشاهده و بررسی آن مکان خود می‌تواند در کشف بسیاری از نکات مؤثر باشد.

### روش استدلالی

ما در این جا به سابقه پیدایش روش استدلالی کاری نداریم. فقط باید دانست که این روش هم تا زمانی که دکارت Descartes (در قرن هفدهم) گفت «هیچ چیز

رانباید واقعی دانست مگر آنکه آن را دقیقاً بررسی کرده و شناخته باشیم<sup>۱</sup> و بدین گونه به اصالت هر چیز شك کرد، بنیاد چندان مستحکمی نمی‌داشت.

دکارت دستوراتی هم برای تحقیق ارائه کرد که محتوای مجموع آنها را می‌توان در عبارت «لزوم تجربه» خلاصه نمود.<sup>۲</sup> دستورات دکارت اگرچه چندان رساو کافی نبود و راه تحقیق را به گونه صریح نشان نمی‌داد، معهذا بر اثر نظریات اوست که روش استدلالی جنبه علمی یافت.

بعدها کانت Kante (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) در قرن هیجدهم ضمن قبول «لزوم تجربه»، اصالت تصور را بیان کرد که مبتنی بر اصول زیر بود:

الف- برای درك واقعبیت‌ها باید اول آنها را حس کرد (تجربه کرد).

ب- پس از احساس واقعبیت‌ها يك سلسله تغییرات ذهنی در ذهن انسان به وجود می‌آید.

ج- مجموعه احساساتی را که بدین گونه در مغز و به صورت نامنظم متمرکز می‌شود، مغز با در نظر گرفتن دو عامل زمان و مکان منظم می‌کند.

د- چون احساسات بدین گونه منظم و مرتب شدند مطلب درك می‌شود.

ه- پس از درك، مطالب به وسیله ذهن فهمیده می‌شود.

و- از فهم مطالب، می‌توان تشخیص داد<sup>۱</sup>.

خلاصه این اصول آنکه اگر واقعبیت‌ها احساس یا به عبارت دیگر تجربه نشوند نمی‌توان آنها را تشخیص داد.

بدین ترتیب کانت نظریه دکارت را تأیید کرد و درباره مکانیسم تشخیص نظریه جدیدی ارائه نمود. اما او هم راه عملی آن را نشان نداد تا آنکه هگل Hegel

---

۱- در خطاب به روش تحقیق Discours de la Méthode و عبا سقلى خواجه

نورى، روش تحقیق، ص ۳۴-۳۵

۲- خواجه نوری، همان صفحات

۱- خواجه نوری، ص ۳۶-۳۷

(۱۷۳۱-۱۷۷۰) در قرن نوزدهم نظریات جدیدی آورد و نظریات او مبنای تحقیقات جدید علمی شد.

هگل در روش خود که به روش جدلی *Méthode dialectique* نامیده شده است، گفت:

الف- تصور هر چیز با در نظر گرفتن رابطه و روابط آن چیز با سایر چیزها ممکن است و بی آنکه چیزی را با سایر چیزها بسنجیم، شناخت آن چیز ممکن نیست.  
ب- هر چیز به سوی ضد خود کشیده می شود و ترکیب آن دو، شکل عالیتری به وجود می آورد و آن مفهوم حرکت دیالکتیکی است. مثل جذب مرد وزن و تولد فرزند و تشکیل خانواده.

ج- پس هر تغییری از جمع اضداد است و ازدو ضد، آن را که اول مورد نظر قرار گیرد بر نهاد (*Thèse*) و دیگری را برابر نهاد (*Antithèse*) و نتیجه ترکیب را، هم نهاد (*Synthèse*) نامند<sup>۱</sup>.

در تحقیقات تاریخی، بر نهاد همان مواد مستخرجه از منابع و مدارك است که برخی حقایق اند و برخی مغایر حقایق می باشند و معمولاً به نکاتی که حقیقت هستند و باید اثبات شوند بر نهاد (*Thèses*) و به مطالبی که مغایر حقایق اند برابر نهاد (*Antithèse*) اطلاق می کنند.

بنابراین، برای استدلال، بر نهادها و برابر نهادها را باید بررسی کرد و آنها را بایکدیگر سنجید.

از آنچه گفته شد، چنین بر می آید که عامل موثر و اصلی در یک تجزیه و تحلیل، «تفکر» است که در اصل به دو صورت «تفکر رو یائی» یا «تصوری» و «تفکر حقیقی» یا «منطقی» جلوه می کند و از آن دو، آنکه در تحقیقات تاریخ نگاری مورد عمل و استفاده قرار می گیرد، نوع اخیر آن یعنی تفکر «منطقی» است و یک محقق باید نگذارد هرگز تفکر رو یائی و تصوری در پژوهش او دخالت کند، زیرا تصور رو یائی بستگی

۱- همان مرجع، ص ۳۹ - ۳۸ و بررسی ستادی با یادداشتهای مکمل آن

به عوامل شخصی و فردی مثل حواس پنجگانه، وضع روحی مثل تعصبات، عواطف و احساسات مختلف (خشم، مهر، کینه، انتقام، حسادت و . . .) و وضع جسمانی (خستگی، تشنگی، گرسنگی و بیماری) و بالاخره استقرار شخصیت و شکل گیری انسان دارد و هر یک از این عوامل ممکن است موجب انحراف محقق از راه کشف حقیقت گردد.

پس در پژوهش، موضوع و یا مسأله را برای تجزیه و تحلیل باید به دست تفکر منطقی سپرد و بایکی از دو طریق زیر به تحلیل آن پرداخت:

الف - روش قیاسی یا تحلیلی *Méthode deductive*

در این طریقه، استدلال و نتیجه گیری از کل به جزء است. به این معنی که موضوع و مطلب را به طور کلی در نظر می گیرند و نتایج حاصل از بررسی ها را در باره اجزاء متشکل آن نیز تعمیم می دهند. بنابراین از اصل به نتیجه و از قانون به مواد اطلاق می رسند.

مثال:

در هر کشوری که حکومت دموکراسی حکم فرماست ملت راضی است. ملت های الف و ب و ج راضی هستند.

پس در کشورهای الف و ب و ج حکومت دموکراسی حکم فرماست.

ب - روش استقرائی یا ترکیبی *Méthode inductive*

در بررسی و نتیجه گیری در این روش، برعکس روش قیاسی، از اجزاء به کل و از اثرات به مؤثر و از معلول ها به علت می رسند. در این طریقه چون نخست اجزاء متشکل موضوع را می شناسند، از جمع و ترکیب آن اجزاء کل را نیز خواهند شناخت.

مثال:

مردم کشورهای الف و ب و ج ملی ناراضی هستند.

در کشورهای الف و ب و ج حکومت مطلقه و استبدادی حکم فرماست.  
پس در هر کشوری که حکومت مطلقه و استبدادی حکم فرماست مردم آن  
کشور ناراضیند.

و اما چون هدف تحقیق شناخت امور و روابط موجود بین امور است « به  
نحوی که ذهن، آنها را با هم ترکیب کنند»<sup>۱</sup> و حال آنکه «قیاس ذهن را مقید می کند»<sup>۲</sup>  
ناگزیر در تحقیقات علمی و از جمله در پژوهش های تاریخی روش استقرائی بر روش  
قیاسی مرجع است.

مثال:

اگر موضوع مورد پژوهش بررسی درباره « تأثیر تاریخ در روابط بین  
ملت ها » باشد.

این موضوع کلی را به عوامل مؤثر کوچکتر تجزیه می کنیم . ( روش  
استقرائی ). برای این منظور نخست لازم است بشناسیم چه مسائل و عواملی موجب  
برقراری ارتباط بین دو ملت می شود . این عوامل عبارتند از: عوامل جغرافیائی و  
اقلیمی ، نیروهای اقتصادی، جمعیت، احساسات ملی ، فرهنگ و هنر، جنگها و  
سیاست مردان سیاسی.

یکایک عوامل مزبور را بررسی و تشریح کرده و از شرح و تفصیل آنها استنباط  
می کنیم نحوه روابط دویا چند ملت در گذشته چه گونه می توانسته است بود و چه  
در گیریها ، تضادها، ناهماهنگیها و اختلافات می توانسته است بین آنها وجود داشته  
باشد و چه نیازمندیها ، دوستیها ، پیمانها و همکاریها آنها را به یکدیگر نزدیک و  
مرتبط می ساخته است. چون علل و انگیزه های اختلافات و قطع روابط و وسایل  
دوستیها و اتحادها و همکاریها شناخته شد، راه و وسیله برقراری روابط دوستانه  
شناخته می شود و می توان امنیت و صلح را بین دو ملت و ملتها برقرار نمود و آن تاریخ

۱-۲- فرانسیس بیکن (۱۶۲۶-۱۵۶۱) Francis Bacon به نقل از عباس-

قلی خواجه نوری، روش تحقیق، ص ۳۲-۳۳.



است که کلیه این تحولات و تغییرات را از نظر ما می گذراند و ما را به نشیب و فراز - های روابط بین ملت ها آشنا می سازد و در روشنائی این چراغ هدایت که تاریخ فرا - راه ما می گذارد ، اجتماعات بشری - اگر خود بخوانند - در روابط بین خویش به سوئی راهنمایی می شوند که آنجا ، برادری و انسانیت وجود دارد و این خود تأثیر تاریخ در روابط بین ملت ها است. اما اگر ما اطلاعات و آگاهی هائی از تحول هر يك از این مؤلفه ها نداشته باشیم نمی توانیم به بحث و تحقیق خود ادامه داده و به این نتیجه برسیم<sup>۱</sup>.

به طوری که دیدیم؛ در این روش نخست به شرح موضوع پرداختیم و سپس از جمع بررسی ها به شناخت مسأله موفق شدیم.

ماکس وبر Max weber جامعه شناس آمریکائی نظریه دیگری نیز طرح کرده و گفته است «چنانچه تبیین علی و واقعه منفردی که بیش از يك بار حادث نشده منظور باشد ، لازم است پس از تحلیل واقعه منفرد تاریخی و رویدادهای قبلی، با استفاده از تجربه ذهنی فرض شود که یکی از رویدادهای قبلی واقع نشده یا به طرز دیگری واقع شده است . . . . و تحلیل علی که در مورد يك واقعه منحصر به فرد تاریخی می گردد می باید با تغییر فرض یکی از عوامل به دست آمده باشد و باید سعی کرد به این سؤال جواب داد اگر واقعه مذکور روی نمی داد یا به شکل دیگری روی می داد چه پیش می آمد؟»

وبر، سپس اضافه می کند «باید تحولات احتمالی را که با فرض تغییر یکی از رویدادهای قبلی پیش می آید با تحولات واقعی مقایسه نمود تا بتوان نتیجه گرفت که رویداد مذکور که به طور فرضی تغییر یافته یکی از علل اصلی واقعه مورد بررسی است»<sup>۲</sup>.

اما این نظریه از طرف بسیاری از تاریخ نویسان اهل فن مورد انتقاد قرار گرفته

۱- برای تفصیل این تحقیق به ضمیمه ۲ در همین کتاب رجوع کنید .

۲- آرون ، تاریخ و جامعه شناسی و در متن اصلی آن ، ص ۵۱۳

است و معتقدند «این روش معرفت به آنچه که هرگز به یقین دانسته نخواهد شد، معرفت کاذبی را القاء می کند»<sup>۱</sup>.

و حق این است که به کار بردن این نظریه مفید فایده چندانی نیست زیرا سؤالاتی که بدین گونه مطرح می شوند هرگز صورت واقعیت نیافته اند. اما درپاره‌ای از موارد خاص، جواب کوتاه و ساده‌ای به دست می آید مثل اینکه پرسیده شود «اگر مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را امضاء نمی کرد و یا اگر مجلس شورای ملی ایران قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیس را می پذیرفت چه می شد؟

پاسخ سؤال اول این است که کشمکشها بالامی گرفت و خونریزیها بیشتر می شد و بیش از این پاسخی که به حقیقت نزدیکتر و قطعی تر باشد نمی توان داد. در مورد پرسش دوم هم جواب این است که ایران اختیار مالی و نظامی خود را به دست انگلیسها می سپرد و آنها بر همه چیز ایران حکومت می یافتند.

و اما نتیجه این پاسخها چیست؟ تنها چنین است که مظفرالدین شاه کاری خوب و اساسی کرد و مجلس شورای ملی نیز با اقدام به وظیفه ملی خود حقوق ملت ایران را حفظ نمود و این هر دو نتیجه بی آنکه با فرض «اگر» به دست آیند برای يك محقق تاریخ با امعان نظر در وقایع، خود به خود معلوم می شود.

بنابراین، واقعیت همان است که وقوع یافته و مورخ و محقق جز با واقعیت کاری ندارند.

### همنهاد Synthèse

از مقایسه برنهاها و از قبول برخی ورد پاره‌ای از آنها نتیجه‌ای بدست می آید که به آن همنهاد یا سنتز Synthèse گویند. بدست آوردن هم نهاد، نقش بزرگ محقق و هدف پژوهش اوست. کار محقق در این مرحله مانند کار زنبور عسلی است که ساعت‌های بسیار روی گل‌های گوناگون می نشیند، شیره آنها را می چشد

۱- همان مدرک، همان صفحه.

ولی بعضی را می‌پذیرد و از آنها تغذیه می‌کند و برخی دیگر را نادیده می‌گیرد و سرانجام از جمع آن همه مواد گوناگون ماده دیگری (عسل) می‌سازد که با وجود اینکه مأخذ و اصل آن، همان شیره گلهاست ولی ماهیت آن چیز دیگری است و هیچ به‌شیره گلها شباهت ندارد.

صحت و اعتبار هر نهاد بستگی تام به رعایت و نظم و صحت مراتب پژوهش دارد و باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - نتیجه ارزیابی منطقی بحث‌ها باشد.

ب - با محتوای فصول و بخشها سازگار باشد.

ج - دنباله و ادامه بحث‌ها نباشد.

د - شامل مواد محدود کننده و تأیید کننده در بحث نباشد.

و کمال نهاد به مایه علمی، قدرت خلاقه، ذوق و ابتکار محقق و مورخ بستگی

دارد. در این جا است که گفته فلسفی نیچه Nietzsche که می‌گوید:

« کسی که باید صاعقه‌ای برافروزد، باید خود دیرزمانی ابر باشد » مصداق

پیدا می‌کند.

بنابراین، هر اندازه خصایصی که برای محقق و مورخ برشمردیم بالاتر و

عالیتر باشد، سطح نهاد نیز بالاتر و عالیتر خواهد بود، ولی هرگز سطح نهاد

از سطح شخصیت علمی و مختصات محقق و مورخ بالاتر نمی‌تواند بود، لیکن

پائین تر هم نباید باشد. بدین جهت، در داوری راجع به يك اثر تحقیقی، وقتی می‌بینیم

نهاد و یا نهادهای آن عالی نیست می‌توان گفت که یا سطح شخصیت علمی

محقق پائین بوده و یا محقق، تحقیق خود را سرسری انجام داده و در یکی دو مرحله

از مراحل پژوهش او تسامحات و بی‌دقتی‌هایی روی داده است (رجوع کنید

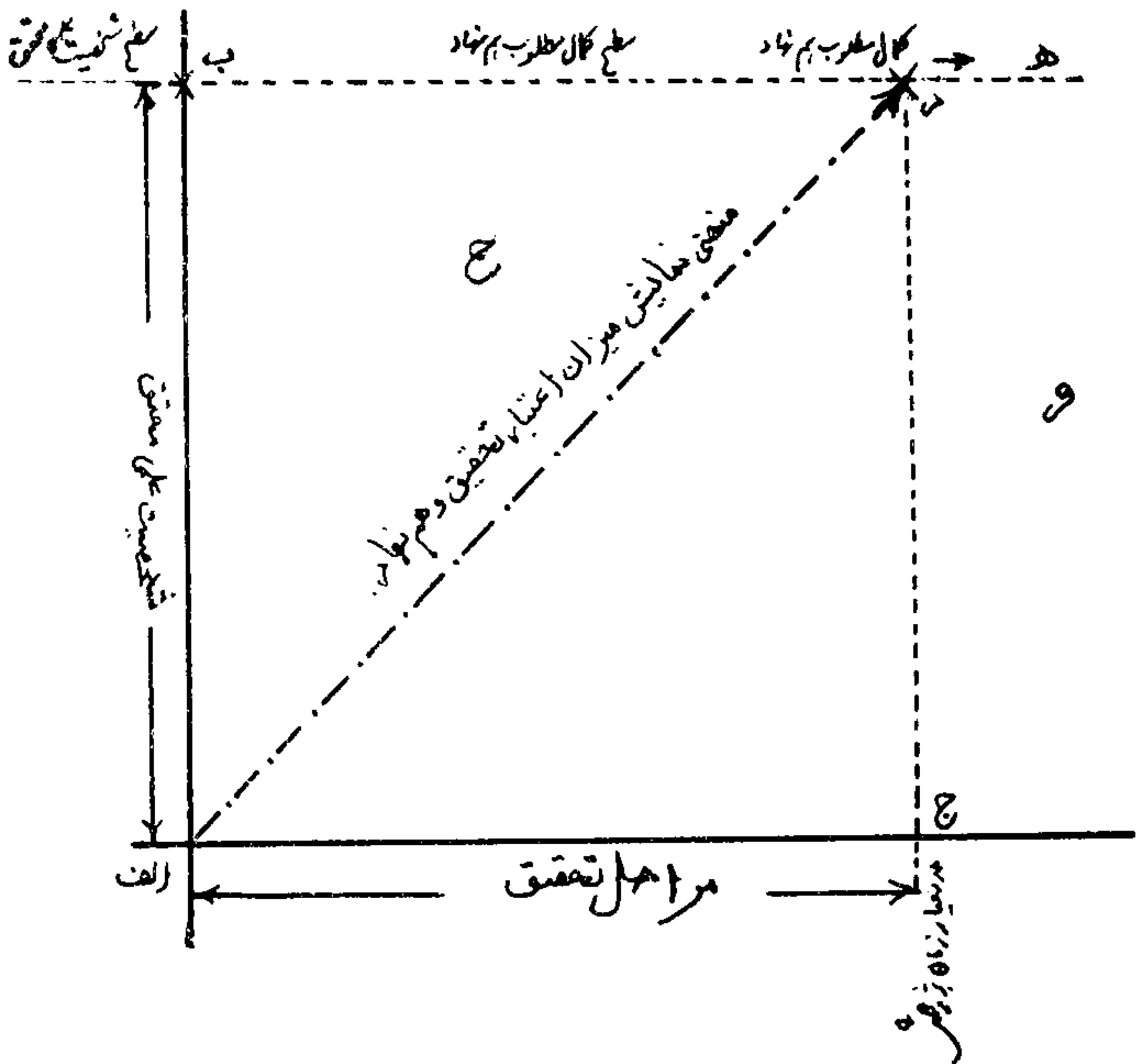
به نمودار شناخت میزان اعتبار نهاد - نمودار شماره ۱).

تعیین اینکه این تسامحات و بی‌دقتی‌ها در کدام يك از مراحل پژوهش پیش آمده

است، با توجه به جداول معیار پیشرفت پژوهش (جداول شماره ۲ و ۳) و دقت در

مسیر تحقیقات محقق تا حدودی امکان پذیر است.

نمودار شناخت میزان اعتماد هم نهاد (نمودار شماره ۱)



۱- خط ب-ه سطح کمال مطلوب و نقطه د، کمال مطلوب هم نهاد در تحقیق

است.

۲- اگر منحنی نمایش (خط الف-د) قبل از نقطه د به سطح کمال مطلوب

برسد دال بر ضعیف بودن تحقیق و وجود نارسائی هائی در آن است.

۳- اگر منحنی نمایش در منطقه و به سطح کمال مطلوب برسد و سواس و

ملاحظه کاریهای محقق و یا وجود عللی را می رساند که موجب تأخیر در تحقیق

شده است.

۴- چنانچه منحنی نمایش در یکی از مناطق ه و و ز قرار گیرد و به سطح

کمال مطلوب نرسد نشانه بی اعتباری تحقیق و غیر قابل اعتماد بودن آن است و

بدترین وضع هنگامی است که منحنی در ناحیه ز قرار گرفته باشد.

بدین گونه با ارائه همپادهای منطقی و علمی، يك اثر تحقیقی عالی پدید می آید که می تواند به سؤالات بسیاری پاسخ بگوید، مشکلاتی را که در اطراف موضوع مورد بحث بوده است بگشاید، اشتباهات تحقیقات سابق و نارسائی های آنها را رفع نماید. به نسبتی که يك اثر تحقیقی در این راه موفق شود ارزنده تر و کاملتر است و کاملترین اثر تحقیقی درباره يك موضوع آن است که لااقل، تا سالها نتوان نکته ای بر آن افزود و یا مطالبی از آنرا رد کرد.

با امعان نظر در بررسی مرحله تحلیل به سه نکته مهم بر می خوریم که وجه مشترك جزئیات متشکل عمل تحلیل می باشند :

\* نخست، نقش زمان و مکان در تحقیق است که در پاره ای از موارد هم بدانها اشاره ای شد و در مرحله تحلیل، بالاخص باید به عوامل مزبور توجه بسیار داشت و نیز باید دانست که منظور از زمان و مکان این نیست که تحقیق در چه زمانی و در چه مکانی صورت می گیرد، بلکه زمان در تاریخ یعنی زمانی که واقعه و رویداد مورد بحث در آن زمان روی داده است و به هنگام پژوهش هر رویداد باید مقتضیات زمان را به خوبی بشناسیم. شناخت مقتضیات مکان وقوع واقعه هم خود حائز اهمیت است. چنانکه از بررسی درباره اردو کشی نادر شاه به هندوستان و اردو کشی خشیار شا به یونان که هر دو از طولترین اردو کشی های تاریخ هستند، هنگامی که به ممکنات حمل و نقل و مسأله تدارکات در آن زمان بیندیشم به عظمت عمل نادر شاه و خشیار شا پی خواهیم برد.

در مورد اهمیت مکان به نقش موقعیت و وضع جغرافیائی و اقلیمی مکانی که واقعه در آن جا روی داده است باید توجه کرد چنانکه اگر از دوسپاه متخاصم، یکی در دشت و دامنه کوهستان و دیگری در ارتفاعات و در پناه صخره های طبیعی و سر کوب به دشت مستقر شده باشد، پیروزی با آن است که در ارتفاعات و موضع مستحکمتر جای دارد و همچنین مردم مناطق گرمسیری در نواحی سرد سیر و سرمازا مقاومت نخواهند داشت.



\* نکته دوم قضاوت در مراحل پژوهش است.

قضاوت در عمل به دو گونه صورت می گیرد: قضاوت ابژکتیف Objectif یعنی تحقیق بر اساس بررسی بدون پیش داوری. دیگری قضاوت سوژکتیف Subjectif که مبنای آن بر استنباط، هوش و سلیقه محقق می باشد. در تحقیقات تاریخی قضاوتها به صورت ابژکتیف صورت می گیرد.

شرط اصلی قضاوت در مسائل تاریخی، چون در دیگر مسائل، بی طرفی محض است. محقق تاریخ و مورخ چنانکه پیش از این هم گفته شد، باید مصداق قول پولیب باشد که گفته است: «همینکه شخصی وضع و حالت معنوی مورخ را اختیار می کند، بر او لازم می آید که همه ملاحظات را از یاد ببرد. ملاحظاتی از قبیل محبت بادوستان و کینه ورزی بادشمنان. وی گاه باید به مدح اعداء و به ذم احباء بپردازد». يك محقق و يك مورخ در حین پژوهش های خود از غرور و خودپسندی، دخالت دادن عقیده شخصی، تکبر به معلومات خود، حب جاه و مقام، جنین شخصی، ترس، تملق گوئی و کلیه اغراض و احساسات و عواطف انسانی باید عاری باشد، زیرا وجود هر يك از این عوامل، موجب قلب حقایق می شود.

\* نکته دیگر و بسیار مهم، اینکه هرگز زمینه ذهنی محقق و یا به عبارت دیگر، پیش داوری او نباید در قضاوت و کار او دخالت کند، بلکه يك محقق باید فکر خود را از نظریات پیشین خود درباره موضوع مورد تحقیق به کلی خالی نگهدارد، زیرا پیش داوری که مانع قبول استدلال و منطق می گردد، مانع تفکر منطقی و تعقل محقق نیز خواهد شد.

## ۷- تهیه طرح نهائی

به نسبت پیشرفت پژوهش و به مقتضای محتوا و چگونگی موادی که به تدریج به دست می آید، لزوم تغییر و دستکاری در طرح مقدماتی نیز محسوس می گردد و محقق رفته رفته در می یابد که باید طرح اولیه خود را تصحیح و یا طرح دیگری جایگزین آن نماید. این طرح نوین را طرح نهائی گویند.

در این مرحله، یادداشت ها و فیش هائی که درباره مواد تحقیق آماده شده است در قالب طرح نهائی جایگزین می گردد و محقق برای اجرای مرحله بعدی پژوهش آماده می شود.

## ۸ - تألیف و نگارش

تا آغاز این مرحله ، محقق و مورخ کلیه مدارك لازم و مفید را دیده ، خوانده و از غربال انتقاد و تحقیق گذرانده است و با یادداشت‌هایی که از آن مدارك و اسناد استخراج نموده ، اقوال موافق و مخالف را در برابر چشم دارد ، وقایع درست را از حوادث مجعول تمیز داده است ، علل و موجبات پیدایش هر يك از رویدادها را به خوبی شناخته و اثرات آن وقایع را نیز در دست دارد و بدین گونه به کلیه جوانب موضوع خود محیط و بصیر می باشد حال می تواند موضوع مورد نظر را آن چنانکه بوده تشریح کند و حاصل تحقیقات خود را به صورت منظمی به روی کاغذ آورد و آنها را در قالب طرح‌نهایی خود منظم و ارائه نماید .

هنر محقق و مورخ ، در این مرحله ظاهر می شود و در این مرحله از کار است که ذوق و سلیقه و نظم فکری او خود نمایی می کند . مورخ و یا محقق در این مرحله از تاریخ نویسی مانند معماریست که پس از فراهم آوردن مصالح بنا ، باید از روی نقشه درست ، دست به کار ساختمان گردد .

بر اساس آنچه گفته شد ، تألیف و نگارش تحقیق تاریخی از این لحظه آغاز می شود و در نگارش و تدوین يك تحقیق تاریخی ، مانند سایر تحقیقات علوم انسانی ، رعایت نظام و مقرراتی مخصوص الزامی است .

در این مرحله ، محقق و مورخ باید دواصل انفصال و عینیت را مراعات کنند. منظور از انفصال و عینیت در این جا این است که محقق خود را مرکز ثقل شرح‌ها و استنتاج‌ها قرار نداده و پای خود را به میان نیاورد. به عبارت دیگر، به جای استعمال صیغه اول شخص در افعال و ذکر ضمائر «من» و «ما» همیشه افعال را به حالت سوم شخص به کاربرد. مثلاً «به جای جملات» از آنچه گفته شد، چنین استنباط می‌کنم «یا» به نظر من (ایسن جانب، نگارنده، راقم سطور) یا «نگارنده تصور نمی‌کنم» و مشابهات آنها، باید نوشت «از آنچه گفته شد چنین استنباط می‌شود» و «چنین به نظر می‌رسد» و «تصور نمی‌رود» و نیز در موارد دیگر می‌توان گفت «از بررسی‌های گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت» و یا «از مدارك و منابع موجود چنین برمی‌آید» و . . . . .

مقام معنوی يك محقق نیز ايجاب می‌کند در نوشته‌های خود احترام نسبت به سایر محققان را رعایت کند. چنانچه محقق در تحقیق خود اشتباه یا غفلتی کرده است، به نحوی باید یاد آور شد که جنبه اهانت و تخفیف نداشته باشد. و این موضوع را بالاخص در مقالاتی که در انتقاد تحقیقات دیگران نوشته می‌شود باید بیشتر مراعات نمود زیرا، محقق باید بداند او هم انسان است و از اشتباه و تسامح و غفلت عاری نیست.

محقق همچنین باید در نوشته‌های خود رعایت تواضع را بنماید. به این معنی که هرگز نظر و عقیده و کار خود را وحی منزل ندانسته و آن را از عقاید و نظریات دیگران بالاتر و برتر نداند.

يك تحقیق تاریخی باید بانثر و قلمی روان، ساده و عاری از هر گونه تکلفات و استعارات و تفصیلات ادبی نوشته شود و از استعمال کلمات نامأنوس و ثقیل در آن، حتی المقدور باید اجتناب کرد زیرا در مطالعه يك اثر تحقیقی، خواننده هرگز نباید نیازی به مراجعه به فرهنگها و لغت‌نامه‌ها داشته باشد. این که بعضی معتقدند يك اثر تحقیقی نوشته‌ای است که باید دارای کلمات ثقیل و نامأنوس، عبارات پیچیده و

درازو مبهم باشد و باید به گونه‌ای نوشته شود که درك و فهم آن مستلزم تأمل بسیار باشد، نه تنها درست نیست بلکه باید گفت به کار بردن این روش جز به منظور فضل فروشی نخواهد بود.

افزون بر آنچه گفته شد، تدوین و نگارش يك اثر تحقیقی مستلزم رعایت نظام و مقررات دیگری است که بدون رعایت این مقررات، محصول کار محقق جنبه علمی و تحقیقی خود را تا اندازه‌ای از دست می‌دهد و اهم این مقررات بدین قرار است:

الف - نشانه گذاری در متن.

ب - ذکر مآخذ و منابع تحقیقات به صورت پانویسی.

پ - ارائه صورت کلی منابع و مآخذ.

ت - تنظیم فهرست‌ها

و اینک توضیح درباره هر يك از این موارد:

الف - نشانه گذاری:

نشانه گذاری در متن نوشته‌های تحقیقی به منظور تفکیک مطالب و نکات از یکدیگر است تا فهم جمله‌ها و استنباط مطالب آسان شود:

«نقطه» ۱.

۱- در پایان جمله‌های بیانی و امری در می‌آید و ختم جمله را اعلام می‌دارد.

نمونه: ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست.

۲- پس از حرف‌های مجزائی که صورت مخفف کلمات هستند، به کار می‌رود:

نمونه: الف . ج . ش . س . (= اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی).

«؟ نشانه پرسش»

۱- این قسمت با تصرفاتی از رساله «تدارك پژوهش نامه» تألیف آقای

ح . آریانپور نقل می‌شود.

۱- در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم واقع می‌شود.

نمونه: استاد از دانشجو پرسید: «آیا کتاب را خوانده‌ای؟»

روشن است که در پایان جمله‌های پرسشی غیر مستقیم، به جای «نشانه پرسش»، نقطه به کار می‌رود.

نمونه: استاد از دانشجو پرسید که آیا کتاب را خوانده است.

۲- گاهی برای نمایش مفهومی که درخور تردید یا استهزاء است، به کار

می‌رود. در این مورد معمولاً میان «دو کمان» قرار می‌گیرد.

نمونه: قاتل بامقتول همدردی (?) داشت.

۳- در پایان عنوانی که معنی استفهامی دارد و خود جزو جمله‌ای است،

درمی‌آید.

نمونه: کتاب «چرا باید به فکر جامعه بود؟» را مطالعه کردم.

«! ، نشانه هیجان یا تعجب

در پایان جمله‌هایی که حاکی از هیجان یا تعجب یا تأکیدند، درمی‌آید.

نمونه: عجب مهارتی داری!

مبادا دیربائی!

« ، ویرگول

برای تفکیک کلمات یا بخش‌های جمله به کار می‌رود.

نمونه: هر جامعه‌ای از لحاظ صنعت، علم، هنر و اخلاق تحول می‌یابد

ناصر خسرو ، شاعر آزاده ایرانی در سده پنجم هجری می‌زیست.

« : دو نقطه

۱- پیش از نقل قول مستقیم به کار می‌رود.

نمونه: سعدی گوید: «هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است».

۲- برای باز نمودن و بر شمردن اجزاء يك كسل یا تفصیل يك امر مجمل



استعمال می شود.

نمونه : برنامه کار بدین قرار است :

۳- بین عنوان اصلی و عنوان فرعی کتاب و مقاله و سخنرانی و امثال اینها

درمی آید.

نمونه : در آستانه رستاخیز : رساله ای در باب دینامیسم تاریخ.

« . . . سه نقطه »

۱- در جای يك یا چند کلمه حذف شده قرار می گیرد.

نمونه : عصر زور گوئی، مفتخواری، بی دانشی، خودپرستی . . . سپری شده است.

۲- در معنی کلمه «الخ» یا «و غیره» و نظایر اینها استعمال می شود.

نمونه : کتاب های درسی - کتاب های تاریخ، جغرافیا، ادبیات، فیزیک،

شیمی . . . باید با مقتضیات عصر سازگار باشند.

«هر گاه علامت سه نقطه در انتهای جمله واقع شود، علامت پایان جمله پس از

آن قرار می گیرد.

نمونه : به زودی علم راهنمای جامعه های انسانی خواهد شد، هنر با زندگی

خواهد آمیخت و معنویت جهانگیر خواهد شد . . . . .

« . . . چند نقطه »

به جای يك یا چند بیت شعر و احیاناً يك یا چند سطر نثر استعمال می شود.

و ندرنهان سرسگک همی باری.

ای آن که غمگنی و سزاواری

.....

.....

گیتی است، کی پذیرد همواری؟

هموار کرد خواهی گیتی را؟

در مورد نثر می توان به جای چند نقطه فقط سه نقطه به کار برد.

«- خط

۱- برای قطع کردن مطلب و قید جمله معترضه به کار می رود.

نمونه : نوع دوستی - راستی چه نعمتی است نوع دوستی - مرا از دغدغه های شخصی نجات داد.

۲- برای تکرار یا تشریح مطلب استعمال می شود.

نمونه : آب - آبی صاف - جاری بود.

۳- برای جمع کردن و فشردن مطلب به کار می آید :

نمونه : انسان دوستی، شجاعت و فداکاری - اینها هستند مختصات انسان واقعی.

۴- برای بیان فاصله استعمال می شود :

نمونه : راه تهران - اصفهان.

صفحه ۶۰-۵۰.

۵- برای جدائی اعداد یا حروف الفبا از کلمات بعدی به کار می رود.

نمونه : ۱- ۲- ۳- و الف - ب - پ -

۶- برای اتصال دو جز از يك کلمه مرکب که یکی در انتهای سطر بالا و دیگری در ابتدای سطر بعد قرار گرفته است.

نمونه : دوستی راستی چه نعمتی است که همواره مرا از دغدغه های شخصی نجات می دهد.

« ( ) کمان یا پرانتز

برای توضیحی اضافی یا ذکر نکته ای که در حکم گریز از مطلب مورد بحث است، به کار می رود.

نمونه : هه گل ( که نباید یا هگل اشتباهش کنیم ) یکی از طبیعت شناسان بزرگ سده نوزدهم است.

«معمولا مطلب داخل «کمان» بیش از مطلب داخل در علامت تشریح از موضوع دور است.

## « گیومه »

۱- در آغاز و انجام سخنی کسه مستقیماً از شخص یا منبعی نقل می‌شود، قرار می‌گیرد.

نمونه : استادم گفته است : « برای جامعه زندگی کن و برای جامعه بمیر ». اگر مطلب نقل شده دراز و شامل چند بند (پاراگراف) باشد، علامت نقل در آغاز همه بندها فقط در پایان بند آخر قرار می‌گیرد.

۲- در آغاز و انجام اصطلاحات تازه یا جعلی و کلمات مورد تاکید و نیز در آغاز و انجام تعریف کلمه‌ها قرار می‌گیرد.

نمونه : کلمه «فرهنگ» معادلی است برای «کولتور» فرنگی.

۳- هنگام ذکر عنوان مقالات و رسالات نامستقل و سخنرانی‌ها و فصل‌های يك كتاب، برای مشخص کردن آنها این علامت به کار می‌رود.

نمونه : «در فضیلت قناعت» باب سوم گلستان سعدی است.

«هر گاه لازم آید که يك یا چند کلمه از کلمات داخل در این علامت، به نوبه خود، برجسته یا مشخص گردد، پیش و پس آن يك یا چند کلمه، گیومه يك شاخه > < نهاده می‌شود.

نمونه : سخنران گفت : « کلمه < جوهر > معرب < گوهر > است. »

## « [ نشانه مداخله یا قلاب ] »

۱- برای مشخص کردن کلمه یا کلماتی که داخل نوشته یا عنوان کتابی می‌کنند، آن کلمه یا کلمات را بین دو قلاب قرار می‌دهند.

نمونه : بیهقی نوشته است : «امیر [مسعود غزنوی] وی را بنشانند و خالی کرد..»

## « خط زیر کلمات »

«برای برجسته نمودن برخی از کلمات یا عنوان‌های دستنوشته‌ها و اوراق ماشینی، خطی مستقیم یا موج دار زیر آن کلمات می‌کشند. خط مستقیم مخصوص

کلمات و عنوان‌های مهم است.

نمونه: بینوایان شاهکاری ادبی است.

آن که ما را می‌زایدومی پرورد و به ما زبان و اندیشه و شخصیت می‌بخشد،  
جامعه است.

«در نوشته‌های چاپی معمولاً به جای آنکه زیر کلمات برجسته خط بکشند،  
آن کلمات را با حروف چشم‌گیری مانند حروف درشت یا حروف مورب (ایتالیک)  
چاپ می‌کنند.»

### ب- مقررات پانویسی

ذکر مآخذ و مدارك در يك اثر تحقیقی از واجبات است و اینکه برخی عادت  
دارند در آثار تحقیقی، به ملاحظات خاصی به «فحوای ذهنی» خود استناد می‌کنند و بعضی  
نیز تنها به ذکر نام مدارك در پایان کتاب و رساله و مقاله اکتفا می‌نمایند روش علمی و  
درستی نیست و حاصل اینگونه تحقیقات ارزش استنادی چندانی ندارد. يك محقق  
و امانت‌دار، ضمن اینکه فهرستی جامع و در صورت امکان، تحلیلی، از مآخذ خود در  
آغاز و یا در پایان کتاب و رساله به دست می‌دهد، هر مطلب و اندیشه‌ای را هم که از  
مؤلف و محقق و نویسنده دیگری گرفته و در تحقیقات خود آورده است، باید با ذکر نام  
نویسنده و محقق و مشخصات مدارك و شماره صفحه، مشخص نماید و این کار برخلاف  
عقیده برخی از محققان که معتقدند ذکر مآخذ و مدارك از مقام علمی و معنوی ایشان  
می‌کاهد، نه تنها بر مقام علمی و معنوی آنها می‌افزاید بلکه اعتماد خواننده را نیز  
بیشتر جلب می‌کند و نیز نشان می‌دهد کدام مطلب و نکته از دیگران و کدام استنباط  
و نظر خود محقق است. اضافه بر این مزایا، ذکر مآخذ، راهنمایی برای شناخت  
مراجع مربوط به هر نکته و هر موضوع خواهد بود. ذکر مآخذ در مواردی ضروری  
است که مطلبی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به متن تحقیق نقل شده باشد.

در مورد اینکه آیا مشخصات مآخذ در کجا باید قید شود، روش ثابتی را

نمی‌توان ارائه کرد. هر محقق و نویسنده‌ای روش خاصی برای خود دارد. به‌طور کلی ممکن است مشخصات مأخذ مطالب هر صفحه را در پائین همان صفحه نوشت و یا در آخر هر فصل و یا در پایان کتاب در ذیل عنوان فصول مربوط، قرارداد ولی قدر مسلم اینکه مشخصات مأخذ، خواه در پائین صفحات ذکر شوند و خواه در پایان فصول، خود باید با قید شماره‌های متوالی مشخص شوند.

برای این کار هم قاعده منجزی نیست، می‌توان زیر نویسهای هر صفحه را با رقم يك شروع و بر حسب تعداد آنها شماره گذاری کرد و در صفحه بعد باز به همین ترتیب عمل کرد یا برای هر فصل يك توالی از شماره يك قبول نمود. برای مقالات و رسالات کوچک نیز این روش اخیر را می‌توان پذیرفت لیکن برای کتاب‌ها بهتر است شماره گذاری بر مبنای هر صفحه و یا هر فصل باشد. ولی به هر صورت، زیر-نویسی خود مقررات مشخصی دارد بدین شرح:

« ۱ هنگام ذکر يك مأخذ باید در آن زمینه، چهار نوع آگاهی به دست داد: « آگاهی درباره نویسنده، آگاهی درباره عنوان و مختصات کلی مأخذ، آگاهی درباره چگونگی انتشار مأخذ و آگاهی درباره شماره صفحه مطلب منقول. این اطلاعات را به ترتیب معینی در پی يك دیگر می‌آورند: در وهله اول از نویسنده نام می‌برند. در وهله دوم عنوان و مختصات کلی مأخذ را ذکر می‌کنند. در وهله سوم چگونگی انتشار آن را به میان می‌گذارند و سرانجام به صفحه منقول می‌پردازند. این اطلاعات برای شناخت مأخذ لازم‌اند.

« فقط در مواردی که رساله تحقیق دارای « کتاب نامه »<sup>۲</sup> باشد، چون همه مختصات مأخذها در « کتاب نامه » آمده‌اند، می‌توان برخی از مختصات مأخذ مانند مختصات مربوط به چگونگی انتشار را در پانوشته‌ها نیاورد. هر نوع مأخذی به همین ترتیب ذکر می‌شود، و تنها بر حسب آنکه مأخذ کتاب باشد یا مجموعه یا مطلبی منقول

---

۱ - با تصرفاتی، از رساله « تدارك پژوهش نامه » تألیف آقای ا. ح.

آریانپور نقل گردیده است.

۲ - منظور - فهرست منابع و مأخذ است

از جراید، تفاوت‌هایی جزئی پدید می‌آید. بنابراین در آیین استناد توجه به سه موضوع - استناد به کتابها، استناد به مجموعه‌ها و استناد به جراید - و نیز موضوع تهیه کتاب نامه یا صورت مجموع مآخذ لازم است.

### «۱- استناد به کتابها»

نویسنده : اول نام شخصی و سپس نام خانوادگی نویسنده را قید می‌کنند. ذکر القاب نویسنده لازم نیست. اگر نویسنده : کتاب خود را از آثار دیگران گرد-آوری یا اقتباس کرده باشد، پس از نام نویسنده، کلمه «گرد آوری» یا «اقتباس» را در میان «دو کمان» می‌نهند.

«اگر کتاب داری دویا سه نویسنده باشد، نام شخصی و نام خانوادگی همه را به ترتیب می‌نویسند. ولی اگر کتاب بیش از سه نویسنده داشته باشد، تنها نام اولی را ذکر می‌کنند و کلمه «و دیگران» را بر آن می‌افزایند. اگر نویسنده معلوم نباشد، دو حال پیش می‌آید : در صورتی که کتاب او به حمد کفایت مشهور نباشد، عبارت «نویسنده معلوم نیست» را در میان علامت «دو قلاب» قید می‌کنند. ولی اگر کتاب شهرتی کافی داشته باشد (مانند کتب دینی)، عنوان کتاب را به جای نام نویسنده در اول سطر می‌نویسند.

«عنوان و مختصات کتاب: عنوان اصلی کتاب را به طور کامل ذکر می‌کنند. برای برجسته نمودن عنوان، در نسخه‌های دستی یا ماشینی، خطی زیر آن می‌کشند و در کتابهای چاپی، عنوان را با حروفی چشم گیر چاپ میکنند.

«اگر کتاب دارای دو عنوان اصلی باشد، می‌توان هر دو را قید کرد. در این مورد باید برای تفکیک دو عنوان، «علامت دو نقطه» به کاربرد.

«اگر کتاب از زبانی به زبان دیگر ترجمه شده باشد، پس از عنوان، کلمه «ترجمه» یا «ترجمه و تلخیص» یا... را همراه با نام شخصی و نام خانوادگی مترجم می‌آورند.



«در صورتی که کتاب بیش از یک جلد داشته باشد، شماره جلد را هم پس از عنوان و نام مترجم قرار می دهند.

« چگونگی انتشار : اول محل انتشار، بعد نام ناشر و در پایان تاریخ انتشار و شماره چاپ (چندمین چاپ) را ذکر میکنند. اگر محل انتشار یا نام ناشر یا تاریخ انتشارات معلوم نباشد، دو حال پیش می آید : در صورتی که امر مجهول معلوم نشود، عبارت «محل انتشار معلوم نیست» یا «نام ناشر معلوم نیست» یا «تاریخ انتشار معلوم نیست» را در میان «دوقلاب» قید می کنند. ولی اگر امر مجهول معلوم گردد، آن را در میان «دوقلاب» ذکر می کنند.

« شماره صفحه مطلب منقول : اگر مطلب منقول تنها از یک صفحه نقل شده باشد، حرف «ص» (صفحه) را قید می کنند و پس از آن شماره را می گذارند. اگر مطلب منقول شامل چند صفحه باشد، پس از حرف «ص»، شماره صفحه آغاز و انجام مطلب منقول را می نهند و آنها را با یک «خط» از یک دیگر جدا می سازند. در صورتی که فصلی از یک کتاب مورد استفاده قرار گرفته باشد، می توان به جای ذکر صفحه ها، کلمه «فصل» و شماره ترتیب آن را قید کرد. اگر مطلبی که از صفحه معینی نقل شده است، در برخی دیگر از صفحات مأخذ نیز آمده باشد، پس از ذکر صفحه و شماره آن، عبارت «و جاهای دیگر» را می افزایند. همچنین در صورتی - که مطلب منقول در صفحه ای شروع شود و تا پایان بخش یا فصل ادامه یابد، می توان پس از ذکر صفحه و شماره آن، کلمه «و دنباله» را افزود.

« برای جدا ساختن هر یک از مشخصات مأخذ در ذیل صفحه، معمولاً علامت ویرگول، به کار می برند. ولی منطقی تر این است که پس از نام نویسنده، «علامت دو نقطه» و در موارد دیگر «علامت ویرگول» استعمال کنند. بدیهی است که در پایان مشخصات مأخذ یعنی پس از ذکر صفحه کتاب باید «نقطه» گذاشت.

« به شرحی که گذشت، اگر یکی از مشخصات مأخذ، روی جلد یا داخل آن ذکر نشده باشد، به جای آن عبارت «معلوم نیست» را در میان «دوقلاب» ذکر

می‌کنند. ولی اگر محقق مشخصات نامعلوم مأخذ را به طور غیرمستقیم و با تفحص شخصی بیابد، باید آن را در جای خود ذکر کند، و برای تفکیک آن از مشخصاتی که در خود مأخذ قید شده‌اند، آن را میان «دوقلاب» بگذارد.

«اگر مطلبی از مأخذی به مأخذی نقل شده باشد، و ما این مطلب منقول را از نوشته دوم به نوشته خود منتقل کنیم، باید نخست مأخذ اصلی را در ذیل صفحه بنویسیم و سپس کلمه «به نقل» را همراه با مأخذ دوم قید کنیم.

«اگر مطلبی در متن آوریم که به دو یا چند مأخذ مربوط باشد، می‌توانیم در ذیل صفحه، همه مأخذها را یکی پس از دیگری ذکر و هر مأخذ را با علامت ویرگول از مأخذ دیگر تفکیک کنیم.

«در موردی که از کتابی دو یا چند چاپ در دست باشد، می‌توانیم برای راهنمایی خوانندگان، به جای ذکر یکی از این چاپها، همه را قید کنیم. در این صورت تکرار نام نویسنده و عنوان کتاب ضروریست. می‌توانیم به جای نام نویسنده و عنوان هر چاپ، يك یا دو خط بکشید (به علامت تساوی) و سپس سایر مشخصات هر کدام را به میان گذاریم. البته اگر عنوان‌های آنها متفاوت باشند، ذکر يكايك ضرورت دارد. در این مورد نیز «علامت ویرگول» وسیله تفکیک نام و نشان چاپ‌های متعدد کتاب خواهد بود.

«اگر دو بار پیاپی از يك مأخذ نقل کنیم، در بار دوم، قید همه مشخصات لازم نیست، اگر هر دو مطلب منقول در يك صفحه باشند، در بار دوم کافی است که به جای مشخصات مأخذ، عبارت «همان کتاب» یا «همان» بیاید و زیر آن خطی کشیده شود تا در موقع چاپ شدن کتاب با حروف درشت چاپ شود. اما اگر مطالب منقول از دو صفحه متفاوت باشند، باید پس از کلمه «همان کتاب» یا «همان»، علامت ویرگول گذاشت و حرف «ص» را با شماره آن آورد.

«هر گاه از مأخذی یاد کنیم و پس از آن از مأخذ دیگری نام به میان آوریم و مجدداً به مأخذ اولی پردازیم، چو مأخذ سوم همان مأخذ اول است، به هنگام

ذکر آن، تکرار همه مشخصات آن لازم نیست. کافی است که نام خانوادگی نویسنده را بیاوریم و بعد علامت «دو نقطه» گذاریم و در پی آن، کلمه «کتاب پیشین» یا «پیشین» را قید کنیم و زیر آن خطی بکشیم. تا در وقت چاپ شدن کتاب، یا حروف درشتتر چاپ شود. اما اگر قبلا از کتابهای دیگر آن نویسنده نیز نامی برده باشیم، دیگر نمی‌توانیم با کلمه «کتاب پیشین» یا «پیشین»، کتاب او را مشخص سازیم. در این صورت لازم است که پس از نام خانوادگی او، عنوان کتاب را هم به‌طور خلاصه ذکر کنیم در چنین مواردی، اگر بیم آن رود که نویسنده کتاب مورد نظر با نویسنده دیگری که نامش در نوشته ما آمده است اشتباه شود، باید نام شخصی نویسنده را هم با نام خانوادگی او بیاوریم.

«برای صرفه‌جویی در وقت، به‌کار بستن نشانه‌های اختصاری ساده ضرورت دارد. می‌توان به‌جای کلمه «جلد»، حرف «ج»، و به‌جای کلمه «صفحه»، حرف «ص» و به‌جای «رجوع کنید به»، حرف «رک». و به‌جای «قیاس کنید با»، حرف «ق س» و به‌جای «نگاه کنید به» حرف «ن ک» را به‌کاربرد.

«چنان که گفته شد، هر گاه محقق صورت کامل مآخذ نوشته خود را در پایان رساله قید کند، می‌تواند در ذیل صفحات از ذکر پاره‌ای مشخصات مأخذها مانند مشخصات انتشار و نام مترجم خودداری ورزد.

«نمونه طرز استناد به کتابها :

محمد باقر هوشیار: اصول آموزش و پرورش، جلد اول: طرح اصول،

تهران، ناشر معلوم نیست، چاپ دوم، ۱۳۳۱، ص ۱۳۱.

محمد مهدی فولادوند: خیام شناسی، قسمت اول، تهران، ناشر معلوم

نیست، ۱۳۴۷، ص ۴۲.

هوشیار: پیشین، ص ۱۳۸.

موریس هالب واکس: طرح روان شناسی طبقات اجتماعی، ترجمه

علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۱۰ و جاهای دیگر.  
علی اکبر سیاسی : علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت، تهران،  
دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۳۱، فصل ششم.  
م. م. دیاگونوف : تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران،  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶، ص ۷۲ و ۷۶ و ۷۷.  
همان، ص ۱۴۶ و دنباله.

#### «۴- مجموعه‌ها»

«هنگام نقل از مجموعه‌هایی که شامل مطالب یا مقالاتی به قلم یک یا چند نویسنده‌اند، نام نویسنده مطلب منقول را به همان ترتیبی که در مورد کتاب بیان شد، ذکر می‌کنند، عنوان مطلب یا مقاله منقول از مجموعه را در میان «علامت گیومه» می‌گذارند، بعد عنوان مجموعه را ذکر می‌کنند و زیر آن خطی می‌کشند تا هنگام چاپ کتاب، با حروف درشت چاپ شود. سپس در صورتی که نویسنده یا مؤلف مجموعه غیر از نویسنده مقاله یا مطلب منقول باشد، نام او را بعد از کلمه «گرد آورده» یا «تألیف» یا «...» می‌آورند و پس از آن همان‌طور که درباره کتاب ذکر شد، شماره جلد و چگونگی انتشار و صفحه مطلب منقول را قید میکنند.

#### «نمونه طرز استناد به مجموعه‌ها :

محمد معین : «خدمات نصیرالدین طوسی به زبان و ادب پارسی»،  
یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی، زیر نظر ذبیح‌الصفاء، تهران، دانشگاه تهران،  
۱۳۳۶، ص ۱۲۰-۱۲۲.  
همان، ص ۱۲۳.

رابرت ب. داونز : «بقای اصلح»، ترجمه محمود بهزاد، کتاب‌هایی که  
دنیا را تغییر داده‌اند، زیر نظر سیروس پرهام، تهران، کتابخانه ابن‌سینا،  
معین : پیشین، ص ۱۲۲.

محمد قزوینی : «تکمله در خصوص خیام»، بیست مقاله از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی قزوینی، به اهتمام عباس اقبال، جزو دوم : تهران، ناشر معلوم نیست، ۱۳۱۳، ص ۸۱.

ضیاءالدین ذری : «رساله در اصطلاحات فلسفه»، کنزالمسائل فی اربع رسائل، تهران، کتاب فروشی خیام، ۱۳۳۰، ص ۱۰ و دنباله.

### «۳- جراید

«در مورد نام نویسنده مطلب منقول از روزنامه یا مجله یا سالنامه یا . . . همان شیوه‌ای را که در مورد کتاب‌ها و مجموعه‌ها به کار می‌برند، رعایت می‌کنند. ولی در مورد عنوان و چگونگی انتشار جراید مختصر تفاوتی پیش می‌آید. به این معنی که عنوان مطلب یا مقاله را در میان «علامت گیومه» می‌گذارند، بعد عنوان روزنامه یا مقاله یا سالنامه یا . . . را می‌نویسند و زیر آن خطی می‌کشند تا در وقت چاپ کتاب، با حروف درشتتر چاپ شود. سپس محل و تاریخ انتشار و شماره جلد یا دوره و شماره ترتیب و شماره صفحه و احیاناً شماره ستون را ذکر می‌کنند.

### «نمونه طرز استناد به جراید:

خسرو خسروی : «تطور جمعیت و شکل تهران»، مجله سخن، تهران، تیر ۱۳۴۰، شماره ۳، ص ۲۸۰.

محمد جعفر محجوب : «درباره ابن خلدون و مقدمه او»، مجله صدف، تهران، اردی بهشت ۱۳۳۸، سال اول، شماره ۷، ص ۴.

سیمین مصطفوی رجالی : «روانشناسی معلم»، مجله سخن، تهران، شهریور ۱۳۴۰، دوره دوازدهم، شماره ۵، ص ۵۴۹ و دنباله.

ه. ج. آی زنگ : «نقص اساسی روان کاوی»، ترجمه محمد تقی براهنی و مسعود رضوی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، تبریز، زمستان ۱۳۴۰، سال سیزدهم، شماره چهارم، ص ۴۴۸.

همان ، ۴۴۷ ،

مصطفوی رجالی: پیشین، ص ۵۵۱»

### پ- صورت مجموع مأخذها یا فهرست منابع

پس از پایان یافتن مرحله نگارش، باید صورتی از کلیه منابع و مدارکی که مورد استفاده برای تحقیق بوده فراهم و ضمیمه تحقیق کرد. در تهیه این صورت گاهی فقط به ذکر نام منابع، نام مؤلفان و مترجمان، تاریخ چاپ و محل آنها اکتفا می کنند و گاهی مؤلف و محقق، درباره برخی از آنها توضیح بیشتری هم می دهد. جای فهرست منابع معمولاً در پایان کتاب و رساله است. وقتی این فهرست با تفصیل بیشتر و به صورت تحلیلی و آموزنده تدوین شود آن را در ابتدای کتاب و رساله، بعد از فهرست مطالب و مندرجات هم می گذارند و به هر حال ممکن است کلیه مأخذ و منابع را بر حسب ترتیب الفبائی به دنبال یکدیگر ذکر کرد و نیز می توان منابع و مدارک را قبلاً بر حسب موضوع و کیفیت آنها مانند منابع چاپی فارسی، خطی، اسناد آرشیوی، منابع به زبانهای دیگر، جغرافیائی، ادبی، باستان شناسی و . . . طبقه بندی و سپس در هر طبقه به ترتیب الفبائی تنظیم کرد.

« ترتیب مختصات هر يك از مأخذهای کتاب نامه با کمی تفاوت، همان ترتیب پانوشته هاست، به این معنی که نخست مشخصات نویسنده، بعد عنوان و مختصات مأخذ و سپس جگونگی انتشار آن ذکر می شود. با این وصف، تفاوت هائی در ترتیب مأخذهای کتاب نامه و مأخذهای ذیل صفحات وجود دارد.

« در صورت منابع، نام خانوادگی نویسنده را در اول می آورند، بعد علامت ویرگول می گذارند و سپس نام شخصی نویسنده را ذکر می کنند.

« اگر مأخذ دارای دو یا چند نویسنده باشد، نام اولی به همین شیوه ( اول نام خانوادگی بعد نام شخصی) ذکر و سپس نام نویسندگان دیگر به طرز متعارف

---

۱- با تصرفاتی، از رساله «تدارک پژوهش نامه» تألیف آقای ا. ح. آریانپور نقل گردیده است.



(اول نام شخصی بعد نام خانوادگی) نوشته می شود. هر گاه مأخذی فاقد نام نویسنده باشد، عنوان مأخذ به جای نام نویسنده، در اول سطر قرار می گیرد.

« هر گاه دو یا چند مأخذ متعلق به نویسنده واحدی باشند، هنگام نقل مأخذ دوم و مأخذهای بعدی، تکرار نام نویسنده ضرورت ندارد. کافی است که به جای نام او، يك خط یا دو خط (به علامت تساوی) بکشیم و سپس عنوان مأخذ را ذکر کنیم.

« اگر مأخذ متضمن چند مجلد باشد و تاریخ انتشار همه مجلد ها یکی نباشد، باید تاریخ نخستین مجلد را نوشت، بعد خطی گذاشت و سپس تاریخ آخرین مجلد را قید کرد.

« اگر مأخذ دارای چند جلد باشد، در صورت منابع از شماره کل آن جلدها نام برده می شود، حال آنکه در پانوشته ها فقط آن جلدی را که مورد استفاده قرار گرفته است، قید می کنند.

« در صورت مأخذ از ذکر شماره صفحه های کتاب ها خودداری می شود، ولی شماره صفحه های آغاز و انجام مقاله ای که از جراید یا مجموعه ها نقل می شود، قید می گردد.

« چنان که گفته شد، در صورت منابع معمولاً مأخذها را مطابق ترتیب الفبائی نام خانوادگی نویسندگان، زیر يك دیگر قرار می دهند. بر این سخن باید افزود که در مواردی هم می توان مأخذها را به ترتیب زمان انتشار آنها طبقه بندی کرد: در موردی که تعداد مأخذها زیاد باشد، می توان صورت کتابها و مجموعه ها و جراید را از يك دیگر جدا ساخت یا مجموع آنها را از لحاظ موضوع به چند دسته تقسیم کرد و سپس هر دسته را به ترتیب الفبا انتظام بخشید.

« هر گاه مأخذی بیش از يك سطر را اشغال کند، برای نوشتن دنباله آن، در سطرهای بعد حاشیه بیشتری ترتیب می دهند (عکس ترتیب پانوشته ها) تا از اجزای نویسندگان مأخذها، بی فاصله در زیر يك دیگر قرار گیرند.

«نمونه طرز تهیه صورت منابع:

- خسروی ، خسرو : «تطور جمعیت و شکل تهران» ، مجله سخن ، تهران ، تیر . ۱۳۴ ، دوره دوازدهم ، شماره ۵۳ .
- داونز ، رابرت ب . : «بقای اصلح» ، ترجمه محمود بهزاد ، کتاب‌هایی که دنیا را تغییر داده‌اند ، زیر نظر سیروس پرهام ، تهران ، کتاب-خانه ابن سینا ،
- دیاگونوف ، م . م . : تاریخ ایران باستان ، ترجمه روحی ارباب ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۶ .
- سیاسی ، علی اکبر : علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت ، چاپ سوم ، ۱۳۳۱ .
- فولادوند ، محمد مهدی : خیام شناسی ، قسمت اول ، تهران ، ناشر معلوم نیست ، ۱۳۴۸ .
- قزوینی ، محمد : «تکمله در خصوص خیام» ، بیست مقاله از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی قزوینی ، به اهتمام عباس اقبال ، دو جزو ، جزو اول : تهران ، ناشر معلوم نیست ، ۱۳۱۳ .
- محبوب ، محمد جعفر : «درباره ابن خلدون و مقدمه او» ، مجله صدف ، تهران ، اردی بهشت ۱۳۳۷ ، سال اول ، شماره ۷ ، ص ۵۶۴ - ۵۵۴ .
- معین - محمد : «خدمات نصیرالدین طوسی به زبان و ادب پارسی» . یادنامه خواجه نصیرالدین طوسی ، زیر نظر ذبیح‌الوصفا . تهران . دانشگاه تهران ، ۱۳۳۶ .»

ت - فهرست‌ها

يك اثر تحقیقی حتماً باید دارای فهرست‌هایی باشد. این فهرست‌ها معمولاً عبارتند از: فهرست مطالب و مندرجات که معمولاً در ابتدای کتاب قرار می‌گیرد، فهرست

تصاویر ، فهرست نقشه‌ها ، فهرست جداول و بالاخره فهرست نامها شامل نام کسان ، نام مردمان و قبایل ، نام جاها . ممکن است این سه فهرست اخیر در يك فهرست و به نام فهرست عمومی اعلام تدوین شود و یا هر يك به طور جدا گانه تنظیم نمود. در برخی از اثرهای تحقیقی ، متناسب با موضوع مورد تحقیق ، فهرست‌های دیگری هم مثل فهرست اصطلاحات و لغات اجتماعی و اداری ، فهرست سنوات ، فهرست عهدنامه‌ها و امثال آنها می‌توان تنظیم کرد.

شاید برخی ، الحاق فهرست را در يك کتاب کاری عبث و بیهوده بدانند ولی باید دانست که وجود فهرست و فهرست‌ها در يك اثر تحقیقی ، کار تحقیق و مطالعه را برای سایر محققان آسان می‌کند زیرا بی آنکه محقق ، سراسر يك کتاب قطور را برای یافتن نکته‌ای بخواند ، با کمک فهرست‌ها می‌تواند به سادگی آن را بیابد و با مراجعه به عنوان و نام مطلوب ، شماره صفحاتی را که آن نام و عنوان در آن صفحات ذکر شده به دست آورد . برای روشن شدن مطلب بد نیست گفته شود:

فرض کنیم محققى درباره روابط ایران و عثمانی مطالعه و تحقیق می‌کند و تاریخ عالم آرای عباسی تألیف اسکندر بیگ را در دست دارد. اگر نسخه مورد استفاده چاپ اول باشد محقق مجبور است تمام صفحات کتاب را ورق زده و بخواند حال آنکه چون چاپ جدید آن دارای فهرست‌هایی است می‌بیند در کتاب مزبور درشش موضع نام عثمانی و در ۲۶ موضع هم آل عثمان آمده است. بنابراین کفافی است آن صفحات را باز کند و با صرف مدتی اندک آنچه را در کتاب هزار و صد و شانزده صفحه‌ای راجع به روابط ایران و عثمان هست بررسی نماید.

آخرین نکته‌ای که در مبحث نگارش باید یاد آور شد ، به کار بردن جداول و نمودارهاست :

حسن و مزیت این روش چنین است که مطالب زیادی را که غالباً نوشتن آنها

---

۱ - به تصحیح ایرج افشار ، چاپ مؤسسه امیر کبیر - سال ۱۳۳۷ .

مستلزم چند صفحه و اغلب هم به صورتی پیچیده و مبهم خواهد بود، می توان در يك صفحه و به نحو بسیار آسان و قابل استنتاج نشان داد و بدین گونه تصورات و نظریات محقق به استعانت يك نمودار خلاصه می شود و در آن واحد، نیز می توان تغییرات متوالی چند عامل را با یکدیگر مقایسه و نتیجه گیری نمود.

يك نمودار می تواند نشان دهنده تغییرات يك موضوع و یا چند موضوع باشد. در این صورت اخیر بهتر است نمودار نمایش هر موضوع با رنگی مخصوص رسم شود تا تمییز آنها از یکدیگر آسانتر باشد.

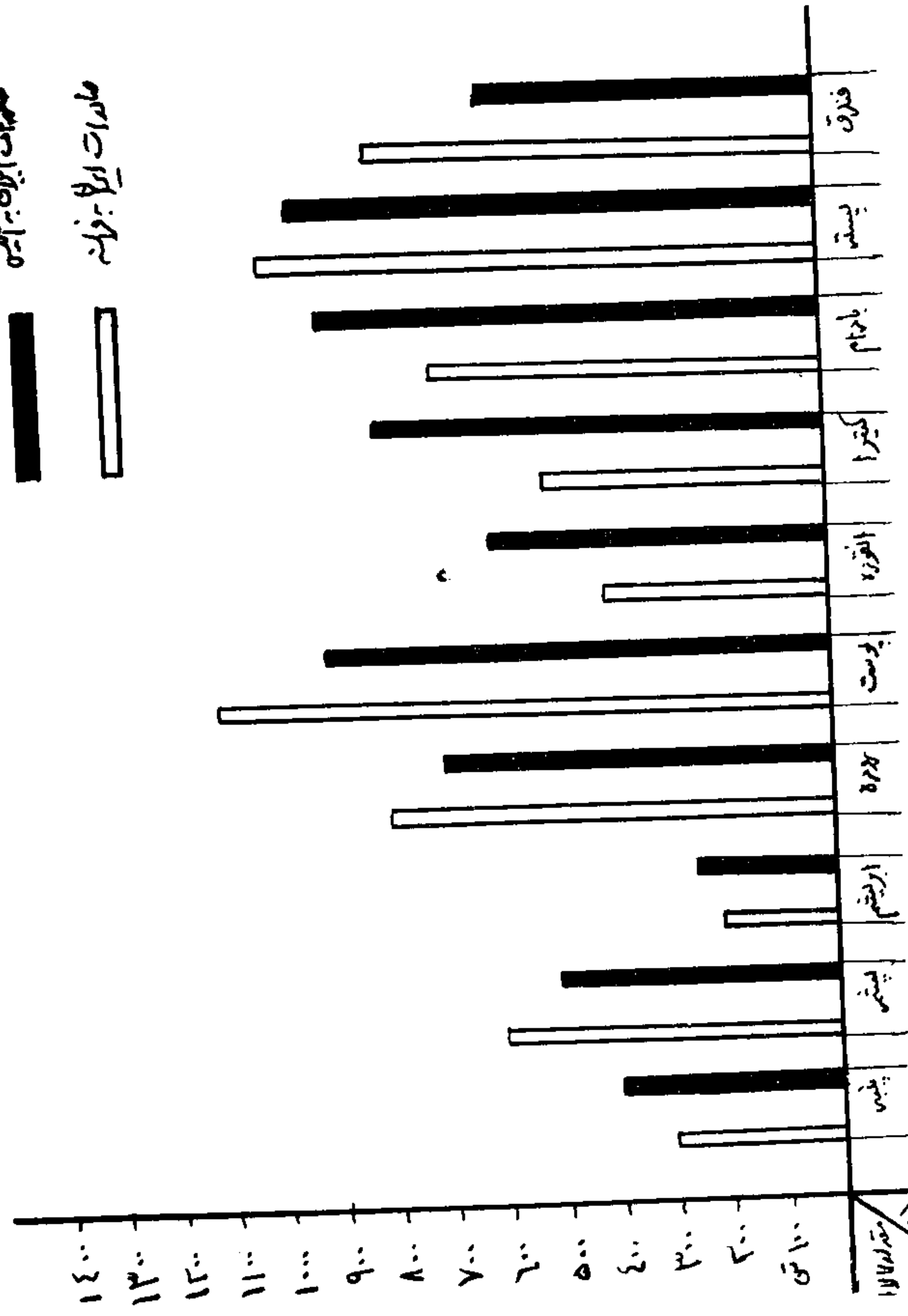
نمودارها را به دو صورت ستونی (نمودار شماره ۲) و به شکل خطوط شکسته متوالی (نمودار شماره ۳) می توان رسم کرد بدین گونه که وقتی منظور نشان دادن تغییرات يك موضوع یا دو موضوع باشد می توان از روش ستونی استفاده کرد ولی اگر بخواهند تغییر چند عامل متفاوت را نشان دهند بهتر است از روش خطوط شکسته استفاده شود و به هر صورت روش اخیر برای هر حالتی باشد مزایای بیشتری دارد.

برای رسم يك نمودار باید نخست دو محور عمود بر یکدیگر رسم کرد و هر محور را به يك موضوع تخصیص داد، مثل نمودار شماره ۲ که محور افقی به انواع مواد صادراتی ایران به کشورهای فرانسه و انگلیس اختصاص داده شده و محور عمودی برای میزان صدور هر يك از انواع مزبور میباشد و یا در نمودار شماره ۳، محور افقی برای نشان دادن سالهای متوالی و محور عمودی برای مبلغ بهای کالاهائی است که به ایران وارد شده است.

با مراجعه به این نمودارها به سهولت می توان دریافت که وضع رقابت بازرگانی کشورهای فرانسه و انگلیس و روسیه در ایران چگونه بوده است چنانکه از نمودار شماره ۳ معلوم می شود جمع واردات فرانسه در ظرف شانزده سال (از ۱۲۷۵ هجری قمری تا ۱۲۹۰) بالغ بر شش میلیون و سیصد هزار تومان و واردات روسیه ۲۲ میلیون و یکصد هزار تومان و واردات انگلیس ۲۱ میلیون و سیصد و پنجاه هزار تومان بوده است و نیز نکات دیگری از مقایسه منحنی های نمایش

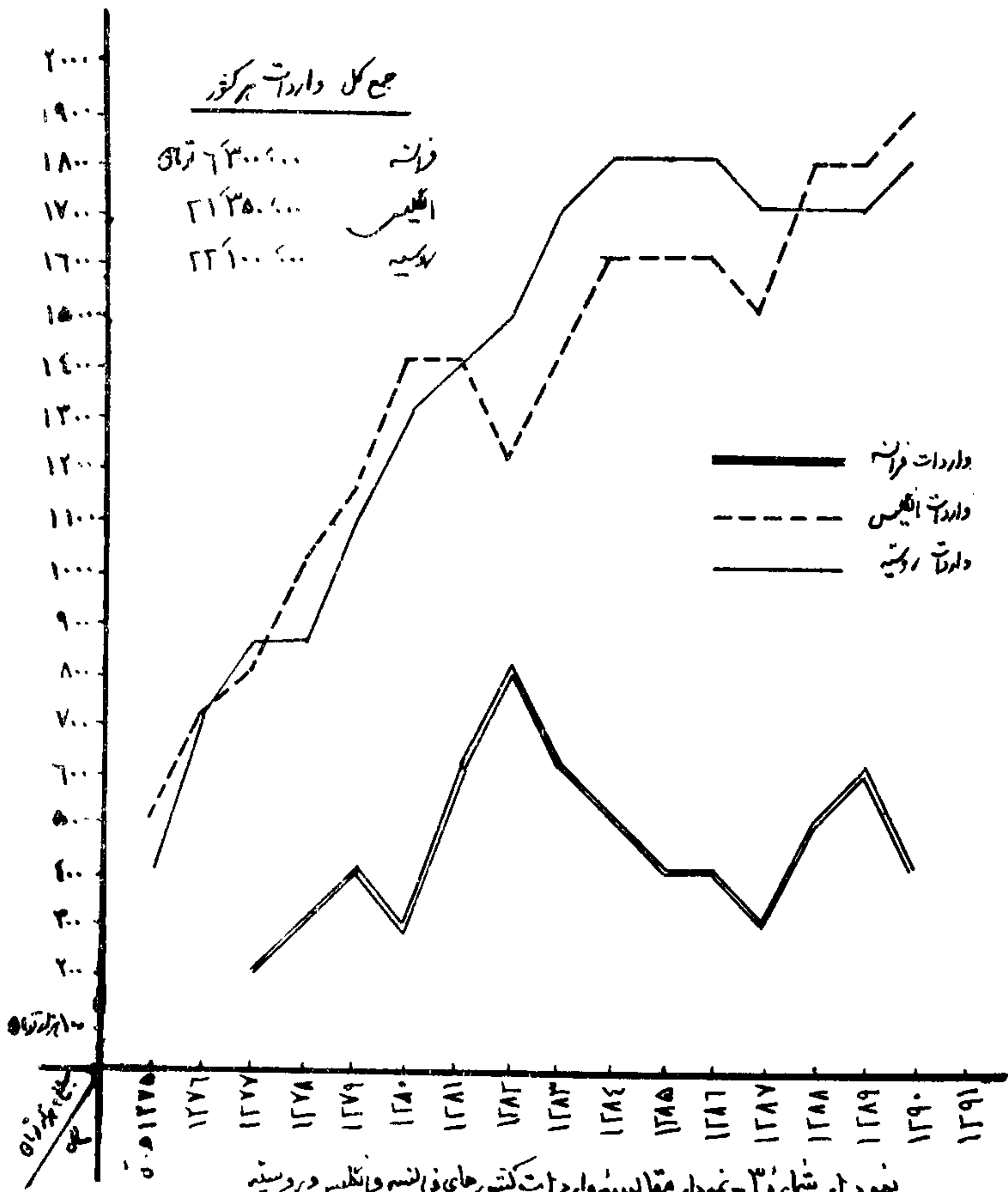
تغییرات بازرگانی هر يك از سه کشور می توان استنباط کرد از جمله اینکه در هر سال وضع هر يك از سه کشور را می توان با یکدیگر مقایسه نمود و نیز اینکه معلوم می شود از سال ۱۲۸۴ تا سال ۱۲۸۶ وقفه ای در واردات هر سه کشور پدید آمده است که خود شایان توجه و تحقیق است که آیا به علت عوامل داخلی ایران بوده و یا بر اثر عوامل موجود در اروپا این وقفه حاصل شده است.

معلومات ایران - کلیس  
 معلومات ایران - زرتشت



موردار شماره ۲ - نمودارها هر استان ایران به کشورها و نپس و انگلیس در سه سال (از ۳۲۰۱ تا ۳۳۳۱ م.ق)





نمودار شماره ۳ - نمودار مقایسه واردات کشورهای فرانسه و انگلیس و روسیه  
 در ۱۵ سال (از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ ق.ه)

## توصیه‌ها

در پایان مراحل تحقیق لازم است مختصری هم درباره شرایط و وسائل کار محقق به عنوان توصیه به محققان جوان و آنهایی که قصد دارند تازه در این راه وارد شوند گفته شود :

يك محقق اگر بخواهد حاصل کارش مورد قبول اهل تحقیق واقع شود، باید به تحقیق درباره هر رشته و هر موضوع دست نزند و تلاش و مساعی خود را منشئت نکند - بلکه رشته محدودی را برای خود انتخاب نماید تا هم بتواند با فرصت کافی حق مطالب را ادا کند و هم به عنوان متخصص در آن رشته مرجعیت یابد. مثلاً از رشته مفصل و مبسوط تاریخ ایران، بررسی و تحقیق درباره یکی از سلسله‌های پادشاهی ایران، یا تاریخ ایران از صدر اسلام تا مغول، یا تاریخ اجتماعی ایران قبل از اسلام یا بعد از اسلام و یا تحقیق در خصوص روابط ایران با کشورهای دیگر و امثال آنها را انتخاب نماید.

در مراحل تحقیق، عجله و شتاب جایز نیست. محقق نباید نسبت به برخی از مباحث و نکات به دلیل اینکه آن نکته و آن واقعه موافق طبع و ذوق او نیست، بی‌اعتنا بوده و به هنگام بررسی نباید از آن زود بگذرد.

يك محقق بايد قبل از هر چيز مجهز به وسائيل و ضروریات تحقیق باشد. این ضروریات عبارتند از يك كتابخانه كوچك ولی کافی و يك آرشیو كامل. كتابخانه كوچك و کافی به این مفهوم است که هر محققى باید، افزون بر کتابهای مرجع مثل دایرةالمعارف، فهرست‌های کتب چاپی و عکسی و مقالات، فرهنگ‌های مختلف و کرونولوژی‌های گوناگون، گاه شماره‌های تطبیقی برای تطبیق سنوات تقویم‌های مختلف<sup>۱</sup>، مجموعه‌ای نیز از کتابها و مدارك خطی و چاپی و عکسی که مربوط به قلمرو تحقیق اوست داشته باشد و البته اگر به حشو و زواید نپردازد، کتابخانه او مجموعه بسیار مفصلی نخواهد شد.

آرشیو كامل به این معنی است که يك محقق باید خلاصه مطالب و مندرجات کلیه کتابها و مقالاتی را که در محدوده تخصص و صلاحیت اوست به صورت فیش داشته باشد و این کار که تهیه آن مستلزم وقت بسیار است بایستی از همان روزهای تحصیلی آغاز شده باشد. محققان خارجی از همان سالها که در دانشگاه به تحصیل مشغول می‌شوند و رشته تحصیلی و تخصصی خود را بر حسب ذوق خویش انتخاب می‌کنند به تدریج مطالب کتابها و رسالات و مقالاتی را که می‌خوانند فیش می‌کنند و به ترتیب موضوعی، نگاه می‌دارند و تا کلیه مدارك و منابعی را که درباره رشته تخصصی و تحقیقی ایشان موجود است نخوانده و مطالب آنرا فیش نکرده باشند هرگز دست به تألیف و نوشتن مقالات و رسالات و کتابها نمی‌زنند یعنی چندین سال و شاید نزدیک به ده سال فقط می‌خوانند و یادداشت برمی‌دارند آنگاه می‌نشینند و تحقیق می‌کنند و آثاری بدیع و قابل اطمینان منتشر می‌نمایند اما هستند اشخاصی هم که با خواندن يك دو کتاب و مقاله و با مایه علمی بسیار کم، دست بکار تدوین کتابی عظیم می‌زنند و چون احاطه بر موضوع مورد بحث خود را ندارند لامحاله اثری بی ارزش تحویل می‌دهند.

---

۱- در مورد تقویم‌های تطبیقی به ضمیمه ۳ در همین کتاب رجوع کنید.

## نتیجه

از آنچه تا به حال گفته شد چنین نتیجه حاصل می شود که يك تحقیق خوب، اصولی، مستند و علمی در تاریخ نگاری باید حائز و جامع شرایط و ضوابطی چند باشد :

### الف - از نظر روش تحقیقی :

- شرایطی که يك اثر تحقیقی از نظر روش تحقیق باید داشته باشد همان است که به تفصیل در این کتاب گفته شد و مجموع آن را می توان چنین خلاصه کرد :
- \* کیفیت خوب منابع و کمیت لازم و کافی آنها.
  - \* عدم توجه به کلیات و قایع و رویدادها.
  - \* در تحقیق به عوامل متن و قایع؛ به علل و موجبات پیدایش آنها و کشف نتایج و آثار و قایع توجه شده باشد.
  - \* بسط و تفصیل هر يك از مباحث به اندازه لزوم - نه آنکه مبحثی بیش از حد لازم و مبحث دیگری کمتر از آنچه ضرور است توصیف شده باشد. به عبارت دیگر رعایت تناسب بسط و تفصیل مباحث با موضوعها با یکدیگر.
  - \* رعایت تسلسل و توالی حوادث مهم انسانی به طور منطقی.
  - \* در طول تحقیق هیچ گونه پیش داوری محقق و مورخ در مسائل مختلف دخالت نکرده و قضاوتها همواره بر معیار بی طرفی، درستی و اصالت باشد.
  - \* رعایت امانت در نقل مواد و اخبار.

### ب - از نظر سبک و اسلوب نگارش و شکل ارائه

از این نظر ضابطه اصلی چنین است که محقق و مورخ در نگارش تحقیق خود ضمن اینکه اصول دستور زبان و قواعد نگارش ادبی را رعایت می نماید، نوشته های او باید ساده، روان و بی تکلف باشد.

## ج - از نظر دید فلسفی تاریخ‌نگاری

\* يك تاريخ و يك تحقيق خوب و عملی آن است که محقق در حین تحقیق، خود را از قید و بندهای زمان و محیط آزاد کرده اصلح مکاتب را برای زمینه تألیف خود انتخاب نموده باشد.

\* محقق به وقایع‌نگاری محض که فقط شرح اعمال و کارها و افعال انسانی است نپرداخته بلکه در تحقیقات خود به اندیشه‌ها و احساسات و دریافته‌ها و عکس‌العملهای انسانها و به‌زندگی و تحولات اجتماع که خود منشأ آثار بسیاری است توجه کامل کرده باشد.

\* محقق نباید اساس دریافته‌ها و مستنبطات خود را بر جبر علی و دینی محض گذاشته باشد بلکه به جبر زمان، به نقش شخصیت، به نقش جغرافیا و نقش-اقتصاد و فرهنگ نیز باید توجه داشت و بالاخص باید برای اجتماع در تاریخ جایی بس‌مهم قائل بود.





ضمیمہ ۱

## ضمیمه ۱

### منابع تاریخ نویسی<sup>۱</sup>

تدوین تاریخ به هر نظر که باشد<sup>۲</sup>، قدر مسلم این است که محتوای آن مبتنی بر حوادث و رویدادهاست و برای آگاهی بر کم و کیف این مواد، از شناخت منابع و مآخذ آن وقایع و حوادث ناگزیریم. اما چون اتفاقات و حوادث، «مانند امور طبیعی ما بازاء خارجی ندارند، بالطبع رویدادهای گذشته برای حال و وقایع حال برای آینده، به خودی خود قابل لمس نیستند بلکه تنها، آثار گذشتگان است که ماجرای آن حوادث و وقایع را درست یا نیمه درست و یا نادرست برای ما و آیندگان باز می گوید<sup>۳</sup>». این آثار که «اندیشه‌ها و اعمال انسانهای پیش از ما، آنها را برای ما برجای گذاشته است»<sup>۴</sup> همان منابع و مآخذ تاریخ نویسی هستند که موضوع این

۱- این مقاله از نگارنده است و از مجله سخن دوره بیست و سوم، شماره ۱ با تجدید نظر کلی نقل شده است.

۲- در این مقاله هر جا از تاریخ و تاریخ نویسی نام برده می شود منظور تاریخ به معنی اعم آن، شامل انواع تاریخ‌هاست.

۳- محمد مهدی فولادوند، خیام‌شناسی، ص ۳۴

۴- عقیده سگنوبوس Saignobos به نقل از کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ کشور- های شرقی مسلمان، تألیف سوواژه Sauvaget و کلود کاهن Claud Cahen چاپ پاریس سال ۱۹۶۱ صفحه ۱۸

مقاله میباشد. در این مقاله، ما از فهرست مآخذ دوره‌های تاریخی ورشته‌های تاریخ، گفتگویی نمی‌کنیم بلکه آنچه در مقاله حاضر موضوع بحث است شرح بررسی اجمالی سیر تحول منابع و کلیاتی درباره انواع و طبقه بندی آنهاست. منابع تحقیق و تاریخ نویسی را از نظرهای گوناگون می‌توان طبقه بندی نمود، مانند طبقه بندی بر حسب موضوع منابع (سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - نظامی...) یا با توجه به دانشهای معین تاریخ مثل جغرافیا، باستانشناسی، زبان شناسی، علم ادیان، ادبیات، تراجم احوال، سکه شناسی و غیره و یا از نظر اعتبار وجودی و اصالت منابع، چون منابعی که عین آثار گذشته هستند و به صورت اصل و یا عکس برای ما باقی مانده‌اند و یا منابعی که تقلید و رونوشت مدارک اصلی می‌باشند و بالاخره طبقه بندی دیگری بر حسب کیفیت و خصوصیات منابع مانند منابع ذهنی و نقلی (شنیده شده‌ها و خاطرات)، منابع عینی و اصلی و منابع کتبی. و به طوریکه استنباط می‌شود در قبول و یا رد هر یک از این حالات، عقاید و نظرهای فردی مؤثر است و به هر نحو و کیفیتی منابع تاریخ نویسی را طبقه بندی کنیم، باز امکان آن هست که مورد قبول برخی نباشد. به این جهات، ما در این مقاله، مآخذ تاریخ نویسی را بر حسب ترتیب بوجود آمدن و سیر تحول آنها تقسیم و طبقه بندی می‌کنیم.

### تحول منابع تاریخ نویسی و انواع آن

منابع تاریخ نویسی یا به عبارت دیگر، آثار برجا مانده پیشینیان، در طول گذشته‌زمان و گاهی هم بر حسب مکان، اقسام متفاوتی داشته است. در روزگاران بسیار دور و حتی تا سالها پس از پیدائی خط، محتوای تاریخها مبتنی بر گفته‌های پیران و خاطرات معمران اقوامی بود که آنها نیز از پدران خود شنیده بودند و سینه به سینه نقل می‌شد. چون خط و کتاب اختراع شد، تاریخ-نویسان همان گفته‌ها و خاطرات را که بر اثر مرور زمان و نقل سینه به سینه تغییر شکل یافته و با رنگ آمیزیهای افسانه‌ای متجلی شده بود، ضبط می‌کردند.

این گونه مآخذ که منابع ذهنی و نقلی خوانده می‌شوند، خواه زبانی باشند خواه نوشته، اصالت و اعتبار چندانی در تاریخ نویسی ندارند زیرا تأثیر ضعف قوه حافظه و نقص قوه ادراک راویان و همچنین احتمال به کار رفتن تسامح و غفلت و وجود اغراض شخصی، به فراوانی امکان دارد و در نتیجه، حقایق با تغییراتی که با گذشت سالها در آنها پدید می‌آید، غالباً در پرده ابهام پوشیده می‌شود. در این دسته از منابع، قصه‌ها، حکایات افسانه‌های کهن، داستانهای ملی و اساطیر باستانی را باید ذکر نمود. ولی محتوای این منابع به هر کیفیتی که باشد، قدر مسلم این است که در آن روزها راه و وسیله دیگری برای کسب اطلاعات جزمین منبع وجود نداشته است، مگر اینکه گاهی نویسندگان که به ضبط اخبار نقلی می‌پرداختند، شرح مشاهدات خود را هم که مربوط به حوادث و وقایع زمان خود آنها می‌بود بر آن خاطرات و مسموعات می‌افزودند.

بهر حال مجموعه‌هایی که از این مسموعات و مشهودات به نام تاریخ فراهم می‌گردید برای نویسندگان زمانهای بعد، خود منبع اطلاعاتی تازه شد و به این ترتیب نوع دومی از منابع تاریخ نویسی بوجود آمد که بطور کلی آنها را منابع کتبی می‌گوئیم. منابع تاریخ نویسی در طول بیست قرن، از زمان هرودوت<sup>۱</sup> ۴۸۴ تا ۴۲۰ سال پیش از میلاد) تا پایان دوره قرون وسطی (در سال ۱۴۵۳ میلادی برابر با ۸۵۷ هجری قمری) به همین دو نوع مآخذ «نقلی» و «کتبی» منحصر می‌شد، جز اینکه به سبب دانش‌ها و گسترش تمدن و فرهنگ، در منابع کتبی تنوعی پدید آمد چنانکه در اواخر این دوره مدارک کتبی شامل مآخذ زیر می‌شد:

۱- کتابهای تاریخی شامل تاریخهای عمومی، تاریخهای خصوصی (سلسله‌ها و خاندان‌ها) و تاریخهای محلی و منطقه‌ای.

۲- نوشته‌های جغرافی نویسان (کتابهای مسالك و ممالك)

۳- کتابهایی درباره «ملل و نحل».

۴- متون ادبی (زندگینامه‌ها، تذکره‌ها - قصاید و مدایح شعرا و تفسیر آنها

و کتابهایی که در آداب پادشاهان و مملکتداری و حکومت نوشته شده است.)

و بعدها یعنی از دوره تجدد (Renaissance) به بعد، انواع دیگری هم مثل

سفرنامه‌های جهانگردان و تاریخهای موضوعی (تاریخ اقتصادی، سیاسی، نظامی،

مذهبی، بازرگانی و...) بر منابع کتبی افزوده شد.

در این دوره چون هنوز صنعت چاپ رواج نیافته بود، کتابها به دست کتاب

و نسخا نوشته و تکثیر می شد و بالطبع، به سبب شتابزدگی، تسامح، تعصب و

واغراض فردی کاتبان و همچنین به علت کم سوادی آنها که برخی از عبارات و

و مطالب متون را نادرست را تلقی می کردند و به زعم خود تعبیر و تفسیر و تصحیح

می نمودند، تصرفاتی در متون به کار می رفت<sup>۱</sup> و در نتیجه میان سوادها و نوشته‌ها با

نسخه‌های اصلی به تدریج اختلافاتی پدید آمد و کار محققان و تاریخ نویسان را

دشوار نمود.

با آغاز دوره تجدد Renaissance (از سال ۱۴۵۳ میلادی) توجه جهان -

گردان و بازرگانان و برخی از دانشمندان، به آثار هنری قرون قدیم جلب گردید و

بنیاد دانش نوینی به نام باستان شناسی گذارده شد. بر اثر این پدیده نیز رفته رفته

آثار تاریخی و هنری پیشینیان و آنچه در نتیجه کاوشهای علمی بدست آمده بود و یا

بدست می آمد مورد بهره برداری تاریخ نویسان اروپائی قرار گرفت و این منبع

سرشار، نوع سوم از منابع تاریخ نویسی شناخته شد.

در این جا باید یاد آور شد، در طی سده‌های پیش ازین تحول، برخی از

نویسندگان و تاریخ نویسان مثل هومر<sup>۱</sup> و توسیدید<sup>۲</sup> (۴۶۹-۳۹۵ پیش از میلاد) در

---

۱- برای نشان دادن این گونه تصرفات در متون، شواهد بسیاری توان ارائه نمود

ولی جالبتر از همه تصرف کاتبی است که می گویند به هنگام استنساخ قرآن؛ کلمه «شفلتندار

آیه یازدهم از سوره الفتح را به سبب کم سواد و با توجه به لفظ «غلط»، به معنی نادرست دانسته

و آنرا به زعم خود به صورت «شدرستنا» تصحیح نموده بود.

2- Homère

3 - Thucydide

بحث تمدن اقوام، گاهی به آثار و اشیاء باستانی نیز اشاره کرده بودند ولی نباید از نظر دور داشت که این اشارات، در حقیقت يك نوع تفنن در نگارش و رنگ آمیزی در تألیف بیش نبوده و قدر مسلم این است که باستان شناسی و بهره گیری از آن برای برای تاریخ نویسی تا دوره رنسانس، هنوز شناخته نبود و حتی سترابون<sup>۱</sup>، لوسین<sup>۲</sup>، پلوتارک<sup>۳</sup> و پوزانیاس<sup>۴</sup> هم که خود از عتیقه شناسان زمان خویش محسوب می شدند در تألیفات خود از آثار تاریخی و اشیاء هنری هرگز بهره گیری نکرده بودند. در این دسته از منابع، بناهای تاریخی، لوحها، سکهها، کتیبههای چوبی و گچی در بناهای تاریخی و مقابر، نوشتههایی که بر روی کاشی کاریهای ابنیه باقیست و بالاخره اشیاء و آثار هنری را که از زیر خاک بدست می آید باید نام برد.

يك قرن بعد در فرانسه، مقارن پادشاهی لوئی چهاردهم (۱۶۴۴ - ۱۷۱۵ میلادی مطابق با ۱۰۵۳ - ۱۱۲۷ قمری هجری) نوع دیگری از مدارك شناخته شد و رفته رفته مورد توجه تاریخ نویسان قرار گرفت. این منبع نوین، اسناد خطی دولتی و اداری بود که در گنجینهها و مخازن پادشاهان و امرا (آرشیوها) نگاهداری می شد و شناخته شدن آن را نتیجه تلاش بالوز<sup>۵</sup> کتابدار لوئی چهاردهم باید دانست که به تنظیم و طبقه بندی فرمانها و اسناد پادشاهان فرانسه همت گماشت و مجموعه نفیس او به وسیله فرهنگستان ادب و هنر که به ابتکار کلبر<sup>۶</sup> وزیر لوئی چهاردهم، به تازگی تأسیس یافته بود (۱۶۶۳ میلادی) انتشار یافت.

مقارن این احوال، شیوع اندیشههای اصلاح طلبی در مذهب هم که بر اثر واکنشهای فشار عقاید و استبداد کلیسا پدید آمده بود موجب پیدائی بحث و جدل های شدید شده بود و چون هر دو دسته، برای اثبات عقاید خود از یافتن و ارائه مدارك مسلم، ناگزیر بودند انتشار مجموعه بالوز، توجه آنها را به اهمیت وجودی آرشیوها جلب کرد و به تدریج اهمیت اسناد و فرمانها و مکاتبات درباری

1- Strabon.

2- Lucien

3- Plutarque.

4- Pausanias

5- Baluze .

6- Colbert .



و اداری آشکار گردید. چنانکه، چندسال بعد (در سالهای ۱۷۴۴ - ۱۷۴۹ میلادی) در ایتالیا هم مجموعه‌ای از اسناد، در ۲۴ جلد به وسیله آنتونیو موراتوری<sup>۱</sup> مورخ ایتالیائی انتشار یافت و از آن‌پس در کشورهای دیگر هم به تبعیت از فرانسه و ایتالیا، به نشر مجموعه‌های اسناد و تمرکز آنها در يك جا پرداختند در آغاز کار، چنین تصویری رفت که وجود این گونه اسناد قدمت و سابقه بسیار قدیم ندارد. اما رفته رفته که دامنه کاوشهای باستانشناسی گسترش یافت، با کشف مخازن و گنجینه‌های اسناد پادشاهان کشورهای باستانی معلوم شد بایگانی اسناد از روزگارانی بس قدیم معمول بوده است<sup>۲</sup>، منتهی آنکه محتویات آنها در خدمت تاریخ به کار نمی‌رفته و یا اگر هم بکار می‌رفته به عنوان يك منبع خاص تلقی نمی‌شده است. علت این وضع چنین بود که محققان و تاریخ‌نویسان به علت دسترسی نداشتن به این مآخذ اصیل و معتبر آگاهی و وقوفی به محتویات آنها نداشتند و پژوهشها و تألیفات ایشان تنها، متکی بر محفوظات ذهنی و متون کتبی می‌بود، آنهایی هم که بنا به مقتضیاتی خاص به این گونه مآخذ دسترسی می‌داشتند و حتی در تدوین تألیفات خود، از آنها - بهره‌برداری می‌کردند، باز آنها را در شمار متون کتبی می‌دانستند و خصوصیت و استقلال برای این گونه منابع قائل نبودند. چنانکه ابوالفضل بیهقی با آنکه در نگارش تاریخ خویش از این مدارك و اسناد به فراوانی استفاده کرده است<sup>۳</sup>، در بیان

1- Antonio Muratori (1672 - 1750)

۲- برای آگاهی از وجود آرشیوهای کشورهای باستانی به کتاب «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» تألیف نویسنده این کتاب: از ص ۱۵ تا ۲۲ و کتاب «آرشیو» تألیف ژان فاویه Jean Favier چاپ پاریس سال ۱۹۵۹ رجوع کنید و برای سابقه آرشیو و نگهداری اسناد در ایران نیز به ص ۲۸ تا ص ۳۷ کتاب شناخت اسناد تاریخی مراجعه شود.

۳- بیهقی در جایی از تاریخ خود نوشته است «و این اخبار بدین اشباع که می‌برانم از آن است که در آن روزگار معتمد بودم و بر چنین احوال کس از دیران واقف نبودی مگر استادم بونصر [منظور خواجه ابونصر مشکان صاحب دیوان رسالت سلطان مسعود است] رحمة‌اله نسخت کردی و ملطفها من نبشتمی و نامهای ملوک اطراف و خلیفه اطال‌اله بقائه و بقیه در صفحه بعد ←

انواع منابع و اخبار می گوید :

«اخبار گذشته را دو قسم گویند که آنرا سه دیگر شناسند. یا از کسی بیاید شنید و یا در کتابی بیاید خواند»<sup>۱</sup>.

و این وضع در تاریخ نویسی ایران تا چندسال پیش هم معمول بوده است چنانکه در رساله‌ای زیر عنوان «آئین نگارش تاریخ» که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی تألیف و انتشار یافت<sup>۲</sup>، در شرح مدارک تاریخ فقط از سه نوع منابع ذهنی، کتبی و باستان‌شناسی یاد شده است.

اهمیت وجودی این دسته از منابع، ایجاب می‌کند توضیح بیشتری درباره آن داده شود :

منابع آرشیوی که امروز به آنها اسناد تاریخی نیز می‌گوئیم شامل کلیه نامه‌های پادشاهان و ملوک، فتحنامه‌ها و سنگنبشته‌های باستانی که در حقیقت فتحنامه‌های پادشان باستانی هستند، فرمانهای سلطنتی، مکاتبات و اسناد سیاسی، معاهدات و نوشته‌های اداری، اسناد قضائی و مالی و حقوقی، گزارشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی و برخی از مکاتبات خصوصی و دوستانه و خانوادگی می‌باشد و به این اسناد، بر حسب کیفیات و محتوایشان در قدیم عناوین سلطانیات،

---

→ بقیه در صفحه قبل

خانان ترکستان و هر چه مهمتر در دیوان هم برین جمله بود، تا بونصرزیست و این لافی نیست که می‌زنم بلکه عذری است که به سبب این تاریخ می‌خواهم که می‌اندیشم نباید که صورت بندد، خوانندگان را که من از خویشان می‌نویسم و گواه عدل بر این چه گفتم تقویمهای سالهاست که دارم با خویشان، همه به ذکر این احوال ناطق. هر کس که باور ندارد به مجلس قضای خرد حاضر باید آید تا تقویمها پیش حاکم آیند و گواهی دهند» (تاریخ بیهقی ص ۵۵ چاپ دکتر فیاض).

۱- همان کتاب ص ۶۶۶.

۲- تألیف رشید یاسمی.

دیوانیات، سجلات و اخوانیات اطلاق می شده است<sup>۱</sup>.

ارزش اسناد تاریخی و امتیاز آنها بر منابع تاریخ نویسی به سبب اصالت و اعتبار وجودی آنهاست زیرا محتوای هر قطعه از این اسناد بازمان و رویدادی حقیقی بستگی دارد و حاصل رابطه‌ای مستقیم و طبیعی بین اثر و مؤثر است، در نتیجه آنچه از محتوای آنها استنباط می گردد، برخلاف متون قدیم (از منابع کتبی) که دستخوش تغییر و حک و اصلاح بوده‌اند و حتی مدارک باستان‌شناسی که قضاوت و استنباط در مورد آنها هم غالباً مبتنی بر حدس و گمان و تقریب می باشد، پر پایه اعتبار و یقین و اصالت استوار است. در مقام مقایسه با اقسام دیگر منابع هم، اسناد تاریخی نه تنها وسیله مقتضی و مطمئن برای درک تاریخ و شناخت تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اداری، فرهنگی و نظامی یک جامعه هستند بلکه چون حاصل فعالیت‌های دیوانی و درباره کارهای روزمره زندگی افراد اجتماع بوده و برای حفظ روابط مردم با مردم، و جامعه با دستگاه‌های اداری و حاکمه تهیه و تنظیم شده و می شوند، خالی از هر گونه شایبه دروغ، ملاحظه کاری‌ها، تظاهر و اغراض خصوصیت و به سبب همین نقش اساسی و قابل اعتماد که این منبع در اصالت ضبط و قایم ایفای کند، از قدیمترین ایام در جوامع باستانی شناخته و اهمیت آن آشکار بوده است و لسی چون تاریخ نویسی به صورت امروز معمول نبوده عین آنها را به عنوان سند و تاریخ نگهداری می کردند چنانکه جمع آوری الواح هیتی، آشوری، بابلی، سومری، پارسی و عیلامی که در کاخ‌های سلطنتی پادشاهان کشورهای باستانی به دست آمده همه به همین منظور بوده است<sup>۲</sup>.

به هر حال آشنائی با این منبع سرشار و متنوع دو تأثیر بنیادی در تاریخ نویسی بخشید: نخست اینکه برخی از محققان و تاریخ نویسان، روش تاریخ نویسی قرون

---

۱- درباره اقسام اسناد تاریخی به کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی از صفحه ۴۱ تا ص ۱۴۵ مراجعه کنید.

۲- ر، ک به کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی از ص ۱۵ تا ۲۰ و ۲۸ تا ۳۱.

پیش را که بیشتر جنبه مذهبی و دینی می داشت کنار گذاشتند و به مسائلی مربوط به مردم و اجتماع پرداختند.<sup>۱</sup> دوم اینکه مطابقت محتوای آن اسناد با مندرجات تاریخهای که مستند بر منابع ذهنی و نقلی و کتبی می بود آشکار ساخت که بسیاری از رویدادهای تاریخی نادرست ضبط شده است و از این رو صحت منابع کتبی که تا آن روز زیاد اعتبار می داشت مورد تردید و شک واقع شد.

توجه مردم دوره رنسانس به جهانگردی، و سفرهای دوز و دراز جهانگردان اروپائی که در میان آنها غالباً دانشمندان و باستان شناسانی هم بوده اند، موجب پیدائی نوع دیگری از منابع تاریخ نویسی شد، به این معنی که برخی از این جهانگردان در سفرنامه های خود تصاویر و نقاشی هایی از آثار تاریخی، مناظر شهرها، اوضاع اجتماعی و اداری ملل و اقوام و صورت بزرگان و رجال کشورها به منظور زینت کتاب خود و گاهی برای تسهیل درک مطالب، در کتاب می گذاشتند.

نوع موضوع این تصاویر و تازگی آنها موجب شد توجه عده ای به جمع آوری تصاویر و انتشار مجموعه هایی از آنها جلب گردید. به این ترتیب نخستین مجموعه تصاویر در سال ۱۶۶۹ در رم به چاپ رسید و به دنبال آن نیز مجموعه های دیگری متوالیاً انتشار یافت<sup>۲</sup> تا اینکه رفته رفته علم شناخت تصویرها (Iconographie) به وجود آمد و جزو منابع تاریخ نویسی گردید.

اما این مآخذ، تا آنجا که مربوط به سالهای پیش از اختراع دستگاه عکاسی

---

۱- امری نف Emery Neff، در کتاب «شعر تاریخ» The poetry of history که به فارسی به نام «فلسفه تاریخ» توسط دکتر عبدالله فریار ترجمه شده، در این مورد می نویسد این سبک تاریخ نویسی «در طی چهارده قرن یعنی از زمان تألیف کتاب شهر خدا City of God توسط سن اگوستین Saint - Augustin بر اروپا مسلط بود» (ص ۴).

کتاب شهر خدا بین سالهای ۴۱۲ و ۴۲۶ میلادی نوشته شده و مضمون آن شرح نبرد زمینیان با آسمانیهاست و مراد از آن نبرد غیر مسیحیان با مسیحیت می باشد.

۲- در دائرة المعارف لاروس به واژه Iconographie رجوع نمائید.

است، با همه غنا و تازگیشان، اصالت و اعتبار اسناد تاریخی را ندارند. در بهره‌برداری از آنها باید رعایت احتیاط را نمود زیرا ایراد اصولی و اساسی که بر کیفیت این مآخذ می‌توان وارد دانست این است که تصاویر مزبور در همه حال نقش بسی کم و کاست اشیا و اشخاص و نکاتی که نقاش می‌خواسته است نشان‌دهنده نیستند و به‌علل گوناگون اختلاف بسیار با واقعیتها دارند.

از جمله این علل اینکه، اکثر جهانگردان که تصاویری در سفرنامه‌های خود آورده‌اند، نقاش و هنرمند نبوده‌اند و اگر هم به فرض در برخی از آنها اندک ذوق و استعدادی وجود داشته و یا احتمالاً نقاش و هنرمند بوده‌اند باز قدر مسلم این است که فرصت کافی برای تهیه طرح‌های خود نداشته‌اند، بنابراین غالب آنها با تعجیل و شتابزدگی يك طرح ساده با خطوط اصلی مورد نظر رسم می‌کردند و سپس در فرصتهای دیگر با تجسم مشهودات و اطلاعات ذهنی خود آن طرح‌ها را تکمیل می‌نمودند. تازه، چون این تصاویر برای چاپ بدست‌گراور سازان و حکاکان سپرده می‌شد، يك بار دیگر دستخوش تغییرات می‌گردید. ولی با همه این احوال از تصاویری که تا قبل از اختراع دوربین عکاسی، جهانگردان در سفرنامه‌های خود آورده‌اند و همچنین از پرده‌های نقاشی و مینیاتورهای که از سده‌های پیشین باقی مانده است اطلاعاتی بسیار مفید و جالب بدست می‌آید که کمتر در منابع کتبی می‌توان یافت. از جمله با بررسی این تصاویر به بسیاری از سنن و آداب قومی و رسوم اجتماعی ملت‌ها، به شکل و انواع و گاهی هم به رنگ پوشاک مردم، به اقسام سلاح‌های نظامیان، به تغییراتی که در بناهای تاریخی و در وضع و منظره شهرها پدید آمده است می‌توان پی برد.

---

۱- برای آگاهی از چگونگی و تنوع مطالبی که در تصاویر می‌توان یافت به کتاب «اسناد مصور اروپائیان از ایران» (درد و جلد) تألیف دکتر غلامعلی همایون (چاپ دانشگاه تهران) که شامل ۲۷۴ تصویر از سفرنامه‌ها اروپائیان درباره ایران است رجوع کنید و برای آشنائی به يك نمونه تحقیق بر مبنای علم شناخت تصاویرها به کتاب «تاریخچه ساختمانهای ارك سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان» تألیف یحیی ذکاء مراجعه شود (از انتشارات انجمن آثار ملی)

بنابر این منابع تصویری را نباید به کلی بی ارزش و بسی اعتبار دانست زیرا هنگامی که چندین تصویر مختلف از منظره يك شهر مثلا سلطانیه و گنبد آن به تاریخهای مختلف می بینم<sup>۱</sup> و همه آن مناظر، با وضع امروزی سلطانیه تفاوتهای کلی دارد، ارزش این تصاویر که تغییرات متوالی سلطانیه را نشان می دهند معلوم می گردد به علاوه در میان این جهانگردان، هنرمندان نقاش، باستان شناس و معمار (آرشیست) نیز بوده اند که به کار آنها نمی توان ایرادی وارد دانست از جمله کوست<sup>۲</sup> و فلاندرن<sup>۳</sup> که معمار و باستان شناس بودند و طرحها و تصاویر و نقاشی های آنها نمودار صحتی از واقعیات و مسائل گوناگون ایران میباشد چنانکه مقایسه تابلو نقاشی کوست از پیل قزل اوزن در زمان آبادانی آن، با وضع کنونی که در سال ۱۳۲۴ خورشیدی ویران شده است، حاوی اطلاعات بسیاری می تواند بود. باید افزود که منابع تصویری از اواسط سده نوزدهم میلادی که دستگاه عکاسی به وجود آمد و فن گراورسازی به تدریج تکامل یافت، دارای اصالت وجودی و اعتبار تمام شد و امروز از معتبرترین منابع تحقیق و تاریخ نویسی به شمار می آید.

افزون بر منابع مذکور، از نوع دیگری که پدیده قرن حاضر است نیز باید یاد کرد. این دسته از مآخذ را می توان، منابع آماری و ترسیمی نامید و شامل آگاهی هائی است مبتنی بر تغییرات حاصل در ارقام و اعداد و آمارهای مربوط به مسائل گوناگون مثل مسائل اقتصادی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و جز اینها که آنها را به صورت جداول و یا با رسم خطهای شکسته و منحنی (گرافیکها و دیاگرامها) نشان می دهند. این نمودارها که بر مبنای اصول و محاسبات ریاضی تهیه می شوند از منابع موثق و قابل اطمینان هستند و با اعتماد کامل می توان در تاریخ نویسی از آنها استفاده کرد، به خصوص که يك نمودار در يك صفحه معمولا

۱- نگاه کنید به سفرنامه های اولتاریوس Oléarius، شاردن Chardin و برون

هوگنبرگ Braun Hogenberg

2- Coste

3- Flandin



نتیجه بررسی ده‌ها صفحه و شاید بیشتر است. به‌علاوه در همان يك صفحه چندین- نکته مختلف مثلا تغییرات وضع، خوراك، پوشاك، سوخت، روشنائی و کرایه‌خانه اهالی يك کشور را بر حسب سالهای متوالی، یا تغییر آبدۀ (Débit) يك رودخانه در طول سال، یا تغییرات بازده محصولات کشاورزی بر حسب عوامل مختلف و بسیاری مطالب و مسائل دیگر را می‌توان نشان داد. این گونه منابع از نظر صرفه جوئی زمان و تلاش در تحقیق هم بسیار قابل توجه است. اضافه کنیم که نقشه‌های جغرافیائی و زمین‌شناسی نیز جزو منابع ترسیمی به‌شمار می‌آیند.

اینك بار دیگر اقسام منابع تاریخ‌نویسی را بر حسب پیدائی آنها، به‌طور

خلاصه در این‌جا نام می‌بریم:

- الف - منابع ذهنی و نقلی
- ب - مدارك كتبی
- پ - ماخذ باستان‌شناسی
- ت - اسناد تاریخی (آرشیوها)
- ث - منابع تصویری
- ج - مدارك آماری و ترسیمی

## ضمیمه ۲

### تأثیر تاریخ در روابط ملتها<sup>۱</sup>

روابط و بستگی يك ملت با ملتهای دیگر اصل انکارناپذیر شناسائی و موجودیت آن ملت است و تاریخ به معنی و مفهوم واقعی اش جز شرح روابط بین انسانها و ملتها چیز دیگری نیست و از همین دیدگاه است که آرنولد تاین بی<sup>۲</sup> مورخ معاصر انگلیسی تاریخ جهان را در ده جلد و بالغ بر ده هزار صفحه بررسی کرده است.<sup>۳</sup> و اما این که بدانیم تاریخ خود در روابط بین ملتها چه تأثیری دارد و باز برای این که در این بحث به نتیجه مطلوب برسیم بهتر است مسأله را از پایان

---

۱- متن سخنرانی مؤلف این کتاب، نقل از مجموعه سخنرانی های نخستین کنگره تاریخ در ایران، از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ص ۳۳ تا ۳۹، چاپ تهران، ۱۳۴۸ خورشیدی.

2- Arnold J. Toynbee

۳- تألیفات تاین بی شامل دو کتاب است یکی به نام تحقیقی در تاریخ A. Study of history در ۶ جلد و دیگری تحت عنوان تمدن در حال آزمایش Civilization on Trial و این هر دو کتاب به زبانهای مختلف ترجمه شده است و خلاصه و چکیده عقاید و نظرات او نیز به وسیله آقای دکتر بهاءالدین بازارگاد به فارسی ترجمه و منتشر گردیده است.

به آغاز بررسی کنیم. به این معنی که نخست ببینیم روابط بین ملتها چگونه و تحت تأثیر چه عواملی پدید می آید. آنگاه به بررسی تأثیر تاریخ در آن روابط و آن عوامل پردازیم.

قدر مسلم این است که اجتماعات بشری در شرایط یکسان زندگی نکرده اند و اکنون نیز در شرایط یکسان زندگی نمی کنند و در آینده هم در شرایط یکسان زندگی نخواهند کرد. اما طبیعت افزون طلب بشر که به آنچه دارد راضی و قانع نیست و می خواهد به نحوی از انحاء کمی و کاستی های خود را جبران کند بشر را وادار می سازد برای رفع نیازمندیهایش با هموعان خود ارتباط پیدا کند و روابطی که بدین ترتیب بین دو انسان و یا دو اجتماع انسانی برقرار می گردد متناسب با همان نیازمندیها، به صورتهای گوناگون مانند روابط مودت و دوستی، بازرگانی، فرهنگی، هنری و مذهبی جلوه می کند و چون وجود روابط بین انسانها و ملتها پای مصالح خصوصی را هم به میان می کشد خواه ناخواه در بسیاری از موارد اختلافاتی نیز به میان می آید که برای برطرف ساختن آن اختلافات به زور و یا به سیاست متوسل می شوند و از اینجا است که روابط نظامی و سیاسی نیز بین ملتها پدید می آید.

حال به بینیم این عواملی که موجب پیدائی روابط بین ملتها می شوند کدامند؟

### الف - عوامل جغرافیائی

از نظر جغرافیائی زندگی اجتماعات بشری به چند عامل بستگی دارد:

#### ۱- آب و هوا و اقلیم:

الف - از لحاظ سرما و گرما که در تندرستی و سلامتی و همچنین در فعالیتها و جنبشهای مردم مؤثر است چنان که می بینیم فعالیتهای ساکنان مناطق قطبی با جنبشهای ساکنان نواحی گرمسیری فرق دارد و چون فعالیت و جنبش کم و زیاد شود بالطبع محصول زندگی هم کم و زیاد می شود و در نتیجه نیازمندی دسته ای از مردمان به دسته دیگر پدید می آید و این نیازمندیهاست که موجب ارتباط

دو گروه، دو جامعه و دو ملت می گردد.

ب - همچنین عوامل رطوبت و خشکی منطقه و عامل جنس خاک و خواص درونی آن چون در رشد نباتات و گیاهان مختلف و منابع طبیعی روی زمین مؤثرند در زندگی اجتماعی هم نقش مهمی را به عهده دارند.

پس، از عوامل ارتباط بین ملتها یکی هم آب و هوا است.

۲- وضع زمین - در این باره باید گفت شکل زمین یعنی اگر زمینی که ملتی و قومی در آنجا سکونت گزیده است کوهستانی و یا جلگه‌ای باشد دشت، یا دره یا ساحل رودخانه و دریا و دریاچه و مرداب باشد، در زندگی اجتماعی و سیاسی آن ملت و قوم تأثیر دارد. زیرا شرایط زندگی در هر يك از این چند نوع منطقه با منطقه دیگر متفاوت است. مردمانی که در کوهستان زندگی می کنند با آنها که در ساحل دریاها سکونت دارند نمی توانند زندگی مشابه داشته باشند و یکسان فکر کنند و فعالیت‌هایشان یکنواخت باشد. و همچنین با آنهایی که در کنار مردابها و یا در دشتها و جلگه‌ها زندگی می کنند یکسان نیستند.

بنابراین تا اینجا باید گفت به طور کلی عامل فیزیکی از عوامل مهم ارتباط بین دو جامعه و ملت می باشد و این بحثی است که نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم به وسیله راتزل<sup>۱</sup> (۱۸۴۴-۱۹۰۴) به آن توجه شد و مطالعات او مبنای ایجاد علم ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> گردید.

۳- نوع راه‌های موجود در يك منطقه که آیا از نوع راههای زمینی و یا راههای آبی باشد نیز در نحوه روابط دو ملت و دو جامعه مؤثر است.

۴- مرزها و حدود بین دو ملت هم که بر حسب نوع عوامل طبیعی و جغرافیائی مانند کوهها، تپه‌ها، دره‌ها، مسیر رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، دشتها و جلگه‌ها انتخاب می شوند از بزرگترین عواملی هستند که در روابط بین ملتها تأثیر دارد چنان که در تاریخ همه ملتها شرح کشمکش‌هایی را که بین آنها با همسایگانشان بر سر حدود و

1- Ratzel

2- Géopolitique

مرزها پیش آمده است به فراوانی می خوانیم و به قسمی است که تاریخ تحولات مرزهای کشور، خود بخشی اساسی و مهم از تاریخ کلی آن کشورهاست.

۵- موقعیت جغرافیائی - این عامل نیز در روابط بین ملتها نقش مؤثر و مهمی دارد. زیر وضعی را که يك ملت در روابط بین المللی می تواند داشته باشد به طور- محسوسی منوط به موقع جغرافیائی ناحیه مسکونی آن ملت در نقشه جهانی است. ملتی که بر سر راههای قبایل و یا کاروانهای بازرگانی قرار دارد - موقعیتش با ملت دیگری که در گوشه ای دور واقع شده و ملل دیگر کمتر بدانجا گذارشان می افتد مسلماً فرق خواهد داشت.

تردیدی نیست موقعیت جغرافیائی ایران که از روزگاران کهن بر سر راه بازرگانی هندوستان و چین واقع بسوده و راههای ابریشم و ادویه از قلب آن می گذشته است و به علاوه به دریای آزاد دست دارد با موقعیت جغرافیائی افغانستان فرق دارد و به سبب همین اختلاف، به ناچار در شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت ایران و افغانستان هم تفاوتی پدید می آید. اینجا این پرسش پیش می آید که این اختلاف شرایط زندگی آیا موجب نمی شود که این دولت برای رفع کم و کاستی های خود با یکدیگر ارتباط بگیرند؟ البته پاسخ این پرسش مثبت است.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که در تاریخ ملتها از اجتماعات اولیه بشر گرفته تا امروز که دولتهای بزرگ وجود دارد بدون در نظر گرفتن شرایط و عوامل جغرافیائی هرگز نمی توان به مطالعه روابط بین اجتماعات بشری مبادرت کرد و این رشته یعنی بحث مرکب جغرافیا و تاریخ *Géo-histoire* به تازگی پیشرفتهای بسیار کرده است و نمونه کامل نتایجی را که از تحقیق در این مبحث به دست می آید می توان در کتاب «مدیترانه و جهان مدیترانه ای در دوره فیلیپ دوم» تألیف

---

1- La Méditerranée et le monde méditerranéen a l'époque de Philippe II. Paris 1949.

فرناند برودل<sup>۱</sup> مشاهده کرد.

## ب- نیروهای اقتصادی

اقتصاد يك جامعه از کشاورزی، صنایع و منابع طبیعی زیرزمینی و روی زمینی آن جامعه به وجود می آید و با برقراری روابط بازرگانی که مسائل پولی و مالی و گمرکی را هم به میان می آورند تکمیل می شود.

روابط اقتصادی بین دو کشور به قدرت بنیه و سیاست اقتصادی آن کشورها بستگی دارد. کشوری که اقتصاد بهتری دارد می تواند روابط اقتصادی بهتر و بیشتر و دامنه دارتری با ملل دیگر داشته باشد. در روابط اقتصادی بین ملتها هم دو دوره متمایز از یکدیگر می توان تشخیص داد.

دوره نخست آن روزهایی بوده است که معاملات بازرگانی و دادوستد بدون هیچ قید و شرط انجام می شده و مرزهای گمرکی برای روابط تجارته هنوز بین دو جامعه وجود نداشته است. این دوره شامل قرون ماقبل تاریخ و سده های اولیه تاریخ بوده که هنوز حکومتها تشکیل نشده بودند و اگر در برخی از جوامع هم حکومت تشکیل شده بود روابط بازرگانی را حکومت زیر نظر خود نداشته است.

دوره دوم قرونی است که حکومتها بر روابط بازرگانی بین مردم با ملل دیگر نظارت کرده اند و به منظور حفظ منافع جامعه و ملت خود، مقرراتی برای خروج و ورود کالاها وضع نموده و مسأله مرزهای گمرکی را به میان آورده اند.

قسمت اعظم تاریخ بازرگانی ملتها شرح همین دوره است و دانشمندان علم اقتصاد در تجزیه و تحلیلها و بررسی های خود نقشی را که حکومت و دولت در



روابط اقتصادی بازی می کنند روشن کرده اند.<sup>۲</sup>

در این مبحث مورخ روابط بین الملل باید نخست درباره شکلی که مبارزات اقتصادی در میان دولتها به خود گرفته است بررسی کند و برای این منظور لازم است تغییرات حاصل در سیاست مبادلات، مسؤولیتها و تعهداتی که در خصوص بازارهای صادرات تقبل شده، ذخیره و موجودی مشواد اولیه، شاهراههای ارتباط دریائی، تعرفه های گمرکی و اقداماتی که برای منع صادرات می شود و به فلج شدن روابط منتج می گردد یکایک مورد بحث قرار گیرد.

ولی ازدید روابط بین المللی که مورخ بخواهد درباره آن بررسی نماید، مطالعه در گردش چرخهای اقتصادی تنها وظیفه و هدف او نیست. آنچه بیش از همه چیز اهمیت دارد این است که مورخ اصل و نهاد رابطه های را که میان رقابت های منافع اقتصادی و مخالفت های منافع سیاسی موجود است باید تشخیص دهد و این رابطه ها می توانند پر دامنه ولی کاملاً مغایر با یکدیگر باشند.

چون محصول مطالعات و کوششهای مورخ بدین گونه آماده شود راه رفع اختلافات را بهتر نشان می دهد زیرا تاریخ است که نشان می دهد که آیا روابط بازرگانی و داد و ستد بین دولت در آن سالها که مقررات گمرکی و مرزی سبکتر و آسانتر بود و یا به کلی وجود نداشته، بیشتر و محکمتر بوده یا در آن ایام که مقررات

---

۲- در این مورد بد نوشته های زیر رجوع کنید :

☆ *Esquisse d' une théorie de l' économie dominante*, par N. Perroux  
چاپ پاریس، ۱۹۴۸ میلادی در مجله اقتصاد تطبیقی.

☆ *Autarcie et expansion, Empire ou Empires. Par' N. Perroux*  
چاپ پاریس، ۱۹۴۰ میلادی.

☆ *Autarcie. Contribution à l'étude des doctrines de Commerce international. par ch. Herisson.*

چاپ پاریس سال ۱۹۳۷.

سنگین وضع شده است<sup>۱</sup>.

### پ- جمعیت

افزایش جمعیت در يك سرزمین هم از عوامل بزرگ ارتباط بین ملتهاست. زیرا چون نفوس منطقه‌ای افزایش یافت جا و مکان بیشتری لازم دارد و نیازمندیهایش نیز بیشتر می‌شود. آن وقت است که به دنبال جاوزندگی بهتر به حرکت درمی‌آیند. از سرزمین خود به سرزمینهای دیگر می‌روند و باطل دیگر ارتباط می‌یابند. این وضع در قدیم و بخصوص در قرون ماقبل تاریخ بیشتر پیش می‌آمد تا در زمان ما و در تاریخ مهاجرتها به خوبی این نکته را می‌یابیم و چون در علت مهاجرتها قبایل اولیه بررسی کنیم می‌بینیم آنها نیز به همین علت و انگیزه از سرزمینهای خود کوچ کرده به مناطق دیگر رفته‌اند.

### ت- احساسات ملی

در بررسی روابط بین ملتها به جلوه‌هایی از احساسات و افکار ملی ملتها بر- می‌خوریم که گاه دامنه آن، آن چنان گسترش و وسعت پیدا کرده است که يك ملت را کاملاً دربر گرفته و گاه در مقیاسهای کوچکتر باقی مانده است. و این تظاهرات و جلوه‌ها به هر حال جز برای تحکیم و حفظ مصالح جامعه نبوده و نیست. این احساسات به صورتهای گوناگون جلوه می‌کند مانند احساسات میهنی، احساسات نژادی، احساسات مربوط به سنن و عادات و رسوم، احساسات زبانی،

---

۱- در این باره به کتاب نفیس «مقدمه‌ای بر تاریخ روابط بین‌المللی» تألیف پروفیسور پی بررونو و پروفیسور ژان باتیست دوروزل (از صفحه ۶۶ تا ۱۲۴).

Pierre Renouvin, Jean Baptiste Duroselle :

Introduction à l'histoire des relations internationales. Paris ,  
1966

و ترجمه فارسی آن تحت عنوان «مقدمات و مبانی تاریخ روابط بین‌الملل» ترجمه دکتر احمد میرفندرسکی رجوع کنید.

احساسات مذهبی و بالاخره احساسات ملیت.

در این بخش است که اگر تاریخ، حقایق این تموجات را به خوبی روشن نماید و باز گوید، در بهبود روابط بین دو ملت می تواند نقش بزرگی را بازی کند.

### ث- فرهنگ و هنر

در این مرحله ملتها دیگر با روح و روان، ذوق و استعداد و هنر یکدیگر سرو کار دارند، در جهانی بالاتر و والاتر از جهان مادی بایکدیگر ارتباط می یابند. این-جاست که مورخ میزان نزدیکی معنوی و روحی دو ملت را تشخیص می دهد و به ما باز می گوید و با مطالعه تاریخ است که این پیوندهای واقعی و معنوی بین دو ملت را که در خود ضبط و حفظ نموده، می توان دریافت چگونه و به چه طریق می توان آن پیوندها را محکمتر و استوارتر نمود.

### ج- جنگ

نامطبوع ترین عوامل ارتباط جنگ بین دو ملت و دو اجتماع است. هنگامی جنگ به وقوع می پیوندد که بر سر مصالحی اختلاف نظر و عقیده حاصل شود و اگر در شرح جنگها از این اختلافات در تاریخ صحبت شده باشد تردیدی نیست مراجعه به تاریخ، دولتها را به علل اصلی اختلافات متوجه میسازد و این توجه موجب می شود که اگر بخواهند از بروز جنگهای دیگر جلو گیری کنند، بدانند چه باید کرد.

### ج- نقش سیاستمداران

نقش سیاستمداران را نیز در روابط بین ملتها نباید نادیده گرفت. در این مورد دانشمند فرانسوی ژان باتیست دوروزل<sup>۱</sup> که هم اکنون استاد تاریخ روابط بین المللی در دانشگاه پاریس است اثر ارزشمند و مبسوطی دارد به نام «سیاستمدار»<sup>۲</sup> و این تحقیق به صورت بخش دوم در کتاب «مقدمه ای بر تاریخ روابط بین المللی» که

1- Jean Baptiste Duroselle

2- L'homme d'Etat

به همکاری «پی‌یرونوون»<sup>۱</sup> تألیف شده در پاریس به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup>  
در این مبحث دو روز از مختصات يك سیاستمدار و نقشی که او در روابط  
بین‌المللی بر عهده دارد و اثرات نقش او به تفصیل گفتگو نموده است.  
بررسی تاریخ هم نشان می‌دهد که اشتباهات يك سیاستمدار چگونه می‌تواند  
موجب تیرگی روابط بین دولت شود و یا حسن رفتار و سیاست او تا چه اندازه در  
برقراری روابط نیکو میان دولت مؤثر است. به علاوه با مراجعه به تاریخ استنباط  
می‌کنیم که در انعقاد يك قرارداد و يك معاهده خبط و خطا و یا تدبیر و کاردانی  
سیاستمداران چه گونه منافع و مصالح ملتی را منهدم و یا تأمین و تثبیت کرده است.

### نتیجه

از آنچه گفته شد به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تاریخ حقیقی  
شرح روابط گوناگون بین ملتهاست و در آن باید از انگیزه‌های ارتباط مانند عوامل  
جغرافیائی، نیروهای اقتصادی، جمعیت، احساسات ملی، فرهنگ و هنر، جنگها،  
کارها و سیاست مردان سیاسی گفتگو شده باشد و چون شرح این عوامل مورد مطالعه  
قرار گیرد استنباط می‌کنیم نحوه روابط بین دولت در گذشته چه گونه بوده است،  
چه در گیریها، تضادها، ناهماهنگیها و اختلافات بین آنها وجود داشته و همچنین  
چه دوستیها، پیمانها، یگانگیها و همکاریها آنها را به یکدیگر نزدیک و متصل  
نموده است و بدین طریق راه برقراری روابط دوستی و اتحاد شناخته می‌شود و چون  
علل و انگیزه‌های اختلافات و قطع روابط شناخته شد می‌توان آن اختلافات و

---

#### 1— Pierre Renouvin

۲- این کتاب که پیش از این هم از آن نام بردیم مشتمل بر نظریات نوینی برای  
تدوین تاریخ روابط بین‌المللی است و در حقیقت باید آن را فلسفه نوین تاریخ بین‌المللی دانست.  
کتاب مزبور شامل دو بخش است: بخش نخست به قلم پی‌یرونوون به اسم نیروهای مؤثر و  
عامل *Les Forces profondes* و بخش دوم به نام سیاستمدار به قلم دوروزل (بخش اول  
در ۲۸۲ صفحه و بخش دوم در ۱۷۳ صفحه).

ناهماهنگی‌ها را رفع کرد و روابط دوستی و فرهنگی و اقتصادی را تسریع داد  
و محکم‌تر نمود و بالاخره امنیت و صلح را بین دو ملت برقرار نمود.  
پس تاریخ است که کلیه این تحولات و تغییرات را از نظر ما می‌گذراند و ما  
را با کلیه رویدادهای گذشته جهان آشنای سازد و با این آشنائی است که کوتاهترین  
و مطمئن‌ترین راه ارتباط و پیوند با ملت‌ها را می‌یابیم و با پیمودن این راه که فقط تاریخ  
آن را فرا راه مامی گذارد، اجتماعات بشری در روابط بین خود به سوئی راهنمایی  
می‌شوند که آنجا برادری و انسانیت وجود دارد.

### ضمیمه ۳

#### تبدیل تقویم‌های مختلف به یکدیگر

پیش از اینکه به شرح نحوه تبدیل تاریخ‌های مختلف به یکدیگر پردازیم لازم است برای روشن شدن زمینه موضوع، درباره گاه شماری و انواع تاریخ‌های رایج در ایران به اختصار توضیحاتی گفته شود.

گاه‌شماری<sup>۱</sup> و تقویم که از عوامل اصلی تاریخ نگاری است در ایران، برخلاف آنچه در کشورهای اروپائی و آمریکائی که فقط یک نوع تقویم و گاه شماری دارند، مسأله پیچیده‌ایست که همیشه دشواری‌هایی برای محققان و تاریخ‌نویسان به وجود می‌آورد و این وضع بدین سبب است که در طول تاریخ ایران محاسبه روزها و ماه‌ها و سالها، تقویم‌های گوناگونی بر اساس سالهای خورشیدی و قمری متداول بوده است چنانکه در ایران پیش از اسلام، از گاه‌شماری‌هایی بر مدار سالهای خورشیدی استفاده می‌شده و در ایران اسلامی تاریخ قمری هجری که مبدأ آن هجرت پیامبر اسلام است رسمیت داشته است. اما چون خراج و مالیات‌ها که بیشتر از محل

---

۱- واژه «گاه شماری» به معنی حساب روزها و ماه‌ها و سالها، نخستین بار توسط شادروان حسن تقی‌زاده و برای عنوان کتابی تألیف خود او تحت نام «گاه شماری در قدیم» به کار رفته و این کتاب در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به چاپ رسیده است.

کشاورزی به دست می آمد بر مبنای فصول چهار گانه طبیعت یعنی سال خورشیدی وصول می شد، دستگاه های حکومتی و دیوان ها با وجود رسمیت تقویم هجری قمری، از قبول تاریخ خورشیدی نیز ناگزیر می بودند و به همین خاطر، گاه شماری های متنوعی بر مبنای سال شمسی وضع شده بود که از آن جمله است تقویم های متو کلی، معتضدی، خراجی، یزد گردی<sup>۱</sup>. اما هیچ یک از این گاه شماری ها دوامی نیافتند زیرا اولاً روش تعیین کیسه در آنها دقت کافی را نداشت ثانیاً در گاه شماری های مزبور آغاز سال با آغاز بهار و نوروز مطابقت نمی کرد. در نتیجه مشکلات مالی دیوان ها و دستگاه های حکومتی همچنان باقی مانده بود تا اینکه عمر نخبام در سال ۴۷۱ هجری قمری به دستور سلطان ملک شاه سلجوقی به تصحیح گاه شماری خورشیدی مبادرت کرد و این گاه شماری از سال ۴۷۶ معمول گردید<sup>۲</sup>.

در این تقویم، نوروز در اولین روز سال و آغاز بهار تثبیت شد و تقویم جلالی به جای سایر تقویم های شمسی رسمیت یافت.

مدت سال در تاریخ جلالی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه و ۴۸ ناله بوده است و حساب تعیین کیسه در آن که از جمع ساعات و دقائق و ثوانی و ثوالث در چهار سال به چهار سال و یا پنج سال به دست می آید بر مبنای دوره های کامل شمسی ۱۴۴۰ ساله و مرکب از دوره های ۱۶۱ ساله می باشد. بدین گونه که در ۱۶۱ سال، یک دوره ۲۹ ساله و چهار دوره ۳۳ ساله اختیار می شود و به طوری که سوتر Suter محاسبه نموده است با انتخاب این روش در ۲۸۰ هزار سال فقط یک روز خطا روی خواهد داد<sup>۳</sup>.

- 
- ۱- تقی زاده، گاه شماری در ایران قدیم، صفحات ۱۵۳ تا ص ۱۸۰ و بهروز (ذیح)، تقویم تاریخ در ایران، ص ۶۶-۶۷.
  - ۲- بهروز، همان کتاب ص ۶۰-۶۱.
  - ۳- دائرة المعارف اسلامی، ماده «جلالی»



در این روش، هر دوره ۱۴۴۰ ساله دارای ۳۴۹ سال کیبسه است که ۳۰۵ کیبسه بعد از چهار سال و ۴۳ کیبسه بعد از پنج سال می باشد و در دوره های ۲۹ ساله شش کیبسه بعد از چهار سال و یک کیبسه بعد از پنج سال و در دوره های ۳۳ ساله هفت کیبسه بعد از چهار سال و یک کیبسه بعد از پنج سال قرار می گیرد - روز کیبسه به ماه آخر افزوده می شد.

ماه های تقویم جلالی نامهای فارسی داشتند اما رفته رفته اسامی بروج و آن هم به زبان عربی به جای آنها متداول شد:

حمل ( ۳۱ روز )	ثور ( ۳۱ روز )	جوزا ( ۳۲ روز )
سرطان ( ۳۱ روز )	اسد ( ۳۱ روز )	سنبله ( ۳۱ روز )
میزان ( ۳۰ روز )	عقرب ( ۳۰ روز )	قوس ( ۲۹ روز )
جدی ( ۲۹ روز )	دلو ( ۳۰ روز )	حوت ( ۳۰ روز )

اما در گاه شماری قمری هجری که اساس آن بر محاسبه زمان گردش ماه به دور زمین و بر حسب نصف النهار محلی است ( که در آنجا گاه شماری می شود ) مدت سال ۳۵۴ روز و ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۲۵ ثانیه و ۴۸ نالته است و در این گاه شماری ممکن است دو ماه متوالی ۲۹ روز و سه ماه ۳۰ روز و یا به طور متناوب، ۳۰ روز و ۲۹ روز باشد و این ماه ها که با محاسبه معلوم می شوند به ماه های حسابی معروفند ولی منجمان در محاسبات و کارهای خود قاعده ماه های وسطی را منظور نموده اند که در این قاعده، ماه های سال به ترتیب ۳۰ روز و ۲۹ روز هستند و ساعات و دقائق و ثوانی و و ثوالث اضافه بر ۳۵۴ روز سال که به هر تقدیر خود رقمی است، در طول سی سال برابر با ۱۱ روز می شود و منجمان آن را به عنوان کیبسه به سال های دوم و پنجم و هفتم و دهم و سیزدهم و پانزدهم و هیجدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و ششم و بیست و نهم و در آخرین ماه سال ( ذی حجه ) می افزایند:

محرم الحرام ۳۰ روز      صفر المظفر ۲۹ روز      ربیع الاول ۳۰ روز

ربیع الثانی ۲۹ روز	جمادی الاول ۳۰ روز	جمادی الثانی ۲۹ روز
رجب المرجب ۳۰ روز	رمضان المبارک ۲۹ روز	شعبان المعظم ۳۰ روز
شوال المکرم ۲۹ روز	ذی القعدة الحرام	ذی الحجة الحرام
	۳۰ روز	۲۹ روز (در سالهای کبیسه ۳۰ روز)

بدین ترتیب ، تاریخ رسمی و متداول کشور ایران تاریخ قمری هجری بود و در کتاب‌های تاریخی ایران هم بعد از اسلام، همیشه وقایع و حوادث با سالهای قمری هجری ضبط شده است جز اینکه از دوره ایلخانان به بعد برای محاسبات مالی و مالیاتی ، سالهای مالی شمسی به اسم دوره دوازده ساله ختیا و قیچاق و ایغور» که بر اساس آن هر سال نامی جداگانه داشته است به کار می‌رفت.

#### نام‌های ترکی سالهای او یغوری:

سپچاق ایل	اود ایل	بارس ایل	توشقان ایل
لوی ایل	ایلان ایل	یونت ایل	قوی ایل
پیچی ایل	تخاقوی ایل	ایت ایل	تنگوز ایل

#### نام‌های فارسی سالهای ایغوری

موش	گاو	پلنگ	خرگوش
نهنگ	مار	اسب	گوسفند
میمون	مرغ	سگ	خوک

این وضع تا سال ۱۳۴۳ قمری هجری معمول بود و در این سال تاریخ را از اول هجرت با سالهای شمسی حساب کردند. در این حساب سال ۱۳۴۳ قمری هجری با ۱۳۰۴ شمسی هجری برابر شد.

در همین تاریخ برای ماه‌ها نیز نامهای فارسی معمول در تاریخ جلالی را اختیار

کردند ولی در تعداد روزهای ماهها تصحیح و تعدیلی به عمل آمد و «سال برابر-  
اساس حساب نجومی در هر سال (نه بر کیسه‌های چهارساله) بنانهادند» که روز  
کیسه بر ماه آخر سال افزوده می‌شود:

فروردین ۳۱ روز	اردیبهشت ۳۱ روز	خرداد ۳۱ روز
تیر ۳۱ روز	امرداد ۳۱ روز	شهریور ۳۱ روز
مهر ۳۰ روز	آبان ۳۰ روز	آذر ۳۰ روز
دی ۳۰ روز	بهمن ۳۰ روز	اسفند ۲۹ روز

(در سالهای کیسه ۳۰ روز)

و این گاه شماری در ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی به تصویب مجلس  
شورای ملی رسید و تقویم رسمی ایران شد. ضمناً استعمال سال شماری ایغوری از  
از این تاریخ متروک گردید ولی تاریخ قمری هجری همچنان برای امور مذهبی  
باقی ماند.

از اوائل سلسله قاجار که روابط ایران با اروپا روبه‌فزونی گذاشت، ایرانیان  
رفته‌رفته با تاریخ ملل مسیحی نیز آشنا شدند و این تاریخ نخست در عهدنامه‌ها و  
قراردادها راه یافت و سپس نویسندگان و محققان هم برای مقایسه سالهای گاه شماری  
ایران با گاه‌شماری مسیحی، آن را به‌کار بردند تا جایی که در این اواخر سه گونه  
تاریخ قمری هجری، شمسی هجری و میلادی در نوشته‌ها و کتابها و مقالات  
به‌کار می‌رفت. بدین صورت که برای دوره‌های باستانی: سالهای میلادی (پیش از  
میلاد - بعد از میلاد) و از آغاز اسلام تا پایان سلسله قاجار یعنی تا ۱۳۴۳ قمری  
هجرت و از این تاریخ به بعد سالهای خورشیدی هجری و همچنین سالهای معادل  
آنها از تقویم‌های قمری هجری برای اختصاص یافته بود

و این وضع پیچیده و گیج‌کننده یک اصلاح اساسی را ایجاب می‌کرد تا اینکه در  
سال ۱۳۵۵ شمسی هجری (برابر با سال ۱۳۹۶ قمری هجری و ۱۹۷۶ میلادی)

برای رفع این مشکل نگارنده پیشنهاد میکند همچنانکه از سال ۶۲۲ میلادی ، تاریخ رسمی ایران هجری است سالهای قبل از ۶۲۲ میلادی را نیز با سال هجری شمسی مطابقت کرده و بعنوان پیش از هجرت رسمیت دهند  
 با آنچه گفته شد، خوب معلوم می شود يك محقق تاریخ ایران در کار خود از نظر گاه شماری و توجیه و تطبیق سالها با یکدیگر با چه دشواری های بزرگی روبروست و وجود این دشواری ها ایجاب می کند يك محقق تاریخ و فرهنگ ایران با روش محاسبه و تطبیق سنوات آشنا باشد.

## الف - تبدیل سالها به یکدیگر

### ۱- تطبیق سالهای قمری هجری با شمسی هجری

سال قمری را بر ۴ تقسیم نمائید تا تعداد روزهای کیسه قمری معلوم شود. بعد همان سال قمری را در ۳۵۴ که تعداد روزهای يك سال قمری است ضرب کنید. آنگاه، تعداد روزهای کیسه را بر تعداد روزهای سال بیفزائید و سپس بر تعداد روزهای سال شمسی (۳۶۵ روز) تقسیم کنید. خارج قسمت، جواب است :

مثال

$$\text{روز} \quad ۱۳۶۱ \times ۳۵۴ = ۴۸۱۷۹۴ \text{ قمری}$$

$$\text{روز کیسه} \quad ۳۴۰ = ۴ : ۱۳۶۱$$

$$\text{شمسی هجری} \quad ۱۳۲۱ = \frac{۴۸۱۷۹۴ + ۳۴۰}{۳۶۵}$$

### ۲- تطبیق سال شمسی به قمری

مثال :

$$\text{روز} \quad ۱۳۲۱ \times ۳۶۵ = ۴۸۲۱۶۵ \text{ شمسی}$$

روز کیسه ۳۳۰ = ۴ : ۱۳۲۱

$$\frac{۴۸۲۱۶۵ - ۳۳۰}{۳۵۴} = ۱۳۶۱ \text{ قمری هجری}$$

۳- تطبیق سال میلادی با قمری هجری

سال مسیحی = ۵۷۷۴ / ۶۲۱ + سال قمری هجری  $\times ۰.۹۷۰۲۲۴$

اگر ارقام اعشاری از ۰/۵ بیشتر شد آن را يك عدد صحیح حساب می کنند.

۴- تبدیل سانهای میلادی به شمسی هجری و بالعکس

سال شمسی هجری = ۶۲۱ - سال میلادی

سال میلادی = ۶۲۱ + سال شمسی

ع

## تبصره

این حالات در صورتی است که ماه و روز مورد نظر در فاصله بین ۲۱ مارس تا اول ژانویه باشد. اگر روز و ماه مورد نظر بین ژانویه و ۲۱ مارس باشد به جای عدد ۶۲۱ باید عدد ۶۲۲ را انتخاب کرد.

۵- تبدیل سالهای هجری به اویغوری

سال شمسی را به رقم ۱۲ تقسیم کنید - باقی مانده تقسیم هر عددی باشد در جدول شماره ۱ پیدا کنید. جواب سال اویغوری است.

مثال: سال ۱۳۵۶ شمسی هجری با چه سال اویغوری تطبیق می کند؟

$$= \text{باقی مانده} \rightarrow \frac{۳۵۶}{۱۲}$$

بنابراین سال ایلان ایل یا مار جواب است.

جدول شماره ۴- سالهای اویغوری

نام سالها به فارسی	نام سالها به ترکی	رقم باقی مانده
اسب	یونت ایل	۱
گوسفند	قوی ایل	۲
میمون	پیچی ایل	۳
مرغ	تخاقوی ایل	۴
سگ	ایت ایل	۵
خوک	تنگوز ایل	۶
موش	سیچقان ایل	۷
گاو	اود ایل	۸
پلنگ	بارس ایل	۹
خرگوش	توشقان ایل	۱۰
نهنگ	لوی ایل	۱۱
مار	ایلان ایل	۱۲-۰

ب- تعیین سالهای کیسه

۱- کیسه قمری- سال قمری را بر رقم ۳۰ تقسیم کنید. باقی مانده اگر یکی از

اعداد زیر باشد آن سال کیسه است:

۲-۵-۷-۱۰-۱۳-۱۵-۱۸-۲۱-۲۴-۲۶-۲۹

مثال :

باقی مانده عدد ۹ است و بنا بر این سال کبیسه نیست  $\frac{۱۳۵۹}{۳۰}$

۲- کبیسه شمسی هجری.

اگر چه تعیین کبیسه سالهای شمسی آینده موکول به حساب شده است ولی برای سالهای گذشته می توان از جدول زیر سالهای کبیسه خیامی را معلوم کرد:

جدول شماره ۵- جدول کبیسه های خیامی

پنج سالی	چهار سالی						
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱	۲۵	۲۹	
۳۴	۳۸	۴۲	۴۶	۵۰	۵۴	۵۸	۶۲
۶۷	۷۱	۷۵	۷۹	۸۳	۸۷	۹۱	۹۵
۱۰۰	۱۰۴	۱۰۸	۱۱۲	۱۱۶	۱۲۰	۱۲۴	صفر

دستور پیدا کردن سال کبیسه :

سال مورد نظر را بر رقم ۲۳۴۶ بیفزائید.

حاصل را بر ۲۸۲۰ تقسیم کنید.

باقی مانده تقسیم را بر ۱۲۸ تقسیم نمائید.

اگر باقی مانده دوم عددی باشد که در جدول نوشته شده آن سال کبیسه و

۳۶۶ روزی است و اگر عدد باقی مانده در جدول نباشد سال ۳۶۵ روزی معمولی است.

مثال : سال ۱۳۳۱ شمسی هجری آیا کبیسه است ؟

$$۱۳۳۱ + ۲۳۴۶ = ۳۶۷۷$$



$$\frac{3677}{2820} \rightarrow 857 \text{ باقی مانده اول}$$

$$\frac{857}{128} \rightarrow 89 \text{ باقی مانده دوم}$$

با مراجعه به جدول شماره ۵ چون رقم ۸۹ در جدول نیست سال مزبور ۳۶۵ روزی است.<sup>۱</sup>

## ۲- کیسه میلادی

برای تعیین سال‌های کیسه میلادی، سال میلادی اگر قابل تقسیم بر عدد ۴ باشد آن سال کیسه است ولی سالهائی که دورقم آخر آنها صفر است اگر پس از حذف دو صفر ارقام باقی مانده بر ۴ قابل قسمت باشد کیسه‌اند و در غیر این صورت کیسه نیستند

مثال :

سالهای ۴۰۰ و ۸۰۰ و ۱۲۰۰ و ۱۶۰۰ و ۲۰۰۰ کیسه‌اند  
سالهای ۱۰۰ و ۲۰۰ و ۳۰۰ و ۵۰۰ و ۷۰۰ و ۹۰۰ و ۰۰۰۰ کیسه نیستند

## ج- تطبیق روزهای سالهای مختلف بایکدیگر

برای تطبیق روزی از سال يك تقویم با روزی از سال تقویم دیگر جداول مختلفی لازم است که با مراجعه به آن جداول به سهولت و سرعت بتوان جواب را به دست آورد. اروپائیان جداولی در این زمینه تهیه کرده‌اند و انواع متعددی از آن نیز به چاپ رسیده است که فقط برای تطبیق ماهها و روزهای میلادی با ماهها و روزهای هجری قمری به کار می‌رود. در ایران نیز جداولی به همین منظور تدوین و

تنظیم شده است که به جز یکی از آنها<sup>۲</sup> بقیه نیز برای مطابقت سالها و ماهها و روزهای هجری قمری و میلادی مورد استفاده تو اند بود و ما برای آنهایی که دسترسی به این گونه جداول ندارند دو جدول که طرز استفاده از آنها بسیار ساده است در این جا می آوریم (جداول ۷ و ۶).

### مثال ۱

روز ۱۸ مه سال ۱۹۷۷ با چه روزی از سال هجری شمسی برابر است؟

جواب :

باز جوع به دستور شماره ۴ سال شمسی معادل سال ۱۹۷۷ را به دست می آوریم:

$$۱۳۵۶ = ۶۲۱ - ۱۹۷۷$$

سپس با مراجعه به جدول ۶ (ستون ۱ سمت راست) می بینیم روز ۱۸ مه با ۲۸ اردیبهشت و ثور ( محل تلاقی رقم ۱۸ در ستون یکم با ستون ششم یعنی ستون ماه مه) مطابق است و این وضع در صورتی است که سال میلادی و هجری هر دو با کیسه باشند و یا کیسه نباشند و چون سال ۱۹۷۷ و سال ۱۳۵۶ شمسی هجری هیچ کدام کیسه نیستند پس رقم آمده از جدول جواب مطلوب می باشد.

### مثال ۲

روز ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۶۴ با چه روزی از سال هجری برابر است؟

جواب :

این سال، با سال ۱۳۴۳ هجری خورشیدی برابر است و در این مثال سال میلادی کیسه است و سال پیش از سال هجری یعنی سال ۱۳۴۲ کیسه نیست. طبق جدول ۲۵ سپتامبر با ۳ مهر و یا ۲ میزان تطبیق می کند ولی چون سال میلادی

---

۲- این مجموعه که سه نوع گاه شماری قمری هجری و شمسی هجری و میلادی را از محرم ۱۲۶۸ قمری برابر با ۱۲۳۰ شمسی و ۱۸۵۱ میلادی تا پایان سال ۱۳۷۵ قمری برابر با ۱۳۳۴ شمسی و ۱۹۵۵ میلادی یعنی یکصد و پنج سال را ماه به ماه بایکدیگر تطبیق نموده است تحت عنوان «تقویم یکصد و پنج ساله تطبیقی» تألیف احمد نجم آبادی و از انتشارات شرکت سهامی تحریر ایران می باشد.

# جدول تطبیق روزهای سالهای خورشیدی با سال میلادی

روز	ژانویه		فوریه		مارس		آوریل		مه		ژوئن		ژوئیه		اوت		سپتامبر		اکتبر		نوامبر		دسامبر		
	دی	جدی	بهمن	دلو	اسفند	خرداد	تیر	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	دلو	اسفند	خرداد	تیر	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	دلو	اسفند	خرداد	تیر
۱	۱۱	۱۱	۱۲	۱۲	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۹	۸	۹	۹	۱۰	۱۰	۹	۹
۲	۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۰	۱۱	۱۰	۱۰	۹	۸	۹	۹	۱۰	۱۰	۹	۹
۳	۱۳	۱۳	۱۴	۱۴	۱۲	۱۳	۱۳	۱۴	۱۴	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۱	۱۲	۱۱	۱۱	۱۰	۹	۱۰	۱۰	۱۱	۱۱	۱۰	۱۰
۴	۱۴	۱۴	۱۵	۱۵	۱۳	۱۴	۱۴	۱۵	۱۵	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۲	۱۳	۱۲	۱۲	۱۱	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۱۱
۵	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	۱۴	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۱۳	۱۳	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۱۳	۱۳	۱۲	۱۲
۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۴	۱۵	۱۴	۱۴	۱۳	۱۲	۱۳	۱۳	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳
۷	۱۷	۱۷	۱۸	۱۸	۱۶	۱۷	۱۷	۱۸	۱۸	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴	۱۵	۱۵	۱۴	۱۴
۸	۱۸	۱۸	۱۹	۱۹	۱۷	۱۸	۱۸	۱۹	۱۹	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	۱۵	۱۴	۱۵	۱۵	۱۶	۱۶	۱۵	۱۵
۹	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۱۸	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۷	۱۸	۱۷	۱۷	۱۶	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶
۱۰	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۱۹	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۸	۱۹	۱۸	۱۸	۱۷	۱۶	۱۷	۱۷	۱۸	۱۸	۱۷	۱۷
۱۱	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۰	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۱۹	۲۰	۱۹	۱۹	۱۸	۱۷	۱۸	۱۸	۱۹	۱۹	۱۸	۱۸
۱۲	۲۲	۲۲	۲۳	۲۳	۲۱	۲۲	۲۲	۲۳	۲۳	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۰	۲۱	۲۰	۲۰	۱۹	۱۸	۱۹	۱۹	۲۰	۲۰	۱۹	۱۹
۱۳	۲۳	۲۳	۲۴	۲۴	۲۲	۲۳	۲۳	۲۴	۲۴	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۲۲	۲۱	۲۱	۲۰	۱۹	۲۰	۲۰	۲۱	۲۱	۲۰	۲۰
۱۴	۲۴	۲۴	۲۵	۲۵	۲۳	۲۴	۲۴	۲۵	۲۵	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۲	۲۳	۲۲	۲۲	۲۱	۲۰	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۱	۲۱
۱۵	۲۵	۲۵	۲۶	۲۶	۲۴	۲۵	۲۵	۲۶	۲۶	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۳	۲۴	۲۳	۲۳	۲۲	۲۱	۲۲	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۲۲
۱۶	۲۶	۲۶	۲۷	۲۷	۲۵	۲۶	۲۶	۲۷	۲۷	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۴	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۴	۲۴	۲۳	۲۳
۱۷	۲۷	۲۷	۲۸	۲۸	۲۶	۲۷	۲۷	۲۸	۲۸	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۵	۲۶	۲۵	۲۵	۲۴	۲۳	۲۴	۲۴	۲۵	۲۵	۲۴	۲۴
۱۸	۲۸	۲۸	۲۹	۲۹	۲۷	۲۸	۲۸	۲۹	۲۹	۲۷	۲۷	۲۷	۲۷	۲۶	۲۷	۲۶	۲۶	۲۵	۲۴	۲۵	۲۵	۲۶	۲۶	۲۵	۲۵
۱۹	۲۹	۲۹	۳۰	۳۰	۲۸	۲۹	۲۹	۳۰	۳۰	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۷	۲۸	۲۷	۲۷	۲۶	۲۵	۲۶	۲۶	۲۷	۲۷	۲۶	۲۶
۲۰	۳۰	۳۰	۳۱	۳۱	۲۹	۳۰	۳۰	۳۱	۳۱	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۸	۲۹	۲۸	۲۸	۲۷	۲۶	۲۷	۲۷	۲۸	۲۸	۲۷	۲۷
۲۱	۳۱	۳۱			۳۰	۳۱	۳۱			۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۲۹	۳۰	۲۹	۲۹	۲۸	۲۷	۲۸	۲۸	۲۹	۲۹	۲۸	۲۸
۲۲					۳۱	۳۱	۳۱			۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۱	۳۰	۳۰	۲۹	۲۸	۲۹	۲۹	۳۰	۳۰	۲۹	۲۹
۲۳																									
۲۴																									
۲۵																									
۲۶																									
۲۷																									
۲۸																									
۲۹																									
۳۰																									
۳۱																									

کیسه است به ارقام ۳ مهر و یا ۲ میزان یک روز اضافه می کنیم و جواب می شود ۴ مهر یا سوم میزان.

### مثال ۳

اگر مطلوب تطبیق روز نهم ژوئیه ۱۹۲۲ با روز و ماه سال هجری شمسی باشد:

جواب :

$$\text{سال هجری شمسی } ۱۳۰۱ = ۶۲۱ - ۱۹۲۲$$

با مراجعه به جدول شماره ۵ خیامی سال ۱۳۰۰ که سال قبل از سال

جواب می باشد، سال کیسه است.

بنابراین از ارقام ۱۸ تیر و یا ۱۷ سرطان که از جدول شماره ۶ بدست می آید

یک روز باید کسر کرد و بدین گونه روز نهم ژوئیه ۱۹۲۲ برابر با ۱۷ تیر ماه و یا

۱۶ سرطان سال ۱۳۰۱ بوده است.

۲- تطبیق روزهای سالهای میلادی و هجری قمری با یکدیگر و بالعکس

برای تطبیق روزها و ماههای سالهای، هجری قمری و میلادی با یکدیگر از جداول

شماره ۷ و شماره ۸ و شماره ۹ باید استفاده کرد.

در جدول شماره هفتم روز اول محرم ۱۴۲۱ سال هجری قمری با سالهای

میلادی تطبیق شده است چنانکه روز اول محرم سال اول هجری با ۱۶ ژوئیه ۶۲۲

میلادی و روز اول محرم سال ۱۴۲۱ هجری با ۶ آوریل سال ۲۰۰۰ میلادی

مطابق است.

در جدول شماره ۸ روزهای توالی ماههای میلادی و در جدول شماره ۹

روزهای توالی ماههای قمری معین شده است. منظور از روزهای توالی این است

که فلان روز از فلان ماه چندمین روز سال است.

مثال : ۱۹ آوریل اگر سال میلادی کیسه باشد هفتاد و نهمین روز سال و اگر

کیسه نباشد هفتاد و هشتمین روز سال میلادی است و همچنین ۲۲ ربیع الاول

هشتادویکمین روز سال هجری قمری است.

اینک طریقه محاسبه :

یکم - تطبیق روزهای تقویم هجری با روزهای میلادی :

رقم توالی روز میلادی که برابر با اول محرم همان سال است + رقم توالی روز هجری که تطبیق آن مورد نظر است.

سپس آن حاصل جمع منهای ۱ = رقم توالی روز مطلوب با مراجعه به جدول معلوم می شود که چه روزی از چه ماهی است.

مثال :

پنجم ربیع الاول سال ۹۱۰ هجری با چه روزی از تقویم میلادی برابر بوده است.

اول محرم ۹۱۰ = ۱۴ ژوئن ۱۵۰۴ (جدول ۷).

ردیف توالی روز ۱۴ ژوئن = ۱۶۵ (جدول ۸).

رقم توالی روز ۵ ربیع الاولی = ۶۴ (جدول ۹).

$$۲۲۸ = ۱۶۵ + ۶۴ - ۱$$

روز ۲۲۸ از سال میلادی = ۱۶ اوت (جدول ۸).

حالت خاص:

اگر حاصل بزرگتر از رقم ۳۶۶ باشد، رقم ۳۶۶ را از آن باید کسر کرد و

تفاضل رقم توالی روز مطلوب است.

دوم - تطبیق روزهای تقویم میلادی با روزهای هجری :

رقم توالی روز میلادی که برابر با اول محرم همان سال است منهای رقم توالی

روز میلادی که تطبیق آن مورد نظر می باشد. سپس تفاضل + ۱ = رقم توالی روز

هجری که با مراجعه به جدول مربوط معلوم می شود چه روزی از چه ماهی است.

مثال :

روز ۱۶ اوت ۱۵۰۴ با چهاروزی از سال هجری مطابق بوده است.

سال ۱۵۰۴ = سال ۹۱۰ هجری (جدول ۷)

اول محرم ۹۱۰ = ۱۴ ژوئن ۱۵۰۴ (جدول ۷)

رقم توالی ۱۴ ژوئن = ۱۶۵ (جدول ۸)

رقم توالی ۱۶ اوت = ۲۲۸ (جدول ۸)

رقم توالی روز مطلوب ۶۴ =  $۲۲۸ - ۱۶۵ + ۱$

بامراجعه به جدول ۹ می بینیم روز ۶۴ از سال هجری، پنجم ربیع الاول می باشد.

*TABLEAU COMPARATIF DES ANNÉES*

*DE L'HÉGIRE*

*ET DES ANNÉES DE L'ÈRE CHRÉTIENNE*

<i>Années de l'Hégire</i>	<i>Années chrétiennes</i>			<i>Années de l'Hégire</i>	<i>Années chrétiennes</i>			<i>Années de l'Hégire</i>	<i>Années chrétiennes</i>		
1	622	16	Juil.	25	645	28	Oct.	49	669	9	Fév.
2	623	5	Juil.	26	646	17	Oct.	50	670	29	Jan.
3	624	24	Juin	27	647	7	Oct.	51	671	18	Jan.
4	625	13	Juin	28	648	25	Sept.	52	672	8	Jan.
5	626	2	Juin	29	649	14	Sept.	53	672	27	Déc.
6	627	23	Mai	30	650	4	Sept.	54	673	16	Déc.
7	628	11	Mai	31	651	24	Août	55	674	6	Déc.
8	629	1	Mai	32	652	12	Août	56	675	25	Nov.
9	630	20	Avril	33	653	2	Août	57	676	14	Nov.
10	631	9	Avril	34	654	22	Juil.	58	677	3	Nov.
11	632	29	Mars	35	655	11	Juil.	59	678	23	Oct.
12	633	18	Mars	36	656	30	Juin	60	679	13	Oct.
13	634	7	Mars	37	657	19	Juin	61	680	1	Oct.
14	635	25	Fév.	38	658	9	Juin	62	681	20	Sept.
15	636	14	Fév.	39	659	29	Mai	63	682	10	Sept.
16	637	2	Fév.	40	660	17	Mai	64	683	30	Août
17	638	23	Jan.	41	661	7	Mai	65	684	18	Août
18	639	12	Jan.	42	662	26	Avril	66	685	8	Août
19	640	2	Jan.	43	663	15	Avril	67	686	28	Juil.
20	640	21	Déc.	44	664	4	Avril	68	687	18	Juil.
21	641	10	Déc.	45	665	24	Mars	69	688	6	Juil.
22	642	30	Nov.	46	666	13	Mars	70	689	25	Juin
23	643	19	Nov.	47	667	3	Mars	71	690	15	Juin
24	644	7	Nov.	48	668	20	Fév.	72	691	4	Juin



Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
73	692 23 Mai	106	724 29 Mai	139	756 5 Juin
74	693 13 Mai	107	725 19 Mai	140	757 25 Mai
75	694 2 Mai	108	726 8 Mai	141	758 14 Mai
76	695 21 Avril	109	727 28 Avril	142	759 4 Mai
77	696 10 Avril	110	728 16 Avril	143	760 22 Avril
78	697 30 Mars	111	729 5 Avril	144	761 11 Avril
79	698 20 Mars	112	730 26 Mars	145	762 1 Avril
80	699 9 Mars	113	731 15 Mars	146	763 21 Mars
81	700 26 Fév.	114	732 3 Mars	147	764 10 Mars
82	701 15 Fév.	115	733 21 Fév.	148	765 27 Fév.
83	702 4 Fév.	116	734 10 Fév.	149	766 16 Fév.
84	703 24 Jan.	117	735 31 Jan.	150	767 6 Fév.
85	704 14 Jan.	118	736 20 Jan.	151	768 26 Jan.
86	705 2 Jan.	119	737 8 Jan.	152	769 14 Jan.
87	705 23 Déc.	120	737 29 Déc.	153	770 4 Jan.
88	706 12 Déc.	121	738 18 Déc.	154	770 24 Déc.
89	707 1 Déc.	122	739 7 Déc.	155	771 13 Déc.
90	708 20 Nov.	123	740 26 Nov.	156	772 2 Déc.
91	709 9 Nov.	124	741 15 Nov.	157	773 21 Nov.
92	710 29 Oct.	125	742 4 Nov.	158	774 11 Nov.
93	711 19 Oct.	126	743 25 Oct.	159	775 31 Oct.
94	712 7 Oct.	127	744 13 Oct.	160	776 19 Oct.
95	713 26 Sept.	128	745 3 Oct.	161	777 9 Oct.
96	714 16 Sept.	129	746 22 Sept.	162	778 28 Sept.
97	715 5 Sept.	130	747 11 Sept.	163	779 17 Sept.
98	716 25 Août	131	748 31 Août	164	780 6 Sept.
99	717 14 Août	132	749 20 Août	165	781 26 Août
100	718 3 Août	133	750 9 Août	166	782 15 Août
101	719 24 Juil.	134	751 30 Juil.	167	783 5 Août
102	720 12 Juil.	135	752 18 Juil.	168	784 24 Juil.
103	721 1 Juil.	136	753 7 Juil.	169	785 14 Juil.
104	722 21 Juin	137	754 27 Juin	170	786 3 Juil.
105	723 10 Juin	138	755 16 Juin	171	787 22 Juin

Années de l'Hégire	Années chrétiennes			Années de l'Hégire	Années chrétiennes			Années de l'Hégire	Années chrétiennes		
172	788	11	Juin	205	820	17	Juin	238	852	23	Juin
173	789	31	Mai	206	821	6	Juin	239	853	12	Juin
174	790	20	Mai	207	822	27	Mai	240	854	2	Juin
175	791	10	Mai	208	823	16	Mai	241	855	22	Mai
176	792	28	Avril	209	824	4	Mai	242	856	10	Mai
177	793	18	Avril	210	825	24	Avril	243	857	30	Avril
178	794	7	Avril	211	826	13	Avril	244	858	19	Avril
179	795	27	Mars	212	827	2	Avril	245	859	8	Avril
180	796	16	Mars	213	828	22	Mars	246	860	28	Mars
181	797	5	Mars	214	829	11	Mars	247	861	17	Mars
182	798	22	Fév.	215	830	28	Fév.	248	862	7	Mars
183	799	12	Fév.	216	831	18	Fév.	249	863	24	Fév.
184	800	1	Fév.	217	832	7	Fév.	250	864	13	Fév.
185	801	20	Jan.	218	833	27	Jan.	251	865	2	Fév.
186	802	10	Jan.	219	834	16	Jan.	252	866	22	Jan.
187	802	30	Déc.	220	835	5	Jan.	253	867	11	Jan.
188	803	20	Déc.	221	835	26	Déc.	254	868	1	Jan.
189	804	8	Déc.	222	836	14	Déc.	255	868	20	Déc.
190	805	27	Nov.	223	837	3	Déc.	256	869	9	Déc.
191	806	17	Nov.	224	838	23	Nov.	257	870	29	Nov.
192	807	6	Nov.	225	839	12	Nov.	258	871	18	Nov.
193	808	25	Oct.	226	840	31	Oct.	259	872	7	Nov.
194	809	15	Oct.	227	841	21	Oct.	260	873	27	Oct.
195	810	4	Oct.	228	842	10	Oct.	261	874	16	Oct.
196	811	23	Sept.	229	843	30	Sept.	262	875	6	Oct.
197	812	12	Sept.	230	844	18	Sept.	263	876	24	Sept.
198	813	1	Sept.	231	845	7	Sept.	264	877	13	Sept.
199	814	22	Août	232	846	28	Août	265	878	3	Sept.
200	815	11	Août	233	847	17	Août	266	879	23	Août
201	816	30	Juil.	234	848	5	Août	267	880	12	Août
202	817	20	Juil.	235	849	26	Juil.	268	881	1	Août
203	818	9	Juil.	236	850	15	Juil.	269	882	21	Juil.
204	819	28	Juin	237	851	5	Juil.	270	883	11	Juil.

## IV

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
271	884 29 Juin	304	916 5 Juil.	337	948 11 Juil.
272	885 18 Juin	305	917 24 Juin	338	949 1 Juil.
273	886 8 Juin	306	918 14 Juin	339	950 20 Juin
274	887 28 Mai	307	919 3 Juin	340	951 9 Juin
275	888 16 Mai	308	920 23 Mai	341	952 29 Mai
276	889 6 Mai	309	921 12 Mai	342	953 18 Mai
277	890 25 Avril	310	922 1 Mai	343	954 7 Mai
278	891 15 Avril	311	923 21 Avril	344	955 27 Avril
279	892 3 Avril	312	924 9 Avril	345	956 15 Avril
280	893 23 Mars	313	925 29 Mars	346	957 4 Avril
281	894 13 Mars	314	926 19 Mars	347	958 25 Mars
282	895 2 Mars	315	927 8 Mars	348	959 14 Mars
283	896 19 Fév.	316	928 25 Fév.	349	960 3 Mars
284	897 8 Fév.	317	929 14 Fév.	350	961 20 Fév.
285	898 28 Jan.	318	930 3 Fév.	351	962 9 Fév.
286	899 17 Jan.	319	931 24 Jan.	352	963 30 Jan.
287	900 7 Jan.	320	932 13 Jan.	353	964 19 Jan.
288	900 26 Déc.	321	933 1 Jan.	354	965 7 Jan.
289	901 15 Déc.	322	933 22 Déc.	355	965 28 Déc.
290	902 5 Déc.	323	934 11 Déc.	356	966 17 Déc.
291	903 24 Nov.	324	935 30 Nov.	357	967 7 Déc.
292	904 13 Nov.	325	936 19 Nov.	358	968 25 Nov.
293	905 2 Nov.	326	937 8 Nov.	359	969 14 Nov.
294	906 22 Oct.	327	938 29 Oct.	360	970 4 Nov.
295	907 12 Oct.	328	939 18 Oct.	361	971 24 Oct.
296	908 30 Sept.	329	940 6 Oct.	362	972 12 Oct.
297	909 20 Sept.	330	941 26 Sept.	363	973 2 Oct.
298	910 9 Sept.	331	942 15 Sept.	364	974 21 Sept.
299	911 29 Août	332	943 4 Sept.	365	975 10 Sept.
300	912 18 Août	333	944 24 Août	366	976 30 Août
301	913 7 Août	334	945 13 Août	367	977 19 Août
302	914 27 Juil.	335	946 2 Août	368	978 9 Août
303	915 17 Juil.	336	947 23 Juil.	369	979 29 Juil.

V

Années de l'Hégre	Années chrétiennes	Années de l'Hégre	Années chrétiennes	Années de l'Hégre	Années chrétiennes
370	980 17 Juil.	406	1015 21 Juin	442	1050 26 Mai
371	981 7 Juil.	407	1016 10 Juin	443	1051 15 Mai
372	982 26 Juin	408	1017 30 Mai	444	1052 3 Mai
373	983 15 Juin	409	1018 20 Mai	445	1053 23 Avril
374	984 4 Juin	410	1019 9 Mai	446	1054 12 Avril
375	985 24 Mai	411	1020 27 Avril	447	1055 2 Avril
376	986 13 Mai	412	1021 17 Avril	448	1056 21 Mars
377	987 3 Mai	413	1022 6 Avril	449	1057 10 Mars
378	988 21 Avril	414	1023 26 Mars	450	1058 28 Fév.
379	989 11 Avril	415	1024 15 Mars	451	1059 17 Fév.
380	990 31 Mars	416	1025 4 Mars	452	1060 6 Fév.
381	991 20 Mars	417	1026 22 Fév.	453	1061 26 Jan.
382	992 9 Mars	418	1027 11 Fév.	454	1062 15 Jan.
383	993 26 Fév.	419	1028 31 Jan.	455	1063 4 Jan.
384	994 15 Fév.	420	1029 20 Jan.	456	1063 25 Déc.
385	995 5 Fév.	421	1030 9 Jan.	457	1064 13 Déc.
386	996 25 Jan.	422	1031 29 Déc.	458	1065 3 Déc.
387	997 14 Jan.	423	1031 19 Déc.	459	1066 22 Nov.
388	998 3 Jan.	424	1032 7 Déc.	460	1067 11 Nov.
389	998 23 Déc.	425	1033 26 Nov.	461	1068 31 Oct.
390	999 13 Déc.	426	1034 16 Nov.	462	1069 20 Oct.
391	1000 1 Déc.	427	1035 5 Nov.	463	1070 9 Oct.
392	1001 20 Nov.	428	1036 25 Oct.	464	1071 29 Sept.
393	1002 10 Nov.	429	1037 14 Oct.	465	1072 17 Sept.
394	1003 30 Oct.	430	1038 3 Oct.	466	1073 6 Sept.
395	1004 18 Oct.	431	1039 23 Sept.	467	1074 27 Août
396	1005 8 Oct.	432	1040 11 Sept.	468	1075 16 Août
397	1006 27 Sept.	433	1041 31 Août	469	1076 5 Août
398	1007 17 Sept.	434	1042 21 Août	470	1077 25 Juil.
399	1008 5 Sept.	435	1043 10 Août	471	1078 14 Juil.
400	1009 25 Août	436	1044 29 Juil.	472	1079 4 Juil.
401	1010 15 Août	437	1045 19 Juil.	473	1080 22 Juin
402	1011 4 Août	438	1046 8 Juil.	474	1081 11 Juin
403	1012 23 Juil.	439	1047 28 Juin	475	1082 1 Juin
404	1013 13 Juil.	440	1048 16 Juin	476	1083 21 Mai
405	1014 2 Juil.	441	1049 5 Juin	477	1034 10 Mai

## VI

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
478	1085 29 Avril	514	1120 2 Avril	550	1155 7 Mars
479	1086 18 Avril	515	1121 22 Mars	551	1156 25 Fév.
480	1087 8 Avril	516	1122 12 Mars	552	1157 13 Fév.
481	1088 27 Mars	517	1123 1 Mars	553	1158 2 Fév.
482	1089 16 Mars	518	1124 19 Fév.	554	1159 23 Jan.
483	1090 6 Mars	519	1125 7 Fév.	555	1160 12 Jan.
484	1091 23 Fév.	520	1126 27 Jan.	556	1160 31 Déc.
485	1092 12 Fév.	521	1127 17 Jan.	557	1161 21 Déc.
486	1093 1 Fév.	522	1128 6 Jan.	558	1162 10 Déc.
487	1094 21 Jan.	523	1128 25 Déc.	559	1163 30 Nov.
488	1095 11 Jan.	524	1129 15 Déc.	560	1164 18 Nov.
489	1095 31 Déc.	525	1130 4 Déc.	561	1165 7 Nov.
490	1096 19 Déc.	526	1131 23 Nov.	562	1166 28 Oct.
491	1097 9 Déc.	527	1132 12 Nov.	563	1167 17 Oct.
492	1098 28 Nov.	528	1133 1 Nov.	564	1168 5 Oct.
493	1099 17 Nov.	529	1134 22 Oct.	565	1169 25 Sept.
494	1100 6 Nov.	530	1135 11 Oct.	566	1170 14 Sept.
495	1101 26 Oct.	531	1136 29 Sept.	567	1171 4 Sept.
496	1102 15 Oct.	532	1137 19 Sept.	568	1172 23 Août
497	1103 5 Oct.	533	1138 8 Sept.	569	1173 12 Août
498	1104 23 Sept.	534	1139 28 Août	570	1174 2 Août
499	1105 13 Sept.	535	1140 17 Août	571	1175 22 Juil.
500	1106 2 Sept.	536	1141 6 Août	572	1176 10 Juil.
501	1107 22 Août	537	1142 27 Juil.	573	1177 30 Juin
502	1108 11 Août	538	1143 16 Juil.	574	1178 19 Juin
503	1109 31 Juil.	539	1144 4 Juil.	575	1179 8 Juin
504	1110 20 Juil.	540	1145 24 Juin	576	1180 28 Mai
505	1111 10 Juil.	541	1146 13 Juin	577	1181 17 Mai
506	1112 28 Juin	542	1147 2 Juin	578	1182 7 Mai
507	1113 18 Juin	543	1148 22 Mai	579	1183 26 Avril
508	1114 7 Juin	544	1149 11 Mai	580	1184 14 Avril
509	1115 27 Mai	545	1150 30 Avril	581	1185 4 Avril
510	1116 16 Mai	546	1151 20 Avril	582	1186 24 Mars
511	1117 5 Mai	547	1152 8 Avril	583	1187 13 Mars
512	1118 24 Avril	548	1153 29 Mars	584	1188 2 Mars
513	1119 14 Avril	549	1154 18 Mars	585	1189 19 Fév.



## VII

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
586	1190 8 Fév.	622	1225 13 Jan.	658	1259 18 Déc.
587	1191 29 Jan.	623	1226 2 Jan.	659	1260 6 Déc.
588	1192 18 Jan.	624	1226 22 Déc.	660	1261 26 Nov.
589	1193 7 Jan.	625	1227 12 Déc.	661	1262 15 Nov.
590	1193 27 Déc.	626	1228 30 Nov.	662	1263 4 Nov.
591	1194 16 Déc.	627	1229 20 Nov.	663	1264 24 Oct.
592	1195 6 Déc.	628	1230 9 Nov.	664	1265 13 Oct.
593	1196 24 Nov.	629	1231 29 Oct.	665	1266 2 Oct.
594	1197 13 Nov.	630	1232 18 Oct.	666	1267 22 Sept.
595	1198 3 Nov.	631	1233 7 Oct.	667	1268 10 Sept.
596	1199 23 Oct.	632	1234 26 Sept.	668	1269 31 Août
597	1200 12 Oct.	633	1235 16 Sept.	669	1270 20 Août
598	1201 1 Oct.	634	1236 4 Sept.	670	1271 9 Août
599	1202 20 Sept.	635	1237 24 Août	671	1272 29 Juil.
600	1203 10 Sept.	636	1238 14 Août	672	1273 18 Juil.
601	1204 29 Août	637	1239 3 Août	673	1274 7 Juil.
602	1205 18 Août	638	1240 23 Juil.	674	1275 27 Juin
603	1206 8 Août	639	1241 12 Juil.	675	1276 15 Juin
604	1207 28 Juil.	640	1242 1 Juil.	676	1277 4 Juin
605	1208 16 Juil.	641	1243 21 Juin	677	1278 25 Mai
606	1209 6 Juil.	642	1244 9 Juin	678	1279 14 Mai
607	1210 25 Juin	643	1245 29 Mai	679	1280 3 Mai
608	1211 15 Juin	644	1246 19 Mai	680	1281 22 Avril
609	1212 3 Juin	645	1247 8 Mai	681	1282 11 Avril
610	1213 23 Mai	646	1248 26 Avril	682	1283 1 Avril
611	1214 13 Mai	647	1249 16 Avril	683	1284 20 Mars
612	1215 2 Mai	648	1250 5 Avril	684	1285 9 Mars
613	1216 20 Avril	649	1251 26 Mars	685	1286 27 Fév.
614	1217 10 Avril	650	1252 14 Mars	686	1287 16 Fév.
615	1218 30 Mars	651	1253 3 Mars	687	1288 6 Fév.
616	1219 19 Mars	652	1254 21 Fév.	688	1289 25 Jan.
617	1220 8 Mars	653	1255 10 Fév.	689	1290 14 Jan.
618	1221 25 Fév.	654	1256 30 Jan.	690	1291 4 Jan.
619	1222 15 Fév.	655	1257 19 Jan.	691	1291 24 Déc.
620	1223 4 Fév.	656	1258 8 Jan.	692	1292 12 Déc.
621	1224 24 Jan.	657	1258 29 Déc.	693	1293 2 Déc.

## VIII

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
694	1294 21 Nov.	730	1329 25 Oct.	766	1364 28 Sept.
695	1295 10 Nov.	731	1330 15 Oct.	767	1365 18 Sept.
696	1296 30 Oct.	732	1331 4 Oct.	768	1366 7 Sept.
697	1297 19 Oct.	733	1332 22 Sept.	769	1367 28 Août
698	1298 9 Oct.	734	1333 12 Sept.	770	1368 16 Août
699	1299 28 Sept.	735	1334 1 Sept.	771	1369 5 Août
700	1300 16 Sept.	736	1335 21 Août	772	1370 26 Juil.
701	1301 6 Sept.	737	1336 10 Août	773	1371 15 Juil.
702	1302 26 Août	738	1337 30 Juil.	774	1372 3 Juil.
703	1303 15 Août	739	1338 20 Juil.	775	1373 23 Juin
704	1304 4 Août	740	1339 9 Juil.	776	1374 12 Juin
705	1305 24 Juil.	741	1340 27 Juin	777	1375 2 Juin
706	1306 13 Juil.	742	1341 17 Juin	778	1376 21 Mai
707	1307 3 Juil.	743	1342 6 Juin	779	1377 10 Mai
708	1308 21 Juin	744	1343 26 Mai	780	1378 30 Avril
709	1309 11 Juin	745	1344 15 Mai	781	1379 19 Avril
710	1310 31 Mai	746	1345 4 Mai	782	1380 7 Avril
711	1311 20 Mai	747	1346 24 Avril	783	1381 28 Mars
712	1312 9 Mai	748	1347 13 Avril	784	1382 17 Mars
713	1313 28 Avril	749	1348 1 Avril	785	1383 6 Mars
714	1314 17 Avril	750	1349 22 Mars	786	1384 24 Fév.
715	1315 7 Avril	751	1350 11 Mars	787	1385 12 Fév.
716	1316 26 Mars	752	1351 28 Fév.	788	1386 2 Fév.
717	1317 16 Mars	753	1352 18 Fév.	789	1387 22 Jan.
718	1318 5 Mars	754	1353 6 Fév.	790	1388 11 Jan.
719	1319 22 Fév.	755	1354 26 Jan.	791	1388 31 Déc.
720	1320 12 Fév.	756	1355 16 Jan.	792	1389 20 Déc.
721	1321 31 Jan.	757	1356 5 Jan.	793	1390 9 Déc.
722	1322 20 Jan.	758	1356 25 Déc.	794	1391 29 Nov.
723	1323 10 Jan.	759	1357 14 Déc.	795	1392 17 Nov.
724	1323 30 Déc.	760	1358 3 Déc.	796	1393 6 Nov.
725	1324 18 Déc.	761	1359 23 Nov.	797	1394 27 Oct.
726	1325 8 Déc.	762	1360 11 Nov.	798	1395 16 Oct.
727	1326 27 Nov.	763	1361 31 Oct.	799	1396 5 Oct.
728	1327 17 Nov.	764	1362 21 Oct.	800	1397 24 Sept.
729	1328 5 Nov.	765	1363 10 Oct.	801	1398 13 Sept.



Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
802	1399 3 Sept.	838	1434 7 Août	874	1469 11 Juil.
803	1400 22 Août	839	1435 27 Juil.	875	1470 30 Juin
804	1401 11 Août	840	1436 16 Juil.	876	1471 20 Juin
805	1402 1 Août	841	1437 5 Juil.	877	1472 8 Juin
806	1403 21 Juil.	842	1438 24 Juin	878	1473 29 Mai
807	1404 10 Juil.	843	1439 14 Juin	879	1474 18 Mai
808	1405 29 Juin	844	1440 2 Juin	880	1475 7 Mai
809	1406 18 Juin	845	1441 22 Mai	881	1476 26 Avril
810	1407 8 Juin	846	1442 12 Mai	882	1477 15 Avril
811	1408 27 Mai	847	1443 1 Mai	883	1478 4 Avril
812	1409 16 Mai	848	1444 20 Avril	884	1479 25 Mars
813	1410 6 Mai	849	1445 9 Avril	885	1480 13 Mars
814	1411 25 Avril	850	1446 29 Mars	886	1481 2 Mars
815	1412 13 Avril	851	1447 19 Mars	887	1482 20 Fév.
816	1413 3 Avril	852	1448 7 Mars	888	1483 9 Fév.
817	1414 23 Mars	853	1449 24 Fév.	889	1484 30 Jan.
818	1415 13 Mars	854	1450 14 Fév.	890	1485 18 Jan.
819	1416 1 Mars	855	1451 3 Fév.	891	1486 7 Jan.
820	1417 18 Fév.	856	1452 23 Jan.	892	1486 28 Déc.
821	1418 8 Fév.	857	1453 12 Jan.	893	1487 17 Déc.
822	1419 28 Jan.	858	1454 1 Jan.	894	1488 5 Déc.
823	1420 17 Jan.	859	1454 22 Déc.	895	1489 25 Nov.
824	1421 6 Jan.	860	1455 11 Déc.	896	1490 14 Nov.
825	1421 26 Déc.	861	1456 29 Nov.	897	1491 4 Nov.
826	1422 15 Déc.	862	1457 19 Nov.	898	1492 23 Oct.
827	1423 5 Déc.	863	1458 8 Nov.	899	1493 12 Oct.
828	1424 23 Nov.	864	1459 28 Oct.	900	1494 2 Oct.
829	1425 13 Nov.	865	1460 17 Oct.	901	1495 21 Sept.
830	1426 2 Nov.	866	1461 6 Oct.	902	1496 9 Sept.
831	1427 22 Oct.	867	1462 26 Sept.	903	1497 30 Août
832	1428 11 Oct.	868	1463 15 Sept.	904	1498 19 Août
833	1429 30 Sept.	869	1464 3 Sept.	905	1499 8 Août
834	1430 19 Sept.	870	1465 24 Août	906	1500 28 Juil.
835	1431 9 Sept.	871	1466 13 Août	907	1501 17 Juil.
836	1432 28 Août	872	1467 2 Août	908	1502 7 Juil.
837	1433 18 Août	873	1468 22 Juil.	909	1503 26 Juin

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
910	1504 14 Juin	946	1539 19 Mai	982	1574 23 Avril
911	1505 4 Juin	947	1540 8 Mai	983	1575 12 Avril
912	1506 24 Mai	948	1541 27 Avril	984	1576 31 Mars
913	1507 13 Mai	949	1542 17 Avril	985	1577 21 Mars
914	1508 2 Mai	950	1543 6 Avril	986	1578 10 Mars
915	1509 21 Avril	951	1544 25 Mars	987	1579 28 Fév.
916	1510 10 Avril	952	1545 15 Mars	988	1580 17 Fév.
917	1511 31 Mars	953	1546 4 Mars	989	1581 5 Fév.
918	1512 19 Mars	954	1547 21 Fév.	990	1582 26 Jan.
919	1513 9 Mars	955	1548 11 Fév.	991	1583 25 Jan.
920	1514 26 Fév.	956	1549 30 Jan.	992	1584 14 Jan.
921	1515 15 Fév.	957	1550 20 Jan.	993	1585 3 Jan.
922	1516 5 Fév.	958	1551 9 Jan.	994	1585 23 Déc.
923	1517 24 Jan.	959	1551 29 Déc.	995	1586 12 Déc.
924	1518 13 Jan.	960	1552 18 Déc.	996	1587 2 Déc.
925	1519 3 Jan.	961	1553 7 Déc.	997	1588 20 Nov.
926	1519 23 Déc.	962	1554 26 Nov.	998	1589 10 Nov.
927	1520 12 Déc.	963	1555 16 Nov.	999	1590 30 Oct.
928	1521 1 Déc.	964	1556 4 Nov.	1000	1591 19 Oct.
929	1522 20 Nov.	965	1557 24 Oct.	1001	1592 8 Oct.
930	1523 10 Nov.	966	1558 14 Oct.	1002	1593 27 Sept.
931	1524 29 Oct.	967	1559 3 Oct.	1003	1594 16 Sept.
932	1525 18 Oct.	968	1560 22 Sept.	1004	1595 6 Sept.
933	1526 8 Oct.	969	1561 11 Sept.	1005	1596 25 Août
934	1527 27 Sept.	970	1562 31 Août	1006	1597 14 Août
935	1528 15 Sept.	971	1563 21 Août	1007	1598 4 Août
936	1529 5 Sept.	972	1564 9 Août	1008	1599 24 Juil.
937	1530 25 Août	973	1565 29 Juil.	1009	1600 13 Juil.
938	1531 15 Août	974	1566 19 Juil.	1010	1601 2 Juil.
939	1532 3 Août	975	1567 8 Juil.	1011	1602 21 Juin
940	1533 23 Juil.	976	1568 26 Juin	1012	1603 11 Juin
941	1534 13 Juil.	977	1569 16 Juin	1013	1604 30 Mai
942	1535 2 Juil.	978	1570 5 Juin	1014	1605 19 Mai
943	1536 20 Juin	979	1571 26 Mai	1015	1606 9 Mai
944	1537 10 Juin	980	1572 14 Mai	1016	1607 28 Avril
945	1538 30 Mai	981	1573 3 Mai	1017	1608 17 Avril

XI

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Année de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1018	1609 6 Avril	1054	1644 10 Mars	1090	1679 12 Fév.
1019	1610 26 Mars	1055	1645 27 Fév.	1091	1680 2 Fév.
1020	1611 16 Mars	1056	1646 17 Fév.	1092	1681 21 Jan.
1021	1612 4 Mars	1057	1647 6 Fév.	1093	1682 10 Jan.
1022	1613 21 Fév.	1058	1648 27 Jan.	1094	1682 31 Déc.
1023	1614 11 Fév.	1059	1649 15 Jan.	1095	1683 20 Déc.
1024	1615 31 Jan.	1060	1650 4 Jan.	1096	1684 8 Déc.
1025	1616 20 Jan.	1061	1650 25 Déc.	1097	1685 28 Nov.
1026	1617 9 Jan.	1062	1651 14 Déc.	1098	1686 17 Nov.
1027	1617 29 Déc.	1063	1652 2 Déc.	1099	1687 7 Nov.
1028	1618 19 Déc.	1064	1653 22 Nov.	1100	1688 26 Oct.
1029	1619 8 Déc.	1065	1654 11 Nov.	1101	1689 15 Oct.
1030	1620 26 Nov.	1066	1655 31 Oct.	1102	1690 5 Oct.
1031	1621 16 Nov.	1067	1656 20 Oct.	1103	1691 24 Sept.
1032	1622 5 Nov.	1068	1657 9 Oct.	1104	1692 12 Sept.
1033	1623 25 Oct.	1069	1658 29 Sept.	1105	1693 2 Sept.
1034	1624 14 Oct.	1070	1659 18 Sept.	1106	1694 22 Août
1035	1625 3 Oct.	1071	1660 6 Sept.	1107	1695 12 Août
1036	1626 22 Sept.	1072	1661 27 Août	1108	1696 31 Juil.
1037	1627 12 Sept.	1073	1662 16 Août	1109	1697 20 Juil.
1038	1628 31 Août	1074	1663 5 Août	1110	1698 10 Juil.
1039	1629 21 Août	1075	1664 25 Juil.	1111	1699 29 Juin
1040	1630 10 Août	1076	1665 14 Juil.	1112	1700 18 Juin
1041	1631 30 Juil.	1077	1666 4 Juil.	1113	1701 8 Juin
1042	1632 19 Juil.	1078	1667 23 Juin	1114	1702 28 Mai
1043	1633 8 Juil.	1079	1668 11 Juin	1115	1703 17 Mai
1044	1634 27 Juin	1080	1669 1 Juin	1116	1704 6 Mai
1045	1635 17 Juin	1081	1670 21 Mai	1117	1705 25 Avril
1046	1636 5 Juin	1082	1671 10 Mai	1118	1706 15 Avril
1047	1637 26 Mai	1083	1672 29 Avril	1119	1707 4 Avril
1048	1638 15 Mai	1084	1673 18 Avril	1120	1708 23 Mars
1049	1639 4 Mai	1085	1674 7 Avril	1121	1709 13 Mars
1050	1640 23 Avril	1086	1675 28 Mars	1122	1710 2 Mars
1051	1641 12 Avril	1087	1676 16 Mars	1123	1711 19 Fév.
1052	1642 1 Avril	1088	1677 6 Mars	1124	1712 9 Fév.
1053	1643 22 Mars	1089	1678 23 Fév.	1125	1713 28 Jan.

## XII

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1126	1714 17 Jan.	1162	1748 22 Déc.	1198	1783 26 Nov.
1127	1715 7 Jan.	1163	1749 11 Déc.	1199	1784 14 Nov.
1128	1715 27 Déc.	1164	1750 30 Nov.	1200	1785 4 Nov.
1129	1716 16 Déc.	1165	1751 20 Nov.	1201	1786 24 Oct.
1130	1717 5 Déc.	1166	1752 8 Nov.	1202	1787 13 Oct.
1131	1718 24 Nov.	1167	1753 29 Oct.	1203	1788 2 Oct.
1132	1719 14 Nov.	1168	1754 18 Oct.	1204	1789 21 Sept.
1133	1720 2 Nov.	1169	1755 7 Oct.	1205	1790 10 Sept.
1134	1721 22 Oct.	1170	1756 26 Sept.	1206	1791 31 Août
1135	1722 12 Oct.	1171	1757 15 Sept.	1207	1792 19 Août
1136	1723 1 Oct.	1172	1758 4 Sept.	1208	1793 9 Août
1137	1724 20 Sept.	1173	1759 25 Août	1209	1794 29 Juil.
1138	1725 9 Sept.	1174	1760 13 Août	1210	1795 18 Juil.
1139	1726 29 Août	1175	1761 2 Août	1211	1796 7 Juil.
1140	1727 19 Août	1176	1762 23 Juil.	1212	1797 26 Juin
1141	1728 7 Août	1177	1763 12 Juil.	1213	1798 15 Juin
1142	1729 27 Juil.	1178	1764 1 Juil.	1214	1799 5 Juin
1143	1730 17 Juil.	1179	1765 20 Juin	1215	1800 25 Mai
1144	1731 6 Juil.	1180	1766 9 Juin	1216	1801 14 Mai
1145	1732 24 Juin	1181	1767 30 Mai	1217	1802 4 Mai
1146	1733 14 Juin	1182	1768 18 Mai	1218	1803 23 Avril
1147	1734 3 Juin	1183	1769 7 Mai	1219	1804 12 Avril
1148	1735 24 Mai	1184	1770 27 Avril	1220	1805 1 Avril
1149	1736 12 Mai	1185	1771 16 Avril	1221	1806 21 Mars
1150	1737 1 Mai	1186	1772 4 Avril	1222	1807 11 Mars
1151	1738 21 Avril	1187	1773 25 Mars	1223	1808 23 Fév.
1152	1739 10 Avril	1188	1774 14 Mars	1224	1809 16 Fév.
1153	1740 29 Mars	1189	1775 4 Mars	1225	1810 6 Fév.
1154	1741 19 Mars	1190	1776 21 Fév.	1226	1811 26 Jan.
1155	1742 8 Mars	1191	1777 9 Fév.	1227	1812 16 Jan.
1156	1743 25 Fév.	1192	1778 30 Jan.	1228	1813 4 Jan.
1157	1744 15 Fév.	1193	1779 19 Jan.	1229	1813 24 Déc.
1158	1745 3 Fév.	1194	1780 8 Jan.	1230	1814 14 Déc.
1159	1746 24 Jan.	1195	1780 28 Déc.	1231	1815 3 Déc.
1160	1747 13 Jan.	1196	1781 17 Déc.	1232	1816 21 Nov.
1161	1748 2 Jan.	1197	1782 7 Déc.	1233	1817 11 Nov.

## XIII

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1234	1818 31 Oct.	1270	1853 4 Oct.	1306	1888 7 Sept.
1235	1819 20 Oct.	1271	1854 24 Sept.	1307	1889 28 Août
1236	1820 9 Oct.	1272	1855 13 Sept.	1308	1890 17 Août
1237	1821 28 Sept.	1273	1856 1 Sept.	1309	1891 7 Août
1238	1822 18 Sept.	1274	1857 22 Août	1310	1892 26 Juil.
1239	1823 7 Sept.	1275	1858 11 Août	1311	1893 15 Juil.
1240	1824 26 Août	1276	1859 31 Juil.	1312	1894 5 Juil.
1241	1825 16 Août	1277	1860 20 Juil.	1313	1895 24 Juin
1242	1826 5 Août	1278	1861 9 Juil.	1314	1896 12 Juin
1243	1827 25 Juil.	1279	1862 29 Juin	1315	1897 2 Juin
1244	1828 14 Juil.	1280	1863 18 Juin	1316	1898 23 Mai
1245	1829 3 Juil.	1281	1864 6 Juin	1317	1899 12 Mai
1246	1830 22 Juin	1282	1865 27 Mai	1318	1900 1 Mai
1247	1831 12 Juin	1283	1866 16 Mai	1319	1901 20 Avril
1248	1832 31 Mai	1284	1867 5 Mai	1320	1902 10 Avril
1249	1833 21 Mai	1285	1868 24 Avril	1321	1903 30 Mars
1250	1834 10 Mai	1286	1869 13 Avril	1322	1904 18 <sup>e</sup> Mars
1251	1835 29 Avril	1287	1870 3 Avril	1323	1905 8 Mars
1252	1836 18 Avril	1288	1871 23 Mars	1324	1906 25 Fév.
1253	1837 7 Avril	1289	1872 11 Mars	1325	1907 14 Fév.
1254	1838 27 Mars	1290	1873 1 Mars	1326	1908 4 Fév.
1255	1839 17 Mars	1291	1874 18 Fév.	1327	1909 23 Jan.
1256	1840 5 Mars	1292	1875 7 Fév.	1328	1910 13 Jan.
1257	1841 23 Fév.	1293	1876 28 Jan.	1329	1911 2 Jan.
1258	1842 12 Fév.	1294	1877 16 Jan.	1330	1911 22 Déc.
1259	1843 1 Fév.	1295	1878 5 Jan.	1331	1912 11 Déc.
1260	1844 22 Jan.	1296	1878 26 Déc.	1332	1913 30 Nov.
1261	1845 10 Jan.	1297	1879 15 Déc.	1333	1914 19 Nov.
1262	1845 30 Déc.	1298	1880 4 Déc.	1334	1915 9 Nov.
1263	1846 20 Déc.	1299	1881 23 Nov.	1335	1916 28 Oct.
1264	1847 9 Déc.	1300	1882 12 Nov.	1336	1917 17 Oct.
1265	1848 27 Nov.	1301	1883 2 Nov.	1337	1918 7 Oct.
1266	1849 17 Nov.	1302	1884 21 Oct.	1338	1919 26 Sept.
1267	1850 6 Nov.	1303	1885 10 Oct.	1339	1920 15 Sept.
1268	1851 27 Oct.	1304	1886 30 Sept.	1340	1921 4 Sept.
1269	1852 15 Oct.	1305	1887 19 Sept.	1341	1922 24 Août.



XIV

Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes	Années de l'Hégire	Années chrétiennes
1342	1923 14 Août	1369	1949 24 Oct.	1396	1976 3 Jan.
1343	1924 2 Août	1370	1950 13 Oct.	1397	1976 23 Déc.
1344	1925 22 Juil.	1371	1951 2 Oct.	1398	1977 12 Déc.
1345	1926 12 Juil.	1372	1952 21 Sept.	1399	1978 2 Déc.
1346	1927 1 Juil.	1373	1953 10 Sept.	1400	1979 21 Nov.
1347	1928 20 Juin	1374	1954 30 Août	1401	1980 9 Nov.
1348	1929 9 Juin	1375	1955 20 Août	1402	1981 30 Oct.
1349	1930 29 Mai	1376	1956 8 Août	1403	1982 19 Oct.
1350	1931 19 Mai	1377	1957 29 Juil.	1404	1983 8 Oct.
1351	1932 7 Mai	1378	1958 18 Juil.	1405	1984 27 Sept.
1352	1933 26 Avril	1379	1959 7 Juil.	1406	1985 16 Sept.
1353	1934 16 Avril	1380	1960 26 Juin	1407	1986 6 Sept.
1354	1935 5 Avril	1381	1961 15 Juin	1408	1987 26 Août
1355	1936 24 Mars	1382	1962 4 Juin	1409	1988 14 Août
1356	1937 14 Mars	1383	1963 25 Mai	1410	1989 4 Août
1357	1938 3 Mars	1384	1964 13 Mai	1411	1990 24 Juil.
1358	1939 21 Fév.	1385	1965 2 Mai	1412	1991 13 Juil.
1359	1940 10 Fév.	1386	1966 22 Avril	1413	1992 2 Juil.
1360	1941 29 Jan.	1387	1967 11 Avril	1414	1993 21 Juin
1361	1942 19 Jan.	1388	1968 31 Mars	1415	1994 10 Juin
1362	1943 8 Jan.	1389	1969 20 Mars	1416	1995 31 Mai
1363	1943 28 Déc.	1390	1970 9 Mars	1417	1996 19 Mai
1364	1944 17 Déc.	1391	1971 27 Fév.	1418	1997 9 Mai
1365	1945 6 Déc.	1392	1972 16 Fév.	1419	1998 28 Avril
1366	1946 25 Nov.	1393	1973 4 Fév.	1420	1999 17 Avril
1367	1947 15 Nov.	1394	1974 25 Jan.	1421	2000 6 April
1368	1948 3 Nov.	1395	1975 14 Jan.		

## XVII

MUHARRAM		SAFAR		RABI I		RABI II		DJAMADI I		DJAMADI II	
Jours		Jours		Jours		Jours		Jours		Jours	
Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année
1	1	1	31	1	60	1	90	1	119	1	149
2	2	2	32	2	61	2	91	2	120	2	150
3	3	3	33	3	62	3	92	3	121	3	151
4	4	4	34	4	63	4	93	4	122	4	152
5	5	5	35	5	64	5	94	5	123	5	153
6	6	6	36	6	65	6	95	6	124	6	154
7	7	7	37	7	66	7	96	7	125	7	155
8	8	8	38	8	67	8	97	8	126	8	156
9	9	9	39	9	68	9	98	9	127	9	157
10	10	10	40	10	69	10	99	10	128	10	158
11	11	11	41	11	70	11	100	11	129	11	159
12	12	12	42	12	71	12	101	12	130	12	160
13	13	13	43	13	72	13	102	13	131	13	161
14	14	14	44	14	73	14	103	14	132	14	162
15	15	15	45	15	74	15	104	15	133	15	163
16	16	16	46	16	75	16	105	16	134	16	164
17	17	17	47	17	76	17	106	17	135	17	165
18	18	18	48	18	77	18	107	18	136	18	166
19	19	19	49	19	78	19	108	19	137	19	167
20	20	20	50	20	79	20	109	20	138	20	168
21	21	21	51	21	80	21	110	21	139	21	169
22	22	22	52	22	81	22	111	22	140	22	170
23	23	23	53	23	82	23	112	23	141	23	171
24	24	24	54	24	83	24	113	24	142	24	172
25	25	25	55	25	84	25	114	25	143	25	173
26	26	26	56	26	85	26	115	26	144	26	174
27	27	27	57	27	86	27	116	27	145	27	175
28	28	28	58	28	87	28	117	28	146	28	176
29	29	29	59	29	88	29	118	29	147	29	177
30	30			30	89			30	148		



XVIII

RADJAB		CHA'BAN		RAMAZAN		CHAVVAL		ZU-'L-KADAH		ZU-'LHIJAH	
Jours		Jours		Jours		Jours		Jours		Jours	
Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année	Mois	Année
1	178	1	208	1	237	1	267	1	296	1	326
2	179	2	209	2	238	2	268	2	297	2	327
3	180	3	210	3	239	3	269	3	298	3	328
4	181	4	211	4	240	4	270	4	299	4	329
5	182	5	212	5	241	5	271	5	300	5	330
6	183	6	213	6	242	6	272	6	301	6	331
7	184	7	214	7	243	7	273	7	302	7	332
8	185	8	215	8	244	8	274	8	303	8	333
9	186	9	216	9	245	9	275	9	304	9	334
10	187	10	217	10	246	10	276	10	305	10	335
11	188	11	218	11	247	11	277	11	306	11	336
12	189	12	219	12	248	12	278	12	307	12	337
13	190	13	220	13	249	13	279	13	308	13	338
14	191	14	221	14	250	14	280	14	309	14	339
15	192	15	222	15	251	15	281	15	310	15	340
16	193	16	223	16	252	16	282	16	311	16	341
17	194	17	224	17	253	17	283	17	312	17	342
18	195	18	225	18	254	18	284	18	313	18	343
19	196	19	226	19	255	19	285	19	314	19	344
20	197	20	227	20	256	20	286	20	315	20	345
21	198	21	228	21	257	21	287	21	316	21	346
22	199	22	229	22	258	22	288	22	317	22	347
23	200	23	230	23	259	23	289	23	318	23	348
24	201	24	231	24	260	24	290	24	319	24	349
25	202	25	232	25	261	25	291	25	320	25	350
26	203	26	233	26	262	26	292	26	321	26	351
27	204	27	234	27	263	27	293	27	322	27	352
28	205	28	235	28	264	28	294	28	323	28	353
29	206	29	236	29	265	29	295	29	324	29	354
30	207			30	266			30	325	30	355

IMPRIMERIE BÉROUKHIM, TÉHÉRAN

JANVIER			FÉVRIER			MARS			AVRIL			MAI			JUIN		
Année		Jour de l'an.	Année		Jour de l'an.	Année		Jour de l'an.	Année		Jour de l'an.	Année		Jour de l'an.	Année		Jour de l'an.
Commune	Bissextile		Commune	Bissextile		Commune	Bissextile		Commune	Bissextile		Commune	Bissextile		Commune	Bissextile	
1	1	1	1	1	32	1		60	1		91	1		121	1		152
2	2	2	2	2	33	2	1	61	2	1	92	2	1	122	2	1	153
3	3	3	3	3	34	3	2	62	3	2	93	3	2	123	3	2	154
4	4	4	4	4	35	4	3	63	4	3	94	4	3	124	4	3	155
5	5	5	5	5	36	5	4	64	5	4	95	5	4	125	5	4	156
6	6	6	6	6	37	6	5	65	6	5	96	6	5	126	6	5	157
7	7	7	7	7	38	7	6	66	7	6	97	7	6	127	7	6	158
8	8	8	8	8	39	8	7	67	8	7	98	8	7	128	8	7	159
9	9	9	9	9	40	9	8	68	9	8	99	9	8	129	9	8	160
10	10	10	10	10	41	10	9	69	10	9	100	10	9	130	10	9	161
11	11	11	11	11	42	11	10	70	11	10	101	11	10	131	11	10	162
12	12	12	12	12	43	12	11	71	12	11	102	12	11	132	12	11	163
13	13	13	13	13	44	13	12	72	13	12	103	13	12	133	13	12	164
14	14	14	14	14	45	14	13	73	14	13	104	14	13	134	14	13	165
15	15	15	15	15	46	15	14	74	15	14	105	15	14	135	15	14	166
16	16	16	16	16	47	16	15	75	16	15	106	16	15	136	16	15	167
17	17	17	17	17	48	17	16	76	17	16	107	17	16	137	17	16	168
18	18	18	18	18	49	18	17	77	18	17	108	18	17	138	18	17	169
19	19	19	19	19	50	19	18	78	19	18	109	19	18	139	19	18	170
20	20	20	20	20	51	20	19	79	20	19	110	20	19	140	20	19	171
21	21	21	21	21	52	21	20	80	21	20	111	21	20	141	21	20	172
22	22	22	22	22	53	22	21	81	22	21	112	22	21	142	22	21	173
23	23	23	23	23	54	23	22	82	23	22	113	23	22	143	23	22	174
24	24	24	24	24	55	24	23	83	24	23	114	24	23	144	24	23	175
25	25	25	25	25	56	25	24	84	25	24	115	25	24	145	25	24	176
26	26	26	26	26	57	26	25	85	26	25	116	26	25	146	26	25	177
27	27	27	27	27	58	27	26	86	27	26	117	27	26	147	27	26	178
28	28	28	28	28	59	28	27	87	28	27	118	28	27	148	28	27	179
29	29	29	29	29	60	29	28	88	29	28	119	29	28	149	29	28	180
30	30	30				30	29	89	30	29	120	30	29	150	30	29	181
31	31	31				31	30	90		30	121	31	30	151		30	182
							31	91					31	152			

XVI

JUILLET			AOÛT			SEPTEMBRE			OCTOBRE			NOVEMBRE			DÉCEMBRE		
Commune	Année		Commune	Année		Commune	Année		Commune	Année		Commune	Année		Commune	Année	
	Bissextille	Jour de l'an		Bissextille	Jour de l'an		Bissextille	Jour de l'an		Bissextille	Jour de l'an		Bissextille	Jour de l'an		Bissextille	Jour de l'an
1		182	1		213	1		244	1		274	1		305	1		335
2	1	183	2	1	214	2	1	245	2	1	275	2	1	306	2	1	336
3	2	184	3	2	215	3	2	246	3	2	276	3	2	307	3	2	337
4	3	185	4	3	216	4	3	247	4	3	277	4	3	308	4	3	338
5	4	186	5	4	217	5	4	248	5	4	278	5	4	309	5	4	339
6	5	187	6	5	218	6	5	249	6	5	279	6	5	310	6	5	340
7	6	188	7	6	219	7	6	250	7	6	280	7	6	311	7	6	341
8	7	189	8	7	220	8	7	251	8	7	281	8	7	312	8	7	342
9	8	190	9	8	221	9	8	252	9	8	282	9	8	313	9	8	343
10	9	191	10	9	222	10	9	253	10	9	283	10	9	314	10	9	344
11	10	192	11	10	223	11	10	254	11	10	284	11	10	315	11	10	345
12	11	193	12	11	224	12	11	255	12	11	285	12	11	316	12	11	346
13	12	194	13	12	225	13	12	256	13	12	286	13	12	317	13	12	347
14	13	195	14	13	226	14	13	257	14	13	287	14	13	318	14	13	348
15	14	196	15	14	227	15	14	258	15	14	288	15	14	319	15	14	349
16	15	197	16	15	228	16	15	259	16	15	289	16	15	320	16	15	350
17	16	198	17	16	229	17	16	260	17	16	290	17	16	321	17	16	351
18	17	199	18	17	230	18	17	261	18	17	291	18	17	322	18	17	352
19	18	200	19	18	231	19	18	262	19	18	292	19	18	323	19	18	353
20	19	201	20	19	232	20	19	263	20	19	293	20	19	324	20	19	354
21	20	202	21	20	233	21	20	264	21	20	294	21	20	325	21	20	355
22	21	203	22	21	234	22	21	265	22	21	295	22	21	326	22	21	356
23	22	204	23	22	235	23	22	266	23	22	296	23	22	327	23	22	357
24	23	205	24	23	236	24	23	267	24	23	297	24	23	328	24	23	358
25	24	206	25	24	237	25	24	268	25	24	298	25	24	329	25	24	359
26	25	207	26	25	238	26	25	269	26	25	299	26	25	330	26	25	360
27	26	208	27	26	239	27	26	270	27	26	300	27	26	331	27	26	361
28	27	209	28	27	240	28	27	271	28	27	301	28	27	332	28	27	362
29	28	210	29	28	241	29	28	272	29	28	302	29	28	333	29	28	363
30	29	211	30	29	242	30	29	273	30	29	303	30	29	334	30	29	364
31	30	212	31	30	243			274	31	30	304			335	31	30	365
	31	213		31	244					31	305					31	366

# فہرستہا



## منابع و مأخذ

### الف - منابع فارسی

- آرون (ریموند) : «تاریخ و جامعه‌شناسی» ترجمه دکتر نیک-  
گهر در مجله نگین، اردیبهشت ۱۳۵۶ خورشیدی  
تدارك پژوهشنامه - تهران.
- آریانپور (ا.ج) :  
مقدمه ، ترجمه محمود عرفان از انتشارات بنگاه  
نشر کتاب .
- امری نف :  
فلسفه تاریخ ، ترجمه دکتر عبدالله فریار ،  
تهران ۱۳۴۰ خورشیدی
- بهروز (ذبیح) :  
تقویم و تاریخ در ایران، تهران - ۱۳۳۱ ،  
خورشیدی
- تقی‌زاده (حسن) :  
گاهشمارى در ایران قدیم، تهران ۱۳۱۷  
شمسی
- تیموری (دکتر ابراهیم) :  
عصری خبری یادوره و اگذاری امتیازات،  
تهران ۱۳۳۲

- خواجه نوری (عباسقلی) : روش تحقیق، تهران ۱۳۴۵
- دانشگاه پدافند ملی : بررسی ستادی، تهران ۱۳۴۹ خورشیدی
- » » » » : روش تحقیق، تهران ۱۳۴۹ خورشیدی
- » » » » : تحقیق و پایان نامه نویسی، ترجمه دکتر میر-  
فخرائی از منابع امریکائی، تهران، ۱۳۴۷ شمسی
- ذکاء (یحیی) : تاریخچه ساختمانهای ارك سلطنتی تهران،  
از انتشارات انجمن آثار ملی، تهران
- رضاقلی خان هدایت : روضه الصفاى ناصرى، چاپ سنگی، ۱۲۷۴  
قمری هجری، تهران
- رنوون و دوروزل : مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین المللی  
- ترجمه احمد میرفندرسکی، دانشگاه تهران،  
۱۳۵۴ شمسی
- صادقی (خسرو) : آئین نگارش ارزیابی کتاب، شیراز ۱۳۴۹
- قائم مقامی (دکتر جهانگیر) : مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، از  
انتشارات انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۱
- » » » » : «منابع تاریخ نویسی»، مجله سخن، دوره  
بیست و سوم، شماره يك، آذر ۱۳۵۲ شمسی
- » » » » : «تأثیر تاریخ در روابط ملتها»، مجموعه  
سخنرانی‌های نخستین کنگره تاریخ در ایران،  
تهران ۱۳۴۷ شمسی
- » » » » : مسأله هر موز در روابط ایران و پرتغال،  
تهران ۱۳۵۴



- مر ترضوی (دکتر جمشید) : ضرورت و فلسفه تاریخ؛ دانشگاه تهران ۲۵۳۶  
شاهنشاهی
- میرزا محمد تقی لسان الملك : ناسخ التواریخ ، کتاب قاجاریه ، به تصحیح  
جهانگیر قائم مقامی، تهران، ۱۳۳۷ شمسی
- میرزا مهدیخان استرآبادی : جهانگشای نادری به تصحیح عبدالله انوار ،  
تهران ۱۳۴۱ شمسی
- نبوی (دکتر بهروز) : مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی  
- چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۴
- نجم آبادی (احمد) : تقویم یکصد و پنج ساله تطبیقی ، تهران  
۱۳۳۴ شمسی
- همایون (دکتر غلامعلی) : اسناد مصور اروپائیان از ایران ، از  
انتشارات دانشگاه تهران دو جلد.
- یاسمی (رشید) : آئین نگارش تاریخ ، تهران ۱۳۱۶ شمسی

## ب۔ منابع خارجی

*Aron (Raymond)* : Les étapes de la pensée Sociologique, Paris, 1976.

*Aron* : L'Histoire et ses interpretations Paris, 1967.

*Berre (Henri)* : La synthèse en histoire, Albin Michel.

*Bloch (Camille)* et *Renouvin (Pierre)* : Guide de L'étudiant en Histoire Moderne. Paris, 1949.

*Couderc (Paul)* : Le Calendrier, Paris, 1948.

*Huisman (Denis)* : Méthode d'écrire de L'Histoire. Bruxelles.

*Favier (Jean)* : Les Archives, Paris, 1959.

*Harsin (P.)* : Comment on écrit Histoire.

*L'Histoire* et ses Méthodes : Paris, 1961.

*Mareshal (Paul)* : L'initiation a' l'histoire. par le document.

*Renouvin (Pierre)* : Orientation de recherche.

*Renouin (Pierre)* et *Duroselle (Jean Baptiste)* : Introduction à l'histoire des relations internationales. Paris, 1970.

*Widgery (Albans g.)* : Les grandes doctrines de l'histoire. de Conficius à Toynbee. Traduit de l'anglais par Serge Bricianer. Paris, 1961.

# فهرست عمومی اعلام

(نام کسان - جاها - مردسان)

۵۰	اتحاد جماهیر شوروی		
۳۵	اتریش		
۱۰۲-۸۴	اروپا	۳۵	آرشیدوک شارل
۲۵	اروپائی (محققان)	-۱۳۵-۴۱-۳۵-۳۳	آرون Aron
۹۸-۸۴	اروپائی (جهانگردان)	۱۳۸	
۱۳۷-۸۵	اروپائیان		
۶۶	اسکندر بیگ	۱۳۵-۶۳-۵۶-۵۰	آریان پور (ا. ح)
۱۰۱-۹۸-۷۱-۳۱	اسلام	۸۳	آشوری
۵۳	اصفهان	۳۰	آلبو کرک
۳۱	اعراب	۶۶	آل عثمان
۶۶	افشار (ایرج)		
۳۳-۱۲	افشار (سلسله)		
۹۱-۱۴	افغانستان	۱۳۵-۶۵-۶۲-۲۸	ابن خلدون
۶۵-۶۲	اقبال (عباس)	۶۱	ابن سینا (کتابخانه)
۱۳۸-۹۸-۳۲	امریکائی	۸۲-۸۱	ابونصر مشکان (خواجه)

آ

الف

Braun Hogenberg برون هوگنبرگ

۸۶

Serge Bricianer بری سبانه

۱۳۸

Camille Bloch بلوک (کامیل)

۱۳۸

بنی اسرائیل

۲۸

بونصر ر. ک. به ابونصر مشکان

۱۳۵-۹۹

بهروز (ذبیح)

۶۵

بهزاد (محمود)

۴۰

بیکن (فرانسیس)

۸۲-۸۱-۵۴

بیهمتی (ابوالفضل)

## پ

پارسی

۸۳

پاریس

۱۳۸-۹۶-۷۶-۱۹

پاریس (دانشگاه)

۹۵

پازار گاد (دکتر بهاء الدین)

۸۸

پدافند ملی (دانشگاه)

۱-۲-۲۳-۳۲

۱۳۶

پرتغال

۱۳۶-۳۱-۳۰

پرتغالی ها

۳۰

پرهام (سیروس)

۶۵-۶۱

پرو (ن) N. Perrou

۹۳

پلوتارک

۸۰

پوزانیاس

۸۰

## ت

تاین بی (آرنولد)

۱۳۸-۸۸

تبریز

۶۲

امریکائی (محققان)

۵۲

امری، نف

۱۳۵-۸۴

امیر کبیر (مؤسسه انتشارات)

۶۶

انگلستان

۱۱

انگلیس

۶۷-۴۲-۱۲-۱۱

انگلیسها

۴۲

انوار (سید عبدالله)

۱۳۷-۶

ادلناریوس

۸۶

ایتالیا

۸۱

ایتالیائی

۸۱

ایران

۱۱-۱۴-۳۰-۳۲-۴۲-۶۶

۶۷-۶۸-۷۱-۸۵-۹۱-۹۸

۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۳۶

۱۳۷

ایران (ارتش)

۱۲

ایران (انقلاب مشروطه)

۳۴

ایران (شرکت سهامی تحریر)

۱۰۹

ایران (ملت)

۹۱-۴۲

ایرانی

۵۱

ایرانیان

۱۰۲-۳۱

اوبغوری

۱۰۵-۱۰۴-۱۰۲-۱۰۱

## ب

بابلی

۸۳

Baluz بالوز

۸۰

بر (هانری) Henri Berre

۱۳۸

براهنی (محمدتقی)

۶۲

برودل (فرناند) Fernand Braudel

۹۲

**د**  
 داوئر (رابرت) ۶۵-۶۱  
 دکارت ۳۷-۳۶  
 دوروزل (پروفور ژان باتیست)  
 ۱۳۸-۱۳۶-۹۶-۹۵-۹۴  
 دهلی ۶  
 دیاگونوف (م.م) ۶۵-۶۱

**ذ**  
 ذکاء (یحیی) ۱۳۶-۸۵

**ر**  
 راتزل ۹۰  
 رضوی (مسعود) ۶۲  
 رنوون (پروفور پی یر) ۹۶-۹۴  
 ۱۳۸-۱۳۶  
 روحی ارباب ۶۵-۶۱  
 روسیه ۶۷

**ز**  
 زند (دوره) ۳۴-۱۲  
 زندیه ۱۲

**س**  
 ساسانیان ۱۲  
 سترابون ۸۰  
 سعدی ۵۴-۵۱  
 سگنوبوس ۷۶  
 سلطانیه ۸۶

۸۲ ترکستان (خانان)  
 -۱۰۰-۹۹-۹۸ تقی زاده (حسن)  
 ۱۳۵-۱۰۲-۱۰۱  
 ۶۵-۶۲-۶۱-۶۰-۵۳ تهران  
 ۸۵ تهران (ارک سلطنتی)  
 -۸۵-۶۵-۶۱ تهران (دانشگاه)  
 ۱۳۷-۱۳۶  
 ۱۳۵-۳۲ تیموری (دکتر ابراهیم)  
 ۲۸ تبه (صحرای)

**ج**  
 جلالی (تقویم) ۱۰۱-۱۰۰-۹۹

**چ**  
 چین ۹۱

**خ**  
 ختا ۱۰۱  
 خراجی (تقویم) ۹۹  
 خسروی (خسرو) ۶۵-۶۲  
 خشیارشا ۴۵  
 خلیفه ۸۱  
 خواجه نوری (عباسقلی) ۳۷-۳۱-۱

۱۳۶-۴۰  
 ۷۶-۶۵-۶۲-۶۰-۲۳ خیام  
 ۶۲ خیام (کتابفروشی)  
 ۱۱۲-۱۰۸-۱۰۷ خیامی

۱۹	فیور (لوسین)	۸۶	سلطانیہ (گنبد)
۸۱-۶۷-۱۱	فرانسه	۸۴	سن اگوستن
۱۹	فرانسوی	۸۳	سومری
۱۳۵-۸۴	فریاری (دکتر عبداله)	۷۶	Sauvaget سوواژه
۸۶	فلاندن	۶۵-۶۱	سیاسی (دکتر علی اکبر)
-۶۵-۶۰-۲۳	فولادوند (محمد مهدی)	۱۴	سیستان
۸۲-۷۶		۱۴	سیستان (مردم)
۹۱	فیلیپ دوم		

### ق

-۱۳۶-۳۱-۶	قائم مقامی (جهانگیر)
۱۳۷	
۱۲-۶	قاجاریہ
۱۰۲-۳۴	قاجار (سلسلہ)
۱۴-۱۱	قاجار (دورہ)
۱۰۱	قیچاق
۸۶	قرل اوزن (پل)
۶۵-۶۳	قزوینی (محمد)

### ک

۶۱	کاردان (علی محمد)
۳۸	کانت
۷۶	کامن (کلود)
۸۰	کلبر
۱۳۸	کنفیسوس
۱۳۸	کودرک (پل)
۸۶	کوست

### گ

۸۵	گلستان (کاخ)
----	--------------

### ش

۸۶	شاردن (شوالید)
۲۸	شام

### ص

۱۳۶-۲	صادقی (خسرو)
۶۵-۶۱	صفا (دکتر ذبیح الہ)
۳۴-۱۲-۱۱	صفوی

### ع

۱۲	عباس (شاه)
۶۶	عثمانی
۱۳۵-۲۸	عرفان (محمود)
۹۹	عمر خیام
۸۳	عیلامی

### غ

۸۱-۵۴	غزنوی (سلطان مسعود)
-------	---------------------

### ف

۱۳۸-۸۱	فاویہ (ژان)
--------	-------------

## ل

۲۸ موسی  
 ۱۳۷-۶ مهدیخان استرآبادی (میرزا)  
 ۳۲ میرفخرائی (دکتر)  
 ۱۳۶-۹۴ میرفندرسکی (دکتر احمد)  
 ۱۳۸ میشل (آلبن)

۸۴ لاروس  
 ۱۳۷-۶ لسانانملك (میرزا محمد تقی)  
 ۸۰ لوئی چهاردهم  
 ۸۰ لوسین

## ن

۴۵ نادرشاه  
 ۵۱ ناصر خسرو  
 ۱۳۷-۳۲-۲ نبوی (دکتر بهروز)  
 ۱۳۷-۱۰۹ نجم آبادی (احمد)  
 ۶۵-۶۱ نصیرالدین طوسی (خواجده)  
 ۴۳ نیچه  
 ۱۳۵-۳۵ نیک گهر (دکتر)

## و

۱۳۸ ویجری (آلبان)

## ه

۱۳۸ هارسن (پ)  
 ۶۰ هالبداکس (موریس)  
 ۱۴ هامون (دریاچه)  
 ۱۳۶-۶ هدایت (رضاقلی خان)  
 ۱۳۶-۳۱-۳۰ هرموز (جزیره)  
 ۷۸ هرودوت  
 ۵۳-۳۸-۳۷ هگل  
 ۵۳ هه گل  
 ۱۳۷-۸۵ همایون (دکتر غلامعلی)  
 ۹۱-۴۵ هندوستان

## م

۱۲ مادها  
 ۱۳۸ مارشال (پل)  
 ۹۹ متو کلی (تقویم)  
 ۱۰۳-۱۰۲ مجلس شورای ملی  
 ۶۵-۶۲ محجوب (دکتر محمد جعفر)  
 ۹۱ مدیترانه  
 ۱۳۷-۲ مرتضوی (دکتر جمشید)  
 ۷۶ مسلمان (کشورهای شرقی)  
 ۲۸ مسعودی  
 ۸۱-۵۴ مسعود غزنوی (سلطان)  
 ۱۰۲ مسیحی (گاشماری)  
 ۱۰۲ مسیحی (ملل)  
 ۸۴ مسیحیان  
 ۴۲ مشروطیت (فرمان)  
 ۲۸ مصر  
 ۶۳-۶۲ مصطفوی رجالی (سیمین)  
 ۴۲ مظفرالدین شاه  
 ۹۹ معتضدی (تقویم)  
 ۶۱ معین (دکتر محمد)  
 ۷۱ مغول  
 ۹۹ ملکشاه سلجوقی (سلطان)  
 ۸۱ موراتوری (آنتونیو)



	ی	۱۳۸	هوئسمان (دنيس)
		۶۰	هوشيار (محمد باقر)
۱۳۷-۸۲-۳۷-۱	ياسمی (رشيد)	۸۳	هيني
۹۹	يزدگردی (تقويم)	۱۴	هيرمند
۴۵	يونان		

